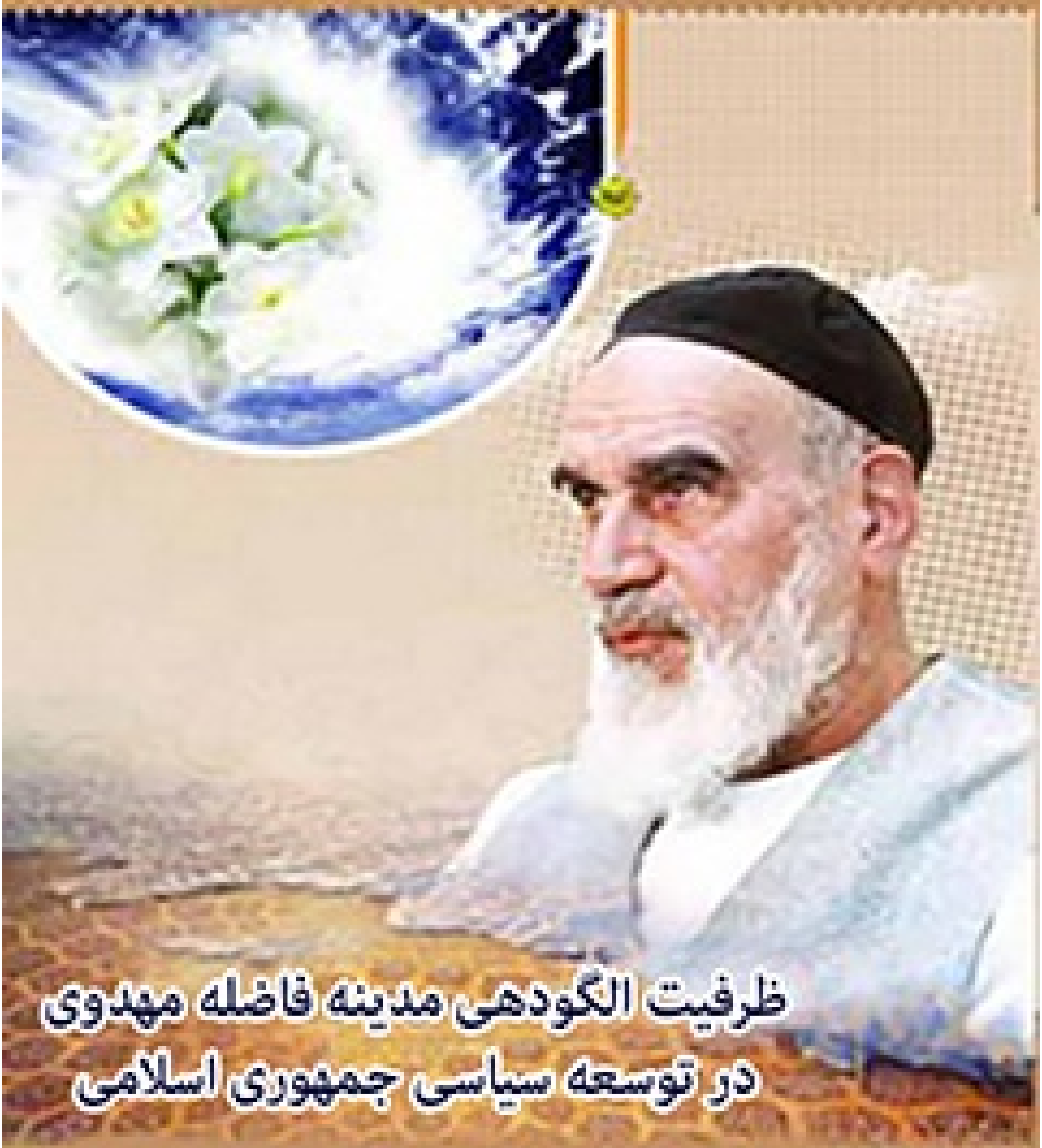


ظرفیت الگودهی مدینه فاضله مهدوی در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی

نرجس عبدیانی

بسم الله الرحمن الرحیم

ظرفیت الگودهی مدینه فاضله مهدوی در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران

نویسنده:

نرجس عبدیائی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ۵

ظرفیت الگودهی مدینه فاضله مهدوی در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران ۱۲

مشخصات کتاب ۱۲

اشاره ۱۲

فهرست مطالب ۱۶

مقدمه ۲۶

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۲۹

اشاره ۲۹

مقدمه ۳۰

گفتار اول: مفاهیم ۳۱

- الگو ۳۱

- ظرفیت ۳۳

- مدینه فاضله ۳۴

- مدینه فاضله مهدوی ۳۶

- توسعه ۳۸

- سیاست ۴۱

گفتار دوم: تئوری های توسعه سیاسی ۴۳

اشاره ۴۳

۱. طبقه بندی نظریات توسعه ۴۳

اشاره ۴۳

الف) نظریه های توسعه گرایی کلاسیک (۱۹۶۰-۱۹۵۹) ۴۳

ب) نظریه های الگویی (۱۹۶۰) ۴۴

ج) نظریه های بازگشت به تاریخ ۴۴

د) نظریه های معطوف به عوامل درونی ۴۵

ه) نظریه های معطوف به عوامل خارجی ---- ۴۵
و) نظریه های معطوف به عوامل داخلی و خارجی ---- ۴۵
۲. شاخصه های توسعه سیاسی ---- ۴۶
۳. نقد و بررسی تئوری های توسعه سیاسی ---- ۴۹
اشاره ---- ۴۹
الف) مزایا ---- ۴۹
ب) نواقص ---- ۵۰
ج) اختصاصات الگوگیری در نظام اسلامی ---- ۵۱
گفتار سوم: بررسی شاخصه های توسعه سیاسی در اسلام (دیدگاه آیت الله جوادی آملی) ---- ۵۴
۱. مفهوم توسعه، سیاست و توسعه سیاسی ---- ۵۴
اشاره ---- ۵۴
- توسعه ---- ۵۴
- تفاوت توسعه در نظام اسلامی و سرمایه داری ---- ۵۵
- سیاست ---- ۵۶
۲. توسعه سیاسی و ابعاد شخصیت مدیران توسعه ---- ۵۷
۳. ابعاد توسعه سیاسی در نظام اسلامی ---- ۶۰
اشاره ---- ۶۰
الف) بررسی شاخصه های فرهنگی توسعه سیاسی ---- ۶۰
اشاره ---- ۶۰
- هماهنگی علم و تزکیه و نقش آن در توسعه ---- ۶۳
اشاره ---- ۶۳
یکم. توسعه علمی ---- ۶۵
دوم. توسعه بعد روحی و اخلاقی جامعه ---- ۶۵
ب) بررسی شاخصه های اقتصادی توسعه سیاسی ---- ۶۵
اشاره ---- ۶۵
- نقش افراد در توسعه اقتصادی ---- ۶۷

- تفاوت توسعه اقتصادی در نظام اسلامی و غیر آن ---------- ۶۸
- شاخصه مهم کارگزاران توسعه اقتصادی ---------- ۶۹
- وظایف دولت در سیاست گذاری های اقتصادی ---------- ۷۱
ج) بررسی شاخصه های صنعتی در توسعه سیاسی ---------- ۷۳
د) بررسی شاخصه های حقوقی توسعه سیاسی ---------- ۷۸
اشاره ---------- ۷۸
- زوایای توسعه حقوقی ---------- ۸۰
- مسئله صلح جهانی، مقدمه توسعه حقوق بین الملل ---------- ۸۲
ه) جایگاه رهبری و مردم در توسعه سیاسی ---------- ۸۳
۱- امامت و ولایت ---------- ۸۳
اشاره ---------- ۸۳
یکم. رهبری الهی در عصر ظهور معصوم ---------- ۸۴
دوم. رهبری الهی در عصر غیبت ---------- ۸۶
۲- مردم ---------- ۹۰
و) اشاره ای به اهداف مدینه فاضله ---------- ۹۲
جمع بندی و پیش درآمدی بر فصول آتی ---------- ۹۵
فصل دوم: الگوی مدینه فاضله و مشروعیت سیاسی ---------- ۹۹
اشاره ---------- ۹۹
مقدمه ---------- ۱۰۰
گفتار اول: نظریه های مشروعیت ---------- ۱۰۱
۱. مفهوم مشروعیت ---------- ۱۰۱
اشاره ---------- ۱۰۱
۱) منشأ الهی مشروعیت ---------- ۱۰۳
اشاره ---------- ۱۰۳
الف) شاه خدایی ---------- ۱۰۳
ب) منشأ خدایی پادشاه ---------- ۱۰۳

ج) مأموریت و موهبت الهی ----- ۱۰۳
د) الهام از جانب خداوند ----- ۱۰۳
۲) مشروعیت با منشأ سنت ----- ۱۰۵
۳) مشروعیت کاریزما ----- ۱۰۶
۴) مشروعیت به واسطه انتخاب مردم ----- ۱۰۷
۵) مشروعیت به واسطه غلبه و زور ----- ۱۰۸
۶) مشروعیت از طریق استخلاف ----- ۱۰۸
۷) مشروعیت از طریق رأی اهل حل و عقد ----- ۱۰۸
۸) مشروعیت از طریق نصب الهی ----- ۱۰۸
۲. مشروعیت و مقبولیت ----- ۱۱۰
گفتار دوم: مشروعیت سیاسی در مدینه فاضله مهدوی ----- ۱۱۲
اشاره ----- ۱۱۲
۱. مشروعیت سیاسی ----- ۱۱۲
۲. مشروعیت و مقبولیت در مدینه فاضله ----- ۱۱۸
فصل سوم: الگوی مدینه فاضله و مشارکت سیاسی ----- ۱۲۴
اشاره ----- ۱۲۴
گفتار اول: دیدگاه های مشارکت سیاسی ----- ۱۲۵
۱. چیستی مشارکت سیاسی ----- ۱۲۵
۲. دیدگاه های مشارکت سیاسی ----- ۱۲۷
اشاره ----- ۱۲۷
الف) مشارکت سیاسی در محدوده قوانین اجتماعی ----- ۱۲۸
اشاره ----- ۱۲۸
مشارکت و انتخاب ----- ۱۲۹
ب) مشارکت سیاسی در محدوده قوانین الهی ----- ۱۳۳
گفتار دوم: مشارکت سیاسی در مدینه فاضله مهدوی ----- ۱۴۳
۱. مدینه فاضله مهدوی، شهر قرآنی ----- ۱۴۳

اشاره ۱۴۳
الف) مشارکت سیاسی و شورا ۱۴۴
ب) مشارکت سیاسی و بیعت ۱۵۰
۲. جلوه های دیگر از مشارکت سیاسی ۱۵۶
فصل چهارم: الگوی مدینه فاضله، رقابت و نظارت سیاسی ۱۶۰
اشاره ۱۶۰
گفتار اول: دیدگاه های رقابت سیاسی ۱۶۱
اشاره ۱۶۱
۱. چیستی رقابت سیاسی ۱۶۱
اشاره ۱۶۱
- پیش شرط های فکری و رفتاری رقابت سیاسی ۱۶۶
اشاره ۱۶۶
یکم. تکثرگرایی سیاسی ۱۶۶
دوم. آزادی ۱۶۷
سوم. اقتدار ۱۶۷
چهارم. نهادمندی ۱۶۸
پنجم. بستر مساعد فرهنگی ۱۶۸
- نهادها و نیروهای سیاسی رقیب ۱۶۸
۲. احزاب و رقابت سیاسی ۱۷۰
اشاره ۱۷۰
۱) خاستگاه، ماهیت و اهداف احزاب ۱۷۲
۲) کارکردهای رقابتی احزاب ۱۷۶
اشاره ۱۷۶
الف) کارکردهای نظری احزاب ۱۷۶
ب) کارکردهای عملی احزاب ۱۷۶
۳) تفاوت دیدگاه ها در تأیید یا امتناع از احزاب ۱۷۹

۴) شگردهای تبلیغات سیاسی احزاب ---- ۱۸۳
۳. انواع رقابت حزبی ---- ۱۸۵
اشاره ---- ۱۸۵
الف) احزاب در نظام های پلوراليستی ---- ۱۸۵
ب) احزاب به معنای کفایی آن ---- ۱۸۶
گفتار دوم: رقابت سیاسی در مدینه فاضله مهدوی ---- ۱۸۸
اشاره ---- ۱۸۸
۱) رقابت قوای نفسانی و رحمانی، اساس رقابت سیاسی ---- ۱۸۸
۲) انواع رقابت سیاسی در مدینه فاضله مهدوی ---- ۱۹۱
۳) رقابت سیاسی حرام و مکروه ---- ۱۹۷
گفتار سوم: نظارت سیاسی ---- ۲۰۱
اشاره ---- ۲۰۱
۱) چیستی نظارت سیاسی ---- ۲۰۱
۲) اقسام نظارت سیاسی ---- ۲۰۳
۳) حسبه و نظارت سیاسی ---- ۲۰۴
۴) امر به معروف و نهی از منکر و نظارت سیاسی ---- ۲۰۶
فصل پنجم: ظرفیت الگودهی مدینه فاضله مهدوی ---- ۲۰۸
اشاره ---- ۲۰۸
مقدمه ---- ۲۰۹
۱. جامعیت ابعاد توسعه یافتگی سیاسی و ظرفیت الگودهی ---- ۲۱۰
۲. مشروعیت سیاسی و ظرفیت الگودهی ---- ۲۱۳
۳. مشارکت سیاسی و ظرفیت الگودهی ---- ۲۱۸
۴. رقابت و نظارت سیاسی و ظرفیت الگودهی ---- ۲۲۶
نتیجه گیری ---- ۲۳۲
منابع و مآخذ ---- ۲۳۵
اشاره ---- ۲۳۵

مقالات -- ۲۴۲

درباره مرکز -- ۲۴۳

ظرفیت الگودهی مدینه فاضله مهدوی در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران

مشخصات کتاب

عبدیائی، نرجس، _

ظرفیت الگودهی مدینه فاضله مهدوی در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران/ نویسنده: نرجس عبدیائی؛ ویراستار جواد میر خلیلی. قم. بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام. — مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۹.

۲۲۹ص. _ (بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام ؛ ۷۷)

ISBN:۹۷۸- ۹۶۴-۷۴۲۸-۹۳-۴ ریال ۲۸۰۰۰

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. [۲۲۲] _ ۲۲۹؛ همچنین به صورت زیر نویس.

۱. اسلام و سیاست. ۲.اسلام و دولت. ۳. جو.ادی آملی، عبد الله،.۱۳۱۲ _ نظریه در باره توسعه سیاسی ۴. رشد سیاسی ایران ۵.. مشروعیت حکومت _ جنبه های مذهبی _ اسلام ۶. مدینه فاضله ۷. مهدویت ۸. محمدبن حسن (ع) ۹. تحولات اجتماعی _ ایران. امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. الف. بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.ب.. مرکز تخصصی مهدویّت. ج. میر خلیلی، جواد _ ویراستار. د. عنوان.. ه. فروست.

BP-۴۸۳۲/ ۲۹۷ ۲۳۱/ع۲ ظ ۴

۱۳۸۹

ص:۱

اشاره

ظرفیت الگودهی مدینه فاضله مهدوی

در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران

مؤلف/ نرجس عبدیائی

ناشر/ بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

ویراستار/ سیدجواد میرخلیلی

طراح و صفحه آرا/ عباس فریدی

لیتوگرافی/ ترام اسکنر

نوبت چاپ/ اول   _ زمستان ۸۹

تیراژ/ دو هزار نسخه

قیمت/   ۳۰۰۰ تومان

مراکز پخش:

قم: مرکز تخصصی مهدویت/خیابان شهداء (صفائیه)/ کوچه آمار(۲۲)/ بن بست شهید علیان

ص.پ۱۱۹-۳۷۱۳۵ / تلفن: ۷۷۳۷۱۶۰ / فاکس: ۷۷۳۷۸۰۱

۲. تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) /ص.پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵ / تلفکس: ۵-۸۸۹۹۸۶۰۱

WWW.IMAMMAHDI-S.COM

info@imammahdi-s.com

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۹۳-۴

ص:۲

بسم الله الرحمن الرحيم

ص:٣

فهرست مطالب

مقدمه ۱۰

فصل اول:۱۳

کلیات و مفاهیم۱۳

مقدمه۱۴

گفتار اول: مفاهیم۱۵

- الگو۱۵

- ظرفیت۱۷

- مدینه فاضله۱۸

- مدینه فاضله مهدوی ۲۰

- توسعه۲۲

- سیاست۲۵

گفتار دوم: تئوری های توسعه سیاسی۲۷

۱. طبقه بندی نظریات توسعه۲۷

الف) نظریه های توسعه گرایی کلاسیک (۱۹۶۰-۱۹۵۹)۲۷

ب) نظریه های الگویی (۱۹۶۰)۲۸

ج) نظریه های بازگشت به تاریخ۲۸

د) نظریه های معطوف به عوامل درونی۲۹

ه) نظریه های معطوف به عوامل خارجی۲۹

و) نظریه های معطوف به عوامل داخلی و خارجی۲۹

۲. شاخصه های توسعه سیاسی ۳۰

۳. نقد و بررسی تئوری های توسعه سیاسی۳۳

الف) مزایا۳۳

ب) نواقص۳۴

ج) اختصاصات الگوگیری در نظام اسلامی۳۵

ص:۵

گفتار سوم: بررسی شاخصه های توسعه سیاسی در اسلام (دیدگاه آیت الله جوادی آملی)۳۸
۱. مفهوم توسعه، سیاست و توسعه سیاسی۳۸
- توسعه۳۸
- تفاوت توسعه در نظام اسلامی و سرمایه داری۳۹
- سیاست ۴۰
۲. توسعه سیاسی و ابعاد شخصیت مدیران توسعه۴۱
۳. ابعاد توسعه سیاسی در نظام اسلامی۴۴
الف) بررسی شاخصه های فرهنگی توسعه سیاسی۴۴
- هماهنگی علم و تزکیه و نقش آن در توسعه۴۷
یکم. توسعه علمی۴۹
دوم. توسعه بعد روحی و اخلاقی جامعه۴۹
ب) بررسی شاخصه های اقتصادی توسعه سیاسی۴۹
- نقش افراد در توسعه اقتصادی۵۱
- تفاوت توسعه اقتصادی در نظام اسلامی و غیر آن۵۲
- شاخصه مهم کارگزاران توسعه اقتصادی۵۳
- وظایف دولت در سیاست گذاری های اقتصادی۵۵
ج) بررسی شاخصه های صنعتی در توسعه سیاسی۵۷
د) بررسی شاخصه های حقوقی توسعه سیاسی۶۲
- زوایای توسعه حقوقی۶۴
- مسئله صلح جهانی، مقدمه توسعه حقوق بین الملل۶۶

ه) جایگاه رهبری و مردم در توسعه سیاسی۶۷

۱- امامت و ولایت۶۷

یکم. رهبری الهی در عصر ظهور معصوم۶۸

دوم. رهبری الهی در عصر غیبت۷۰

۲- مردم۷۴

و) اشاره ای به اهداف مدینه فاضله۷۶

جمع بندی و پیش درآمدی بر فصول آتی۷۹

ص:۶

فصل دوم:۸۳

الگوی مدینه فاضله و مشروعیت سیاسی۸۳

مقدمه:۸۴

گفتار اول: نظریه های مشروعیت۸۵

۱. مفهوم مشروعیت۸۵

۱) منشأ الهی مشروعیت۸۷

الف) شاه خدایی۸۷

ب) منشأ خدایی پادشاه۸۷

ج) مأموریت و موهبت الهی۸۷

د) الهام از جانب خداوند۸۷

۲) مشروعیت با منشأ سنت۸۸

۳) مشروعیت کاریزما۸۹

۴) مشروعیت به واسطه انتخاب مردم۹۰

۵) مشروعیت به واسطه غلبه و زور۹۱

۶) مشروعیت از طریق استخلاف۹۱

۷) مشروعیت از طریق رأی اهل حل و عقد۹۱

۸) مشروعیت از طریق نصب الهی۹۱

۲. مشروعیت و مقبولیت۹۳

گفتار دوم: مشروعیت سیاسی در مدینه فاضله مهدوی۹۵

۱. مشروعیت سیاسی۹۵

۲. مشروعیت و مقبولیت در مدینه فاضله۱۰۱

فصل سوم:۱۰۷

الگوی مدینه فاضله و مشارکت سیاسی۱۰۷

گفتار اول: دیدگاه های مشارکت سیاسی۱۰۸

۱. چیستی مشارکت سیاسی۱۰۸

۲. دیدگاه های مشارکت سیاسی۱۱۰

الف) مشارکت سیاسی در محدوده قوانین اجتماعی۱۱۱

ص:۷

مشارکت و انتخاب۱۱۲

ب) مشارکت سیاسی در محدوده قوانین الهی۱۱۶

گفتار دوم: مشارکت سیاسی در مدینه فاضله مهدوی۱۲۶

۱. مدینه فاضله مهدوی، شهر قرآنی۱۲۶

الف) مشارکت سیاسی و شورا۱۲۷

ب) مشارکت سیاسی و بیعت۱۳۳

۲. جلوه های دیگر از مشارکت سیاسی۱۳۹

فصل چهارم:۱۴۳

الگوی مدینه فاضله، رقابت و نظارت سیاسی۱۴۳

گفتار اول: دیدگاه های رقابت سیاسی۱۴۴

۱. چیستی رقابت سیاسی۱۴۴

- پیش شرط های فکری و رفتاری رقابت سیاسی۱۴۹

یکم. تکثرگرایی سیاسی۱۴۹

دوم. آزادی۱۵۰

سوم. اقتدار۱۵۰

چهارم. نهادمندی۱۵۱

پنجم. بستر مساعد فرهنگی۱۵۱

- نهادها و نیروهای سیاسی رقیب۱۵۱

۲. احزاب و رقابت سیاسی۱۵۳

۱) خاستگاه، ماهیت و اهداف احزاب۱۵۵

۲) کارکردهای رقابتی احزاب۱۵۹

الف) کارکردهای نظری احزاب۱۵۹

ب) کارکردهای عملی احزاب۱۵۹

۳) تفاوت دیدگاه ها در تأیید یا امتناع از احزاب۱۶۲

۴) شگردهای تبلیغات سیاسی احزاب۱۶۶

۳. انواع رقابت حزبی۱۶۸

الف) احزاب در نظام های پلورالیستی۱۶۸

ب) احزاب به معنای کفایی آن۱۶۹

گفتار دوم: رقابت سیاسی در مدینه فاضله مهدوی۱۷۱

۱) رقابت قوای نفسانی و رحمانی، اساس رقابت سیاسی۱۷۱

۲) انواع رقابت سیاسی در مدینه فاضله مهدوی۱۷۴

۳) رقابت سیاسی حرام و مکروه۱۸۰

گفتار سوم: نظارت سیاسی۱۸۴

۱) چیستی نظارت سیاسی۱۸۴

۲) اقسام نظارت سیاسی۱۸۶

۳) حسبه و نظارت سیاسی۱۸۷

۴) امر به معروف و نهی از منکر و نظارت سیاسی۱۸۹

فصل پنجم:۱۹۱

ظرفیت الگودهی مدینه فاضله مهدوی۱۹۱

مقدمه۱۹۲

۱. جامعیت ابعاد توسعه یافتگی سیاسی و ظرفیت الگودهی۱۹۳

۲. مشروعیت سیاسی و ظرفیت الگودهی۱۹۶

۳. مشارکت سیاسی و ظرفیت الگودهی۲۰۱

۴. رقابت و نظارت سیاسی و ظرفیت الگودهی۲۰۹

نتیجه گیری۲۱۵

منابع و مآخذ۲۱۸

مقالات۲۲۴

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران، نظامی اسلامی است که بر مبنای اصول و محورهای اسلامی اداره و نظارت می شود. لـذا در مسائل مرتبط با توسعه نیازمند الگویی برگرفته از اندیشه سیاسـی – اجتماعی اسلام است. یکی از این موضوعات توسعه سیاسی است که اگر به خوبی با الگوگیری از موازین اسلامی طراحی و اجرا شود نقش اساسی در پیشبرد اهداف نظام خواهد داشت. مدینه فاضله مهدوی، حکومتی الهی و آرمان حقیقی انسان های آزادی خواه و برای رسیدن به حیات فردی و اجتماعی بر پایه رشد و تعـالی است که می توانـد به عنوان الگویی مهم در عرصه توسـعه سیاسـی و مباحث مربوط به آن در نظر گرفته شود و میزان و چگونگی الگودهی آن مورد بررسی قرار گیرد.

علاقه و اعتقـاد بر بازدهی بالای کارهای تحقیقاتی در این راسـتا، کمبود پژوهش هایی در راسـتای این موضوعات، نیاز امروز جمهوری اسلامی ایران به بررسی و ارائه دیدگاه های مکمل از علل اصلی نگارش این پژوهش به شمار می رود.

این مجموعه شامل پنج فصل و یک نتیجه گیری می باشد. فصل اول در برگیرنده کلیات و مفاهیم است که در آن تئوری های توسعه سیاسی و برخی مسائل مربوط به این تئوری ها در سه گفتار با عناوین مفاهیم، تئوری های

توسعه سیاسی، بررسی شاخصه های توسعه سیاسی در اسلام (دیدگاه آیت الله جوادی آملی) مورد بررسی قرار گرفته است. فصل دوم در دو گفتار به الگوی مدینه فاضله مهدوی و مشروعیت سیاسی می پردازد. گفتار اول به نظریه های مشروعیت سیاسی و گفتار دوم به مشروعیت سیاسی در مدینه فاضله مهدوی اختصاص دارد. فصل سوم، الگوی مدینه فاضله مهدوی و مشارکت سیاسی را مورد بررسی قرار می دهد. گفتار اول آن، دیدگاه های مشارکت سیاسی و گفتار دوم آن مشارکت سیاسی در مدینه فاضله مهدوی است. در فصل چهارم، الگوی مدینه فاضله مهدوی، رقابت و نظارت سیاسی در سه گفتار تحلیل می شود.گفتار اول، دیدگاه های رقابت سیاسی، گفتار دوم، رقابت سیاسی در مدینه فاضله مهدوی وگفتار سوم با عنوان بحثی در نظارت سیاسی می باشد و فصل پنجم این پژوهش به ظرفیت الگودهی مدینه فاضله مهدوی در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران اختصاص دارد.

در این جا لازم است از تمامی اساتیدم در دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام به ویژه آقایان دکتر غلامرضا بهروزلک و دکتر نجف لک زایی قدردانی نمایم و نیز از همکاری مسئولین مربوطه در مرکز تخصصی مهدویت سپاس گذاری کنم. همچنین از لطف و یاری خانواده ام بسیار متشکرم. در پایان از خداوند متعا ل می خواهم که نواقص این کار را که نشان گر ضعف بنده ای در محضرش می باشد، عفو نماید و آن را از تمامی بزرگواران به احسن وجه پذیرا باشد.

و نحن نقول الحمدلله رب العالمین

قم: ۱۳۸۸ /۱۲/۱۲

ص:۱۱

فصل اول: کلیات و مفاهیم

اشاره

ص:۱۳

مقدمه

نظام جمهوری اسلامی ایران برخلاف نظام های دیگر با اندیشه حکومت اسلامی در عصر غیبت و محوریت ولایت فقیه شناخته می شود. از این رو در الگوگیری مسائل مختلف حکومتی از جمله توسعه سیاسی نیاز به رجوع به آموزه ها و مبانی دینی برای تشخیص حدود و ثغور و ضابطه مند کردن امر توسعه دارد.

قبل از آن نیاز به آشنایی با مفاهیم کاربردی در این پژوهش است و آشنایی اجمالی با دیگر تئوری های توسعه سیاسی نیز کمک می کند تا ضمن تحلیل و بررسی آرای دیگران با مقایسه و بررسی نقاط مشترک و متفاوت این دیدگاه ها، راه برای ترسیم و تبیین تئوری های جامع تری از توسعه سیاسی باز شود.

ص:۱۴

گفتار اول: مفاهیم

– الگو

برای مفهوم الگو که معادل واژه قرآنی «اسوه»، به معنای نزدیکی با آن را دارد، در لاتین دو کلمه «pattern» و یا «Model» به کار می روند. در تعریفی از الگو «pattern» آمده است: «طرح و نمونه ای از شکل یا اشیاء، یا موردی از رفتار و اخلاق می باشد که با آن می توان ساخت بدنی، رفتاری و ساخت واژه ها را مشخص کرد.»(۱) در تبیینی دیگر، الگو به عنوان: ۱. مدل یا نمونه ۲. شکل دهی یا گروه بندی اجزاء و یا عناصر به صورت ساختاری و پیوسته ذکر شده است. در مفهوم دوم، اجزاء هر چند از هم قابل تفکیک هستند، اما مجموعاً کل به هم پیوسته و منسجم مورد تأکیدی را به وجود می آورند که به منزله طرح و نمونه تلقی می شود.

گاه این واژه به عنوان «معیار و نمونه ایده آل که ارزش تقلید کردن دارد»(۲) هم مطرح می شود. در جامعه شناسی نیز الگو یا مدل به «طریقه ای تجریدی برای نمایاندن روابط و پیوندهای متقابل میان پدیده های اجتماعی»(۳) اطلاق می شود.

ص:۱۵

۱- الگوی جامع شخصیت زن مسلمان، ص ۸۲- ۷۹.

۲- الگوی جامع شخصیت زن مسلمان، ص ۸۲- ۷۹.

۳- الگوی جامع شخصیت زن مسلمان، ص ۸۲- ۷۹.

مـدل هـای اجتماعی «با ساده سازی عناصـر و مؤلفه های دخیل و فروکاهشـی روابط و مناسـبات به روابط اصـلی و اثرگـذارتر، پژوهشگر اجتماعی را در یافتن عوامل و ریشه های اصلی پدیده مدد می رساند.»(۱)

با توجه به تعاریف ذکر شده از الگو،شاخصه هایی را می توان برای آن ذکر کرد که عبارت اند از:

۱. الگو، مصـداق و نمونه عینی از اصول و ارزش ها است. آن چه از منابع وحیانی از نظام اسـلامی بیان شده، اصول، معارف و ارزش هـای ثـابت و جاودانی است و آنها به خودی خود به شـرایط خاص اجتماعی «عصـر کنونی» یا مناسـبات تاریخی ارتباط ندارنـد، بلکه الگو، نشـان دهنـده این نکته است که آن ارزش هـای ثـابت در هر دوره تـاریخی و اجتمـاعی بر کـدامین رفتـار، روحیات و یا قوانین تطبیق پذیر است.

۲. الگو نه تنهـا به مصـداق یـا تعیین خـارجی نظام شخصـیت گفته می شود، بلکه به «بهترین مصـداق و نمونه عینی» اطلاق می گردد. به این ترتیب، الگو در عین حـال که ناظر به عینیت بیرونی است، همواره با واقعیت های جاری و بالفعل فاصـله داشـته و به عنوان «الگوی مطلوب» و سرمشق برنامه ریزی برای تغییر «وضع موجود» به کار می رود.

۳. الگو، علاوه بر نقشـی که در تعیین وضـعیت مطلوب و جهت گیری حرکت دارد، در تحلیـل شـرایط موجود نیز به کـار می آید.

۴. الگو نیز همچون نظام، یک سیستم است که ویژگی های عمومی سیستم

ص:۱۶

۱- الگوی جامع شخصیت زن مسلمان، ص ۸۴.

را دارا می باشد. از این رو، ساختار الگو اصولاً یک ساختار سیستمی است.

۵. واژه اسوه در قرآن (به مفهوم مقتدا یا در پی رفتن(۱)): در جایی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به عنوان اسوه حسنه دانسته و در جایی،حضرت ابراهیم علیه السلام و همراهان ایشان را اسوه حسنه معرفی می نماید.(۲)

ارتباط اسوه با تربیت ربوبی که در سلسله هستی از خداوند آغاز می شود و تا انسان های عادی ادامه می یابد و نیز پیوند الگو پذیری با تولی به معنای سرپرستی روحی، ذهنی و رفتاری انسان در بعد فردی و اجتماعی و نقش «ائمه نار و ائمه نور» در تحولات فردی، اجتماعی و خروج از ظلمات به نور یا بالعکس(۳) در درک مفهوم الگو و الگو گیری قابل توجه است.

در نتیجه، مفهوم مد نظر ما از «الگو» در این پژوهش عبارت است از: بهترین نمونه ای که عینی نیست، اما شاخصه های آن قابل تحقق و ترسیم برای توسعه سیاسی در نظام اسلامی است.

– ظرفیت

الگو هر چقدر هم کمال یافته باشد، وقتی که نام الگو بر آن نهاده شده، نقش ظرفیت های اجتماعی و تاریخی را در پی دارد. ظرفیت ها، همان شرایط عینی و مجموعه ای از پدیده ها، مناسبات، محصولات و هنجارهای حاکم بر جامعه و محیط – در عصری که الگو گیری صورت می گیرد _ است.

۱- الگوی جامع شخصیت زن مسلمان، ص ۸۴.

۲- احزاب/ ۲۱؛ ممتحنه/ ۴ و ۶؛ درباره اسوه بودن اهل بیت رک: سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، چ سوم، قم: فرایض، ۱۳۸۵، ص ۲۱۵-۲۱۱ (خطبه ۱۶۰).

۳- بقره/ ۲۵۷.

این که یـک جـامعه تـا چه میزان امکانـات و توانـایی طبیعی یا اجتماعی برای الگوگیری مطلوب دارد، در این مفهوم جای می گیرد. برای مثال تا چه میزان به پیشرفت فن آوری رسیده است و همچنین از لحاظ رشد فکری – اجتماعی یا نوع مکتب حاکم بر نظـام در حـال حاضـر چگونه است، اینهـا در تعیین ظرفیت الگوگیری نقش دارنـد. در نتیجه، منظور از ظرفیت، این است که نظام اسلامی ما، در حوزه های طبیعی و عینی و نیز در حوزه های اجتماعی و توانایی های قابل تغییر و رشد تا چه میزان ظرفیت الگوگیری از آن الگوی مطلوب را دارد.

– مدینه فاضله

Utopia واژه ای مرکـب از OU (او) یونـانی به معنای «نفی» و کلمه TOPOS (توپوس) به معنـای «مکان» است و از لحاظ لغوی به معنـای «لامکـان» می باشـد، امـا غالبـاً به معنای جزیره خیالی توصـیف شـده که در آن سـیاست و قانون و همه چیز در کمال خوبی اجرا می گردد که نام کتاب توماس مور نیز از معادل انگلیسی آن گرفته شده است (۱۵۱۶م).

معانی دیگر این واژه عبارتنـد از: دولت یا کشور کامل و ایـده آل، کشور خیالی، کتابی که درباره کشور مرفه الحال بحث می کند. (۱)

در طول تاریـخ، انسـان به دنبـال تأمین جامعه ای مطلوب بوده که خبری از ظلم و تبعیض و جنگ و ستیز و جهل و فقر و مرض در آن نباشـد. این امیـد بشـری، برخی را وادار به طراحی أشـکالی از چنین جـامعه آرمـانی نمود که در این جا به ذکر مختصـر برخی از این مدینه های فاضله و شاخصه های آن

۱- فرهنگ کامل انگلیسی به فارسی، ج ۵، (واژه یوتوپیا).

می پردازیم:

۱. مدینه افلاطونی: افلاطون در مدینه فاضله ای که ترسیم نموده است، فقط فلاسفه حقیقی را شایسته زمامداری امور سیاسی می داند. کمال مطلوب از نظر فردی در عدل و از نظر اجتماعی در حکومت آنها است. عده ای باید برای دفاع از شهر و نیز هجوم به همسایگان تربیت شوند. مالکیت خصوصی را نیز برای زمامداران و نظامیان مضر می داند؛ چرا که ایجاد تعلق خاطر، مانع خدمت آنها به کشور است. به نظر او آنان که لیاقت حکومت دارند، خداوند در نهادشان طلا سرشته و در نهاد نگهبانان نقره و در نهاد برزگران و سایر شغل ها، آهن و برنج ...(۱).

۲. مدینه فاضله اگوستین: او در سده چهارم در کتاب شهر خدا، صلح و عدالت خواهی را دو ویژگی مدینه فاضله می داند. شهر خدا در آسمان ها ست و شهرهای زمینی هر قدر بتوانند به این دو آرمان نزدیک تر شوند، قابل احترام ترند.(۲)

۳. مدینه فاضله توماس مور (قرن ۱۶ در کتاب یوتوپیا): لغو مالکیت خصوصی و پول از شاخصه های مدینه فاضله اوست. مردم از قمارهای فاسد کننده احمقانه بی خبرند، از جمله بازی های آنان نبرد میان رذیلت و فضیلت است. میخانه و روسپی گری در کار نیست، امکانی برای فساد و جایی برای پنهان شدن و دیدارهای پنهانی نیست و همه چشم در چشم هم زندگی می کنند....(۳)

۱- رک: جمهور، افلاطون.

۲- خداوندان اندیشه سیاسی، ج ۱، ص ۳۹۹- ۳۹۳.

۳- رک: آرمانشهر (اتوپیا).

۴. مدینه فاضـله فارابی (فیلسوف مسـلمان سده چهارم): مدینه فاضله او یک جامعه جهانی متشکل از کلیه اقوام و امت ها ست. رئیس اول آن پیـامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم است که متصـل به عقـل فعـال، و پس از او رئیس مماثل و در غیاب او رئیس فقاهت، عهده دار امور زمامداری جامعه فاضله است. مقصد مدینه فارابی، سعادت و خیر مطلق است و ریشه در فطرت مشترک همه انسان ها دارد...(۱).

۵. از نظر آیـت الله مصبـاح یزدی، مـدینه فاضـله دارای ویژگی هـایی است که عبارتنـد از: «۱- ارتبـاط فرد با خـدای متعال ۲- ارتبـاط فرد بـا فرد [خودش امـانت الهی است] ۳- ارتبـاط فرد بـا طـبیعت [در این رابطه دو موضع دارد: الف) امانتـدار، خـدای متعال است ب) خلیفه خدا ست] ۴- ارتباط فرد با دیگر انسان ها بر اساس دو اصل عدالت و احسان، در ارتباط با نهاد خانواده - نهاد اقتصاد – نهاد سیاست و حکومت – نهاد حقوق و نهاد آموزش و پرورش»(۲).

ویل دورانت در «لذات فلسـفه»، اتین کابه در «سفر به ایکاری»، ارسطو در «سیاست»، خواجه نصیر طوسی در «اخلاق الملوک»، کامپلانلاـ در «شـهر خورشـید»، بیکن در «ارغنون جدیـد و آتلانتیس نو» و فلاسـفه دیگری چون کانت، هگل، راسل از افرادی هستند که تلاش نمودند شاخصه هایی را برای مدینه فاضله مطلوب بشر ترسیم نمایند.

– مدینه فاضله مهدوی

در دین اسلام و منابع وحیانی نیز برای تعیین جامعه و حکومت مطلوب و

۱- ر ک: سیاست مدینه.

۲- جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ص۴۱۱.

فاضـله، مباحث متعددی یافت می شود، اما مدینه فاضـله مهدوی به معنای لامکان یوتوپیا نمی باشد و تنها آرمان شـهری اسـت که قسـمت اصـلی آن، یعنی رهبری تحقق پیـدا کرده و در زمـان معین به طور کامل ایجاد می شود. مـدینه النبی از مـدینه های فاضـله اسـلامی است که جهان عرب را از لحاظ فرهنگی، فکری، عقیدتی، رفتار و منش و آداب و قوانین اجتماعی دچار تغییر و تحولات اساسی و متعالی نمود.

ائمه اطهار (س) نیز هر کدام با تلاش برای احیای سـنت نبوی صـلی الله علیه و آله و سـلم و حاکمیت ارزش های متعالی قرآن، به دنبال نزدیکی تحقق مدینه فاضله اسلامی و حکومت صالحان بر زمین بودند، چنان که خداوند متعال در قرآن می فرماید:

خداونـد به مؤمنـان صالـح از میان شـما وعـده داده که آنان را قطعا خلیفه روی زمین خواهـد کرد؛ همان گونه که پیشـینیان را خلافت بخشـید و دین و آیینی را که برای آنها پسـندیده، پابرجا و ریشه دار خواهـد ساخت و خوف و ترس آنها را به امنیت و آرامش مبـدل می کنـد؛ آن چنان که تنها مرا می پرسـتند و چیزی را برای من شـریک نخواهند ساخت و کسانی که بعد از آن کافر شوند فاسقند.(۱)

علامه طباطبائی رحمه الله در ذیل این آیه آورده اند:

این جامعه طیب و طاهر با صـفاتی که از فضیلت ها و قداست دارد، هرگز تاکنون در دنیا منعقد نشده و دنیا از روزی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مبعوث به رسالت گشته، تاکنون چنین جامعه ای به خود ندیده است. لاجرم اگر مصداقی پیدا

۱- نور/ ۵۵.

کند، در روزگار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود؛ چون اخبار متواتری که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیه السلام در خصوصیات آن جناب وارد شده از انعقاد چنین جامعه ای خبر می دهد. (۱).

احادیث معتبر و موثقی، شاخصه های اصلی مدینه فاضله مهدویِ ریشه گرفته از قرآن و سنت اسلام ناب محمدی را بیان می کند که می تواند الگویی مطلوب برای جامعه و نظام اسلامی باشد. اخباری که می گویند: «دولت او آخرین و بهترین دولت ها ست؛ پس از همه حکومت ها می آید؛ هیچ خاندانی نمی ماند که حکومتی برای آن مقدر شده باشد مگر آن که پیش از او به حکمرانی می رسد تا پس از دیدن حکمرانی حضرتش بگوید اگر ما هم به قدرت می رسیدیم به همین روش عمل می کردیم و این است معنای کلام الهی که فرمود: عاقبت از آن پرهیزکاران است.(۲)»

- توسعه

توسعه واژه ای است که کاربران آن از زوایای مختلف، مفاهیم متنوعی را از آن برداشت و نشر داده اند که به مواردی از کاربرد مفهوم توسعه اشاره می کنیم:

۱. توسعه به مفهوم پیشرفت تاریخی: که فرایندهای ناشی از اقدامات بشری شامل بهره برداری از فرایندهای علمی و عقلانی، آزاد شدن توانایی های تجاری مردم از محدودیت های دولتی، فرایندهای فنی و برنامه ریزی های اقتصادی

۱- تفسیر المیزان، ص ۲۱۵.

۲- مدینه فاضله در متون اسلامی، ص ۲۴۵.

می شود و گـاهی به عنوان فراینـدهای ناشـی از تحولات مترقی در روابط سیاسـی و ساختار اجتماعی جوامع بشـری معرفی می شود.

۲. توسعه به مفهوم بهره برداری از منابع طبیعی: که در نظر استعمارگران و در راستای منافع مورد نظرشان در مستعمرات مطرح می شد.

۳. توسعه به مفهوم پیشرفت برنامه ریزی شده اقتصادی، اجتماعی، سیاسی.

۴. توسعه به مفهوم وضـعیت:(۱) گـاهی از توسـعه به معنـای یـک وضـعیت، نظیر سن بلوغ یـا پیری یـاد شـده است. در این جا توسـعه، مرحله یا سـطحی از تحقق رشـد اقتصادی – اجتماعی و یا احتمالاً سیاسـی است که برخی جوامع به دست آورده اند و برخی دیگر بی نصیب مانده اند؛ به این معنا که برخی جوامع در سیر توسعه به مرحله پایانی _ که از آن به عنوان یک وضعیت یاد می شود _ رسیده اند.

۵. توسعه به مفهوم یک فرایند: (۲) توسـعه، یـک ویژگی همیشه متغیر و رو به رشـد در جامعه محسوب می شود. گاهی نیز به عنوان فراینـدی در نظر گرفته می شود که شامـل ارتقـاء و نهـادینه سـازی ظرفیت ها به منظور تعـدیل مـداوم، تطبیق و تغییر می باشـد که همه کشورهـا برای حفظ و گسترش منافع و دست آوردهای خود در جهان رقابت آمیز، مجبورنـد آنها را در دسـتور کار خود قرار دهند.

۶. توسـعه به عنوان رشـد اقتصادی: حداقل از زمان آدام اسـمیت بود که توسـعه ؛ به منزله دست یابی به رشد اقتصادی از طریق افزایش ثروت ملی

ص:۲۳

۱- Development as acondition.

۲- Development as a process.

معرفی شد.

۷. توسعه به عنوان تغییر ساختاری: در این جا تغییر ساختاری عبارت است از تغییر در ساختار اقتصادی و در نتیجه، تغییر در خروجی آن و به عبارت دیگر، تغییر در اقتصاد بر پایه کشاورزی به اقتصاد صنعتی شدن و به طور خلاصه صنعتی شدن.

۸. توسعه به عنوان مدرنیزاسیون: در مرکز ایده مدرنیزاسیون، این فرض اساسی قرار دارد که ساختارها و فرایندهای جوامع انسانی، از اشکال ساده سنتی به ساختارهای پیچیده مدرن توسعه پیدا کند. مدرنیزاسیون، نوعی تغییر ساختار نظام مند است که دارای ویژگی هایی است که عبارت اند از: یک نظام اقتصادی صنعتی، یا فراصنعتی منشأ رفاه مادی مستمر مردم، یک ساختار اجتماعی مبتنی بر فردگرایی و برابری، یک سیستم سیاسی دموکراتیک از نوع نمایندگی و یا حداقل سیستمی که در آن تصمیم سازان از طریق انتخابات مشخص می شوند، یک فرهنگ سیاسی سکولار با ویژگی هایی مثل بهره گیری از روش های عقلانی در تصمیم سازی، احترام به حقوق بشر و تضمین آزادی افراد در قانون و یک نگاه جهانی که در آن نقش منطق و کاربرد اصول علمی رایج است.

۹. مارکسیسم و توسعه به مفهوم افزایش نیروهای تولید: برداشت کلاسیک مارکسیستی از توسعه،ترکیبی است از برداشت های توسعه به عنوان رشد اقتصادی، تغییر ساختاری و پیشرفت به سوی یک وضعیت پایانی که اصطلاحاً به آن کمونیسم گفته می شود. (۱)

۱- سیاست و توسعه در جهان اسلام، ص ۶۳- ۳۹.

آن چه ذکر شد تعاریف مکاتب و دیدگاه های خاص نسبت به توسعه و شاخصه آن بود. مقصود ما از توسعه رسیدن به وضعیت خاص چون مدرنیته یا کمونیسم یا تغییر ساختار اساسی نظام اسلامی نیست، بلکه توسعه را به مفهوم پیشرفت و رشد برنامه ریزی شده و متعالی، با توجه به الگوی مدینه فاضله که در واقع، وضعیت نهایی و مطلوب توسعه اسلامی می باشد، در نظر می گیریم.

– سیاست

در لغت، صفت سیاسی به معنای ارتباط داشتن با شهر(۱) می باشد و در یونان قدیم شهر یا سیته، مجموعه ای از انسان ها بود که دارای حقوق مساوی بوده و کم و بیش به طور مستقیم در اداره کردن منافع مشترکشان سهیم بودند. در دنیای کنونی، دولت تقریباً معادل همان سیته یونانی است که با عنوان «کاربرد قدرت به اشکال مختلف در ابعاد گوناگون جامعه بشری(۲)» معنی شده است.

در مفهوم عام، به معنای هرگونه راهبرد، روش و مشی برای اداره یا بهکرد هر امری از امور چه شخصی و اجتماعی چنان که به عنوان سیاست اقتصادی، سیاست مالی، سیاست آموزشی و ... یاد می شود.

اما در معنای خاص، هر امری که مربوط به حکومت و مدیریت و تعیین شکل و مقاصد و چگونگی فعالیت دولت می باشد از مقوله «امور سیاسی» است. بنابر این، هر گاه از سیاست به معنای خاص سخن می گوییم همواره با دولت، یعنی سازمان قدرت در جامعه _ که نگهبان نظم موجود یا پیش برنده

۱- Cite.

۲- فرهنگ علوم سیاسی، ج ۱، ص ۳۹۴.

آن است _ سخن می گوییم.(۱)

خواجه نصیر طوسی در اخلاق ناصری، سیاست فاضله را این گونه مطرح می کند: «یکی از اقسام سیاست ملک، سیاست فاضله است که آن را امامت خوانند و غرض از آن تکمیل خلق بود و لازمه اش نیل به سعادت است.(۲)»

مفهوم مد نظر این پژوهش از سیاست در راستای مفاهیم ذکر شده و با توجه به هدف و مقصد اصلی سیاست گذاری در نظام اسلامی عبارت است از: «تلاش انسان ها برای تحقق قانون الهی در زمین به رهبری انبیا، اوصیاء و اولیاء جهت رسیدن به سعادت نهایی.(۳)»

در نتیجه، مفهوم مد نظر این پژوهش از «توسعه سیاسی» عبارت است از: تلاش انسان ها برای پیشرفت و رشد برنامه ر یزی شده و متعالی برای تحقق پیوستن به قانون الهی در ابعاد مختلف آن در زمین به رهبری انبیاء، اوصیاء و اولیاء (سیاست مداران الهی) جهت رسیدن به سعادت نهایی.

ص:۲۶

۱- دانشنامه سیاسی، ص ۲۱۲ و ۲۱۳.

۲- فرهنگ علوم سیاسی، پیشین، ص ۸.

۳- مستندات قرآنی فلسفه سیاسی امام خمینی، ص۴۷. همچنین در زیارت جامعه کبیره از ائمه اطهار (س) به عنوان الساسه العباد یاد شده است و....

گفتار دوم: تئوری های توسعه سیاسی

اشاره

آن چه از مفهوم و شاخصه های توسعه سیاسی در محافل علمی و کتابهای سیاسی مشهور است، توسعه سیاسی از دیدگاه اندیشمندان غربی و یا نظریه پردازان سوسیال دموکرات می باشد. با توجه به شاخصه مادی و دنیوی بودن فرهنگ توسعه در این گونه مکاتب لازم است که توصیف مختصری از این دیدگاه ها در باب توسعه سیاسی، مبانی و شاخصه های آن صورت گیرد. تا بتوان نقاط اشتراک و اختلاف را در این مبحث آسان تر جست و جو نمود.

۱. طبقه بندی نظریات توسعه

اشاره

برتران بدیع در کتاب خود، نوعی طبقه بندی از نظریات توسعه ارائه داده است که بدان اشاره می شود:

الف) نظریه های توسعه گرایی کلاسیک (۱۹۶۰–۱۹۵۹)

۱. نظریه های کمیت گرای توسعه: ویژگی مشخص آنها توسل به فنون کمی است که عبارتند از نظریه های رفتارگرایی در مورد دموکراسی، نظریه بسیج دانیل لرنر و نظریه بسیج کارل دویچ.

ص:۲۷

۲. نظر توسعه گرایی شیلز: او در این جا نوسازی را به عنوان محصول دگرگونی های اجتماعی، اقتصادی محسوب نمی کند، بلکه خود نوسازی را موضوع تحلیل قرار می دهد.

۳. نظریه های کارگردگرایی: آلموند و جیمز که در آن شکل جامعه یا نظام سیاسی را به مثابه مجموعه ای از عناصر به هم وابسته در نظر می گیرند، هر یک از عناصر به گونه ای خاص در کار سازماندهی و کارکرد همان مجموعه ای که خود نیز جزئی از آن به شمار می رود، مشارکت دارد. تحلیل کارکردی به دنبال تشخیص این مشارکت ها (یا کارکردها) و پاسخ هایی است که این کارکردها برای نیاز ویژه حفظ مجموعه مورد نظر به ارمغان می آورد.

اقسام این نوع طبقه بندی: کارکردگرایی و توسعه از نظر آلموند، توسعه بر اساس کارکردهای نظام سیاسی، کارکردگرایی به لحاظ فرهنگ سیاسی و انواع نظام های سیاسی بر اساس کارکردهای آن.

۴. نظریه های بحران در توسعه سیاسی که به تحلیل و بررسی نقش بحران ها می پردازد. (لوسین پای، ارگانسکی).

ب) نظریه های الگویی (۱۹۶۰)

در این نظریه ها الگوهای توسعه ای ارائه شد که عبارتند از: نهادگرایی ساموئل هانتینگتون، کارکردگرایی دیوید اپتر، نظریه های مرکز – پیرامون.

ج) نظریه های بازگشت به تاریخ

به دلیل حالت منحصر به فرد بودن و تأثیر دوره زمانی بر توسعه سیاسی، برخی این طبقه بندی را پسندیدند که عبارت است از:

۱. توسعه نظام های سیاسی اروپایی که به صور مختلف توسعه سیاسی در اروپا می پردازد. اشکالی چون دولت – ملت، نزاع های سیاسی و نظام های حزبی و ....

۲. توسعه نظام های سیاسی جهان سوم: که با توجه به بررسی ویژگی های تاریخی جهان سوم این مبحث تحلیل می شود. (۱)

نوع دیگری از طبقه بندی تئوری های توسعه وجود دارد که عبارت است از:

د) نظریه های معطوف به عوامل درونی

تئوری هایی که در بررسی مسائل عقب ماندگی و توسعه به عوامل درونی و داخلی توجه دارند، مثل: تئوری دوگانگی اقتصادی و اجتماعی (سینگر)، تئوری مراحل رشد (رستو)، تئوری ماکس وبر و نظریه محتوای باطنی انسان (صدر).

ه) نظریه های معطوف به عوامل خارجی

تئوری هایی که علت را در عوامل خروجی می داند، مثل: تئوری امپریالیسم به مثابه آخرین مرحله سرمایه داری (لنین)، تئوری امپریالیسم (کائوتسکی) و تئوری انباشت سرمایه (رزالوکزمبورگ).

و) نظریه های معطوف به عوامل داخلی و خارجی

تئوری هایی که بر علل داخلی و خارجی به خصوص علل خارجی تأکید دارند، مثل: تئوری مبادله نابرابری (امانوئل والرستین) و تئوری ساختار امپریالیسم (گالتونگ).

۱- توسعه سیاسی، از ص۲۷ تا پایان کتاب.

تئوری هایی که سهم بیشتری را به علل داخلی می دهند، مثل: توسعه نابرابر (سمیر امین) و انسجام درونی (سریع القلم). (۱)

طبقه بندی دیگری هم ارائه شده: ۱- نظریه هایی که در آنها به اراده انسانی به عنوان عامل کلیدی توجه شده است.۲- تئوری هایی که با طرح مسائلی چون شرایط جغرافیایی، استعمار، نژاد و قضا و قدر قائل به نوعی جبر گرایی هستند.!(۲)

۲. شاخصه های توسعه سیاسی

در این بخش با گذر به برخی نظریات توسعه سیاسی، شاخصه های توسعه سیاسی را از دیدگاه آنان طرح می کنیم:

۱. ساموئل هانتینگتن: یک نظام سیاسی هر اندازه از سادگی به پیچیدگی، از وابستگی به استقلال، از انعطاف ناپذیری به انعطاف پذیری و از پراکندگی به یگانگی گرایش پیدا کند به همان نسبت توسعه سیاسی اش بیشتر است.

۲. لوسین پای: وی در مجموع، افزایش ظرفیت نظام را در پاسخ گویی نیازها، خواسته های مردم، تنوع ساختاری و تخصصی شدن ساختار ها می داند که برای تحقق توسعه مطلوب یک نظام سیاسی باید از یک سلسله بحران هایی به صورت موفقیت آمیز عبور کند:

الف) بحران هویت: به فرهنگ نخبگان و توده مردم به صورت احساسات ملی در سرزمین خودش ارتباط می یابد که به تدریج، تعارض میان وفاداری ها و

۱- سیره پیامبر در گذار از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی، ج ۲، ص ۲۰۱ و ۲۰۲.

۲- سیره پیامبر در گذار از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی، ج ۲، ص ۲۰۳.

تعهدات ملی را تشدید کرده و مشکلاتی را برای وحدت و یکپارچگی به وجود می آورد.

ب) بحران مشروعیت: بر اثر اختلاف موجود بر سر رهبری و منبع اقتدار بروز می کند و مثلاً گروه حاکم مجبور به رقابت باگروه های دیگر می شود. در این روند، اقتدار یک گروه رهبری از طرف توده مردم مردود شناخته می شود.

ج) بحران مشارکت: با یک سلسله تعارضات همراه است.

د) بحران نفوذ: به صورت فشارهای تحمیلی بر گروه نخبگان حاکم بر سازگاری نهادی و ایجاد ابداعات و نوآوری ها تجلی می یابد.

هـ) بحران توزیع: در چارچوب مسائل ایدئولوژیک، منابع فیزیکی و انسانی بروز می کند.

۳. آلموند: آلموند و پاول از لحاظ رفتاری؛ مصلحت گرایی، ارجح بودن فعالیت های دسته جمعی بر فردگرایی، میزان همبستگی و میثاق با نظام سیاسی و روابط سیاسی بر مبنای اعتماد متقابل را به عنوان معیار هایی برای توسعه سیاسی تلقی می کنند و از نظر ساختاری بر تنوع ساختاری، فرهنگ دنیوی و سطح بالای استقلال نظام های فرعی تأکید می ورزند.

آلموند و سیدنی وربا: در بررسی های خود در مورد پنج کشور انگلستان، آمریکا، آلمان، ایتالیا، مکزیک به این نتیجه می رسند که علت عدم توسعه سیاسی در کشورهای جهان سوم مربوط به مسائل روانی، تاریخی و فرهنگی است. در این راستا فرهنگ سیاسی از یک سلسله ایستارها، اعتقادات و عناصری تشکیل شده است که به نظام سیاسی معنا می دهد و رفتارهای سیاسی خاص را سبب می شود. آنها براساس ضوابط مذکور به سه نوع فرهنگ سیاسی

برخورد می کننـد: فرهنگ های محـدود و تبعی و مشارکتی. در فرهنگ محـدود فرد به نـدرت خود را در امور سیاسـی مرتبط ساخته و از وجود آن بی خبر است. در این فرهنگ، افراد دارای رابطه انفعالی و مطیع گونه هستند. در فرهنگ مشارکتی، افراد به صورت مثبت نسـبت به بسـیاری از جنبه های نظام سیاسـی، احزاب سیاسی، شرکت در انتخابات و رأی دادن جهت داده می شونـد. همچنین آنها ترکیبی از انواع فرهنگ سیاسـی را به صورت محـدود- تبعی، مشارکت - محـدود و فرهنگ مشارکتی — تبعی بررسی می کنند.

آلمونـد و جیمز کلمن: توسـعه سیاسـی را فراینـدی می دانند که به موجب آن، نظام های سـنتی غیر غربی، ویژگی های جوامع توسـعه یافته را می یابند: میل شدید به شـهرگرایی، بسط سواد، درآمد سرانه بالا، تحرک مبسوط جغرافیایی — اجتماعی، میزان نسـبتا بالاـی صـنعتی شـدن اقتصـاد، شـبکه وسـیع رسـانه ای ارتباط جمعی و به طور کلی، مشارکت گسترده اعضای جامعه در فعالیت های سیاسی و غیر سیاسی.

۴. کارل دویچ: معیارهای عمده وی برای توسـعه سیاسـی، میزان تحرک اجتماعی است. فرایندی که به موجب آن، اعتقادات و وابسـتگی هـای سـنتی در زمینه هـای سیاسـی، روانی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دچار دگرگونی شـده، توده مردم را برای قبول الگوهای رفتاری جدید آماده می سازد.

۵. کـارانوف: شـیوه تـدوین قانون اساسـی و ضوابطی که بر اساس آن قوانین وضع شـده و تشـکیلات سیاسـی که به وجود می آیند، تأثیر بسزایی بر رفتار سیاسی در سطح فرد، گروه یا سازمان می گذارد که عامل اصلی توسعه سیاسی است.

ص:۳۲

۶. ایزن اشتات: که بر تنوع ساختاری، تخصصی شدن، بوروکراتیزه شدن نظام سیاسی تأکید زیادی دارد. در این فرضیه بایستی برای توسعه سیاسی به انواع توانایی های نظام سیاسی توجه داشت: توانایی های توزیعی، نمادی، استخراجی، تلفیقی و تنظیمی. (۱)

۳. نقد و بررسی تئوری های توسعه سیاسی

اشاره

آن چه گذشت شمه ای از برخی نظریات توسعه سیاسی بود. از آنجا که قصد پژوهش، پردازش توسعه سیاسی و کاربرد آن در نظام اسلامی است، با ویژگی های خاص هویت دینی، فرهنگی و ملی اش، با شاخصه های جغرافیایی و تمدنی و نیازها و خواسته های عمومی آن در پرتو حاکمیت دینی و اختصاصات دیگر لازم است تا در مبحث حاضر به نقد و بررسی این نظریات به منظور الگوگیری جمهوری اسلامی ایران در توسعه سیاسی اشاره گردد.

الف) مزایا

۱. آشنایی با اندیشه های نظریه پردازان توسعه در خارج از کشور، ما را متوجه برخی کاستی ها و غفلت ها در فهم و اجرای شاخصه های توسعه سیاسی ــ که به علت تعلق به میهن از چشم پنهان مانده ــ می سازد.

۲. به دور از مبانی و اهداف، برخی از دستورالعمل های اجرایی یا لوازم توسعه از دید این تئوری ها حاکی از نیازها و ضرورت های واقعی توسعه سیاسی در کشورهای توسعه نیافته هم است؛ اگرچه بعد یا ابعادی کوچک باشد یا ناقص.

۱- «تحول مفهوم توسعه سیاسی»، همشهری، شماره ۱، ۳/۲/۱۳۷۷.

۳. فهـم بشـری که به دور از تـوطئه و مکر و برخواسـته از فطرت و نیازهـای آن باشـد، تجربه هـای علمی دانشـمندان و حاصـل مطـالعه دوران هـای تاریخی و ضـرورت های آن می باشـد و در این ابعاد و از این زاویه نیز مطالعه این تئوری ها مزایایی در بر دارد.

۴. برای دانسـتن ابعاد وسیع توسعه سیاسی با مبانی، اهداف، وسعت و عمق دیدگاه قرآنی و اسلامی آن، می توان از تجربه ها و دانش مطلوب و مثبت برخی از این نظریـات توسـعه سیاسـی، به میزان لازم بهره برد و راه رفته را دوبـاره طی ننمود تا راه برای تکمیل و تعمیق توسعه سیاسی در نظر و اجرا هم آسان تر و سریع تر شود.

ب) نواقص

۱. از عواملی که نمی توان از این تئوری هـا به عنوان یـک الگوی کامـل اسـتفاده نمود مربوط به اختصاصات منطقه جغرافیایی است. هر نظامی؛ تجارب خاصـی در فرایند توسـعه سیاسی دارد و این فرایند با نظام اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و عوامل طبیعی (منابع انسانی و طبیعی ...) در هر جامعه ای ارتباط دارد و تحت تأثیر این متغیر ها شکل می گیرد.

۲. مذهب زدایی، عامل دیگری است که در چنین تئوری هایی مورد تأکید است. آلموند که از فعالان این مسیر است در کتاب به سوی توسـعه سیاسـی معتقد است که فرهنگ سیاسـی و جامعه پذیری باید با مذهب زدایی سنجیده شود: «... در روش ما از فرهنگ سیاسـی و جامعه پـذیری، مفهوم مـذهب زدایی، به عنوان معیار تلقی می شود که عبارت است از: روند کاهش فعالیت ها،

ص:۳۴

اعتقادات، روش های فکری و نهادهای مـذهبی.(۱)» در این مورد برتران بـدیع تحت عنوان «انـدیشه دنیوی کردن فرهنـگ» به نقد نظریه های توسعه سیاسی اشاره می کند.(۲)

هانتینگتون با دیدن تحولات جمهوری اسلامی به مخدوش بودن این گونه ادعاها اقرار می کند:

این انتظار که مـذهب تحت فشارهای مذهب زدایی کنار زده می شود و یا حداقل نقشـی را در قدرت سیاسـی بازی نمی کند، همگی با تحولات ایران و ظهور مذهب در بسیاری از نقاط جهان اسلام در دهه های اخیر نقش بر آب شده است.(۳)

ج) اختصاصات الگوگیری در نظام اسلامی

جمهوری اسـلامی برای توسـعه سیاسـی خود نیاز به الگویی جامع و کامل دارد که نظام اسلامی را با نظام توسعه یافته متعالی و قـدرت منـد در آرمان و عقیده تشـیع، یعنی حکومت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشـریف نزدیک و در این راسـتا قرار دهد. الگوی جامعه، یعنی ابعاد متعدد توسعه سیاسی در نظر است و فقط یک یا چند بعد لحاظ نمی شود. کامل، یعنی پویا ست و به سمت کمـال انسان ها و جوامع بشـری در حرکت است. آیت الله جوادی آملی معتقدنـد: « او [حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] همان انسان کاملی است که مظهر و جامع اسماء حسنای الهی و اوصاف خداوندی

۱- "توسعه سیاسی از دیدگاه اسلام و غرب"، نشریه سلام، ش ۳، ۲۱/۱۱/۱۳۷۷؛ و نیز رک: برتران بدیع، ص ۶۶-۶۱.
۲- برتران بدیع، ص ۶۵. ایشان به نظریه مشهور «پایان ایدئولوژی ها= the end ideology » در شکل دهی اندیشه دنیوی کردن فرهنگ اشاره می کند.
۳- توسعه سیاسی از دیدگاه اسلام و غرب، پیشین.

است ... و آن را به منصه ظهور می رسانـد.»(۱) در میان دانشـمندان سیاسی ایران بعد از انقلاب راهکارها و الگوهای متنوعی برای توسعه سیاسی ارائه شده است که عبارت اند از:

۱. الگوی توسـعه سیاسـی کشورهای شـرقی (که در آن مواردی که مخالف صریح شرع بود کنار گذاشته شد) عمدتاً بر اساس ایده های توسـعه سیاسـی با مبانی سوسیالیسم و مارکسیسم مطرح می شد و بر اساس تمرکز تصمیم گیری ها، مخصوصاً تمرکز اقتصادی در توسعه (اقتصاد دولتی) و ... شکل گرفت.

۲. الگوی کشورهای غربی، بر اساس آموزه های لیبرالیسم و محوریت انسان، عقل (در معنای خودشان) سکولاریسم، آزادی و ... بود. مخصوصاً شاخصه های خصوصی سازی، اقتصاد آزاد و اتکاء به سرمایه و بازار و ....

۳. نقد الگوهای توسـعه سیاسـی: تبعیت از الگوهای وارداتی توسـعه و توسعه سیاسی، بدون در نظر گرفتن آثار و نتایج استفاده طولانی مـدت و توجه به نقش آرمان های نظام سیاسـی اسـلام، منجر به آسـیب های جـدی در مسـیر حرکت متعالی و توسـعه روزافزون جامعه و نظام اسـلامی خواهد شد. مثلاً وقتی جمهوری اسـلامی، کپی برداری از الگویی را در توسعه لحاظ می کند نمی توان انتظار مقاومت و دقت و هوشیاری در برابر نواقص این الگوها را داشت. لذا ناخواسته از لحاظ مبانی و اهداف همسو با جوامع لیبرال خواهد شد و به تبع آن جوامع اسلامی تضعیف خواهند شد. امام خمینی رحمه الله می فرمایند:

من نمی گویم که علم را از خارج یاد نگیرید، لکن من می گویم که آنها خوب هایش را یاد می گیرند و بدهایش را

۱- امام مهدی، موجود موعود، ص ۲۶۲ و ۲۶۳.

القاء می کنند. اینها بدها را به ما تعلیم می دهند خوب ها را نمی دهند. جوان ها را درس استعماری می دهند. طبشان هم استعماری است. نمی گذارند این هاترقی کنند. ما باید از آنها چنانچه چیز خوبی دارند بگیریم. مخالف نیستم با این کار، لکن به فکر این باشیم که خودمان درست کنیم ... و آن قدم، این است که ما بفهمیم که خودمان هم می توانیم.(۱)

۱- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۸۱ (۲۱/۹/۱۳۵۸).

گفتار سوم: بررسی شاخصه های توسعه سیاسی در اسلام (دیدگاه آیت الله جوادی آملی)

۱. مفهوم توسعه، سیاست و توسعه سیاسی

اشاره

آیت الله جوادی آملی، مفسر قرآن و نظریه پرداز بحث حکومت دینی و لوازم آن از منظر اسلام می باشد. ایشان توسعه سیاسی و لوازم آن را از شئون جامعه انسانی می دانند؛ شئونی که در دین بدون حکم نمی باشد.

– توسعه

از نظر ایشان توسعه «فرایندی است که متضمن رشد مداوم در ابزار و روابط مادی و معنوی و بنیان های اقتصادی – اجتماعی می باشد و انسان در این جریان می تواند به کمال برسد.»(۱) پس توسعه؛ جریانی پویا و مداوم و همه جانبه است؛ با هدفی که آن به کمال رسیدن انسان است.

از نظر ایشان، توسعه اقسامی دارد. یک قسم از توسعه اگرچه معنای رشد دارد، ولی در اسلام مذموم می باشد:

۱. توسعه مذموم: این به کسانی بر می گردد که همّ و غمشان در توسعه،

۱- انتظار بشر از دین، ص ۲۱۳.

رشد مالی به منظور رفاه طلبی، توسعه مصرفی، توسعه شخصی به معنای زراندوزی بیشتر و بخل و ... می باشد، توسعه سرمایه داری اگر به منظور جمع مال و رفاه و راحت طلبی و فخرفروشی است در این رده جای می گیرد: «کسانی که فقط به فکر توسعه شخصی اند، مسرفین، مترفین و مرفهین افرادی هستند که چون چهارپایان می خورند.»(۱)

۲. توسعه ممدوح: در این قسم، انسان برای رفع نیاز خود و جامعه تلاش می کند و چون به منظور افزایش ثروت، حب مال و تکاثر نیست، معنای کوثر می گیرد، مثلاً:

توسعه اقتصادی به معنای افزایش سرمایه، بر اساس خودمحوری و تکاثر مذموم و راه شیطان است، اما توسعه اقتصادی و داشتن کارخانجات و مزرعه و امکانات مادی به منظور رفع نیاز نیازمندان محبوب و مطلوب دین است.(۲)

در توسعه ممدوح است که به نظر ایشان «اسلام به توسعه تشویق کرده حتی خود توسعه را توسعه داده و از جهات فقهی و اخلاقی و اعتقادی آن را تصحیح کرده است.»(۳)

– تفاوت توسعه در نظام اسلامی و سرمایه داری

در اقسام توسعه آوردیم که توسعه ممدوح مورد سفارش اسلام است و این همان تفاوت دو نوع نظام در تشخیص و تقسیم توسعه می باشد. اگر کسی؛

۱- اشاره به سوره محمد /۱۲، انتظار بشر از دین، ص ۲۱۹.

۲- انتظار بشر از دین، ص ۲۲۳.

۳- انتظار بشر از دین، ص ۲۱۲.

توسعه مطلوب را به رفاه طلبی و اتراف و اسراف تفسیر کند، سرمایه داری غربی را اسوه توسعه اقتصادی قرار می دهد؛ حال آن که این تفسیر، باطل و ناصواب است و آن چه که اسوه و الگوست، نظام عقلانی است که اسلام آن را ترویج کرده است که انسان در تولید بر محور عقلانیت حرکت کند و در مصرف نیز بر محور عقل مصرف کند.

نظام عقلانی اسلام از توسعه در منابع وسیع کتاب، سنت، عقل، اجماع قابل بررسی است که به آن خواهیم پرداخت.

– سیاست

از نظر ایشان سیاست، امری ضروری است که در تمام شئون زندگی انسان لحاظ شده است. از این رو به سبب وسعت مفهوم سیاست است که دیدگاه خود را در ابعاد فرهنگی، اقتصادی، حقوقی و صنعتی در تفهیم شاخصه های توسعه سیاسی از منظر اسلام مطرح نموده اند. در واقع، سیاست گذاری موفق مدینه فاضله، زمانی توسعه یافته است که در ابعاد مذکور پیشرفت قابل توجهی داشته است؛ زیرا قوانین دینی جدای از سیاست نیست و در همه شئون زندگی لحاظ شده است: «حکومت اسلامی؛ فعالیتی است برای تحقق دین در جامعه و در جان انسان ها»(۱) و «سیاست، امری ضروری است و در همه شئون زندگی انسان و در همه احکام و دستورهای اسلام ملحوظ شده است؛ به گونه ای که قوانین دینی جدای از سیاست نیست و سیاست صحیح نیز خارج از

۱– ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، ص ۳۳۳.

قوانین اسلام نخواهد بود.»(۱)

۲. توسعه سیاسی و ابعاد شخصیت مدیران توسعه

از نظر ایشان، ابعاد توسعه سیاسی را می توان از لحاظ شاخصه های شخصیتی مدیران و نیز ابعاد مدیریت توسعه سیاسی هم بررسی نمود. این بخش به ابعاد انسانی و فردی مدیر یا کارگزار رشد و توسعه می پردازد. چه شاخصه هایی برای یک فرد یا کارگزار سیاسی لازم است تا او را در مدیریت و رهبری و سازماندهی توسعه سیاسی مکمل باشد؟ این شاخصه در گروه های کوچک کارگزار و مدیران اجرایی و تصمیم گیری به طور کامل وجود خواهد داشت و هر چه مسئولیت بالاتر رود، عمق و تأکید و ضرورت آن شاخصه ها بیشتر نمود پیدا می کند، اما برای همه کارگزاران لازم است و این همان ویژگی های مسئولین امور سیاسی و اجتماعی و متولیان نظام در رده های مختلف است:

۱. تخصص و تعهد: این ویژگی در رشد کمی و کیفی امور مؤثر است و فردی که تخصص و تعهد دارد از انضباط و وجدان کاری برخوردار است. از طرفی جامعه ای که کار را به کاردان نمی سپارد، همواره سیر نزولی خود را طی می کند [نه سیر پیشرفت و توسعه] و از طرفی تعهد در کار موجب می شود که شخص متوجه نیاز جامعه باشد و از شغل های کاذبی که تکاثر و درآمدهای کلان شخصی دارد، ولی خسارت به پیکر اقتصادی جامعه وارد می کند بپرهیزد.

۲. اتقان در مسئولیت: انجام هر مسئولیتی بدون در نظر گرفتن ضوابط، جوانب و پی آمدهای آن نافرجام و بی حاصل است، به طور عموم در اسلام از

۱- ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، ص ۳۳۴.

کم کاری، خیانت و تزویر در کار، نیرنگ و پنهان کردن حقیقت به شدت نکوهش شده است. (۱)

۳. پایداری در مسئولیت: ((فاستقم کما امرت و من تاب معک)). فرد، سختی های موقت و محرومیت های مقطعی را نادیده می گیرد و برای رسیدن به هدف، کوششی همه جانبه می کند. از قرآن کریم استفاده می شود که استقامت موجب تقویت و آرامش دل و وسعت رزق است.(۲)

۴. اخلاص در کار: اخلاص؛ صبغه عبادی مسئولیت را تقویت می کند و به آن رنگ تقدس می بخشد و به منزله زینت و زیور عمل است.

۵. انتخاب مسئولیتی مناسب: اسلام برخی شغل ها را واجب، بعضی را حرام، بخشی را مستحب و برخی را مکروه می داند. خداوند متعال، کارهای شکوه مند و عالی را دوست دارد و کارهای پست را خوش ندارد.

۶. اعمال هوش مندی، متخصصانه در طلیعه کار: ممکن است فرد متخصص، مسئولیتی را بپذیرد، اما در برخی بخش ها از توجه به تخصص خودش غفلت کند. لازم است هر کاری از ورودی، نقشه، معیار، الگو و اندازه بگذرد تا تخصص جلوی افزایش بی جا یا کاهش بی مورد آن را بگیرد. امام علی علیه السلام فرمودند: «نخست اندازه بگیر، آن گاه برش بده. ابتدا بیاندیش، سپس بگو. اول روشن و آگاه شو، آن گاه کار کن.(۳)»

۱- انتظار بشر از دین، ص ۱۶۳-۱۵۷ (گاهی از واژه مسئولیت به جای کار استفاده شده است که به دلیل توجه به تعمیم امور مربوط به توسعه است.)

۲- اشاره به اعراف/۸۵.

۳- اشاره به حدیث: «قدّر ثم اقطع و فکر ثم انطق و تبیّن ثم اعمل»: شرح غررالحکم، ج ۴، ص ۵۶.

[در اینجا دو نکته به دست می آید: ۱- تلاش در تولید و کوشش در عرضه کالاهای مورد نیاز جامعه، نه تلاش در مصرف. ۲- قناعت در مصرف، نه قناعت در تولید؛ زیرا تلاش در مصرف و قناعت در تولید پسندیده نیست.]

۷. خلاقیت در کار و مسئولیت: اصل کار و مسئولیت به منزله دمیدن روح هنر در ماده به ظاهر بی روح طبیعت است تا صنایع آدمیان تبلوری از حیات هنر و تجلی زنده بودن و زنده شدن باشد.

۸. دلپذیر بودن مسئولیت: اصل هر چیزی را روح ملکوتی آن تشکیل می دهد، لذا برای آن که کار و مسئولیت کارگزاران، صبغه ملکوتی پیدا کند، لازم است دلپذیر و دلاویز بودن در ضمن آن مسئولیت ظهور یابد.

۹. کار و مسئولیت هدف مند: کار و شغلی به صورت هنر مدرن متبلور می شود که از بدعت سهل انگاری، سست رفتاری و بی رونق بودن رهایی یابد و به سنت نوآوری بودن برسد. در این راستا بایستی: ۱- کار و مسئولیت برای هدف برین باشد. ۲- هدف معقول و مقبول جامعه انسانی باشد. ۳- کارهای متنوع همانند اعضاء و جوارح و جوانح یک پیکر زنده بالنده مکمل هم باشند. ۴- فرهنگ کار جنبه دینی و مدنی خود را تفسیر وکارهای گوناگون نسبت به یکدیگر تبلور دهد تا مکمل هم باشند و تمام نیازهای صادق جامعه بشری را به بهترین وضع برطرف کنند. (۱)

ابعاد روحی، ویژگی های متولیان امور توسعه در نظام اسلامی و ساختار فکری و رفتاری آنها نقش اصلی در تصمیم گیری، اجرا و تکامل توسعه سیاسی

ص:۴۳

۱- انتظار بشر از دین، پیشین.

دارد که توجه به نهادینه کردن آن ضروری است.

در مجموع، شاخصه های فردی (جامعه یا مسئولین) در مدینه فاضله یا نظام توسعه یافته خاصه در بعد سیاسی عبارتند از:

۱. تخصص و تعهد ۲- اتقان و پایداری در مسئولیت ۳- اخلاص در کار ۴- تناسب فرد با مسئولیت ۵- خلاقیت ۶- نظم و محاسبه گری ۷- اصلاح و تحول به منظور پیشرفت ۸- هدف مند بودن.

۳. ابعاد توسعه سیاسی در نظام اسلامی

اشاره

ایشان در شرح و بیان ابعاد رشد و توسعه در مدینه فاضله، ابعاد متعددی را در توسعه مدینه فاضله و نظام اسلام - که الگوی توسعه را از مدینه فاضله می گیرد - قابل ذکر می دانند. چهار بعد اصلی آن که لازمه توسعه نظام اسلامی است عبارتند از: ۱- توسعه و رشد فرهنگی ۲- توسعه و رشد اقتصادی ۳- توسعه و فرایند صحیح صنعتی ۴- توسعه و رشد حقوقی (داخلی و بین المللی). در مباحث بعد به بیان دیدگاه ایشان و تبیین آن خواهیم پرداخت.

الف) بررسی شاخصه های فرهنگی توسعه سیاسی

اشاره

در تعریفی، فرهنگ شامل: «آداب و رسوم، اطلاعات، تخصص ها، علم و هنر، زندگی خانوادگی و مذهب می باشد.»(۱) توسعه فرهنگی در واقع، رشد و پیشرفت ضابطه مند فرهنگ، یعنی آداب و رسوم، پیشرفت اطلاعاتی، رشد تخصص ها، پیشرفت علم و هنر و توسعه زندگی خانوادگی و نقش مذهب را شامل می شود.

۱- جامعه شناسی توسعه فرهنگی، ص ۲۹.

از نظر ایشان، زمامدار حکومت اسلامی در مورد تأمین و توسعه علمی و فن آوری مسئول است: ((هُوَ الَّذِی بَعَثَ فِی الْأُمِّیِّینَ رَسُولًا مِّنْهُمْ یَتْلُو عَلَیْهِمْ آیَاتِهِ وَیُزَکِیهِمْ وَیُعَلِّمُهُمُ الْکتَابَ وَالْحِکمَةَ وَإِن کانُوا مِن قَبْلُ لَفِی ضَلَالٍ مُّبِینٍ))(۱)

در توسعه فرهنگی، دو نکته مهم مد نظر ایشان عبارت است از: ۱- توسعه علمی و به تبع آن رفع جهالت می باشد. ۲- رشد اخلاقی و تزکیه نفس که منجر به رفع ضلالت و گمراهی می شود.

در این جا توسعه علوم را می توان به معنای جامع آن در نظر گرفت:

- توسعه علوم تجربی: اسلام با ترغیب به علوم تجربی و ریاضی و ... هم به ترتیب منطقی مباحث آن پرداخته و هم از اکتفای به آنها و اعتزاز به داشتن آنها و اعمال نابجای آنها ترهیب نموده است. ایشان اصل تحریص اسلام به فراگیری این گونه از علوم را نیازمند به طرح نمی دانند [به لحاظ روشنی]، لکن بیان منطقی مسائل این علوم به این است که سبک متداول تبیین آنها به شرح سیر افقی اشیاء و تفسیر غرضی اسرار طبیعی و ریاضی است.(۲)

تبیین و شناخت توسعه یافته علوم را با مثالی مطرح می کنند:

مثلاً فلان موجود زمینی یا سپهری در گذشته دور چنین بوده است و هم اکنون نیز چنین است و پیش بینی می شود در آینده به فلان صورت در آید. در این تفسیر فقط به نظام داخلی امور طبیعی و ریاضی پرداخته می شود، لکن اسلام به غیر از اشاره کوتاه موضوعی به کیفیت ساختار درونی آنها به تبیین نظام فاعلی و نظام غایی آنها نیز همت می گمارد و با رمز گویای «هو الاول و

ص:۴۵

۱- جمعه / ۲.

۲- انتظار بشر از دین، ص ۱۸۳.

الاخر» به مبدأ پیدایش اسرار جهان می پردازد و به مبدأ غایی و هدف آن کاملا عنایت می کند و علم تجربی و مانند آن را تفسیر صحیح کتاب تکوینی خدای سبحان دانسته و غفلت از آن را مایه ابتر بودن علوم می داند.(۱)

تأکید زیاد ایشان به این که نقش نظام فاعلی و نظام غایی اگر در علوم تجربی غافل بماند در واقع علم ناقص است و اشاره ایشان به ابتر بودن آن، چیزی شبیه به عقب افتادگی علمی می باشد، لذا عقب ماندگی یا توسعه علمی از نظر ایشان علاوه بر رشد کمی علوم تجربی رشد تبیین و فهم آن را هم در بر می گیرد که این شامل تمام علوم تجربی می شود.(۲)

– توسعه علوم عقلی: در این راستا نیز «تأملات عقلی بشر به تنهایی عقب ماندگی آن است و بایستی در کنار آنها متوجه ارسال انبیاء و انزال وحی بود.»(۳) در نتیجه رشد عقلی فردی به تشخیص او ست که در کنار عقل، کتاب و سنت را متوجه و متذکر باشد.

– علم شهودی: از نظر ایشان، علم شهودی همان تزکیه است و این دو جدای از هم نیستند: «... برخی باید به زحمت تعلیم خود را به تزکیه مرتبط کنند، یعنی بگویند: خدا، قیامت و حسابی است. لذا من باید پرهیز کنم، ولی اگر کسی به علم شهودی رسید علم او همان تزکیه است و تزکیه او همان تعلیم

۱– انتظار بشر از دین، ص ۱۸۶–۱۸۳.

۲– در تبیین درست و توسعه یافته مثالی می زنند: «خداست که برای شما دریا را مسخر گردانید تا کشتی به امر او در آن جاری شود و از فضل خدا طلب کنید شاید شکر نعمتش بجا آرید...».

۳– انتظار بشر از دین، ص ۱۸۶.

چنین علمی مطلوب بوده و مقدور وارثان انبیاء و اولیای الهی می باشد.»(۱)

در اهمیت توسعه علمی و کـارگزاران آن به نظر ایشان «هر دانشـمندی که با دانش و تحقیق خود در رفع مشـکل علمی جامعه می کوشد یا پزشـکی که بیماران را مداوا می کند یا مهندسی که طرح فنی می ریزد یا دانش پژوهی که در راه دانش رنج می برد هر کـدام از این کوشـش هـای علمی و پژوهش هـای تحقیقی مصـداق بـارزی از مصـادیق کارنـد، امـا ارزش آنها یکسان نیست.»(۲)

کاربرد علوم توسعه یافته نیز مهم است؛ چرا که منجر به «پرهیز از تباهی محیط زیست و محروم کردن دیگران از حقوق خداداد می شود.»(۳)

– هماهنگی علم و تزکیه و نقش آن در توسعه

اشاره

معیـار دیگری کـه ایشـان در توسـعه فرهنگی تأکیـد دارد، بحث تزکیـه اسـت که راه رهـایی از ضـلالت به شـمار می رود. در فرهنگ جامعه و نظام اسـلامی، انحرافات عملی و اخلاقی با رشد و ترویج مسأله تهذیب روح درمان می شود و فرهنگی که از انحرافات رفتاری و اخلاقی در هر بعدی از زندگی فردی و اجتماعی به وسیله رشد و نهادینه کردن علم با تزکیه، پیشگیری می نماید فرهنگ مدینه فاضله است که الگوی توسعه فرهنگی در نظام اسلامی می باشد:

گـاهی انسـان عـالم است و مواظب است که به علم خود عمـل کنـد. او همیشه بایـد اهل محاسـبه باشـد تا علم خود را به عمل برساند، اما یک وقت او علمی دارد که با تزکیه است، یعنی دو لفظ و دو مفهوم است و یک مصداق. این علم رنجی ندارد.

۱- بنیان مرصوص امام خمینی، ص ۱۶۶.

۲- انتظار بشر از دین، ص ۱۵۴.

۳- انتظار بشر از دین، ص ۱۵۴.

البته رسیدن به این جا سخت است، ولی از این پس به آسانی کار خیر را انجام می دهد.(۱)

توجه ایشان به هماهنگ بودن علم و تزکیه در رشد فرهنگی جامعه اسلامی، مبحثی فراتر از همراه بودن علم و تزکیه است که در نظام اسلامی مورد توجه کارگزاران توسعه قرار می گیرد.

شاید این مطلب را بتوان در آن چه بسیار مورد تأکید ایشان و از اهداف اصلی حکومت اسلامی است نیز بررسی کرد که آن، راهنمایی انسان به سمت خلیفه الله شدن می باشد:

خلیفه الله همان انسان کامل است که از گزند هر گونه زوال مصون است. اهمیت پرورش روحی به گونه ای است که مدینه فاضله به مثابه جسم است و خلیفه الله به مثابه روح آن و مدینه فاضله را انسان کامل تأسیس می کند.(۲)

از طرفی، ایشان توسعه فرهنگی را بر اساس حرکت فردی و اجتماعی انسان ها با مدیریت و رهبری نظام اسلامی اصل دانسته که نورانی شدن جامعه انسانی را در پی دارد:

غرض آن که هدف حکومت الهی، نورانی نمودن جامعه انسانی است و انسان نورانی از گزند تیرگی هوا و آسیب تاریکی هوا مصون بودن از دسیسه وسوسه و پند و مغالطه محفوظ خواهد بود.(۳)

مفهوم نورانی کردن چیست؟ «مردم نورانی، مردمی هستند که حق را بدانند

۱- بنیان مرصوص امام خمینی (ره)، ص ۱۶۵.
۲- بنیان مرصوص امام خمینی (ره)، ص ۳۳۶.
۳- بنیان مرصوص امام خمینی (ره)، ص ۳۳۶.

و طبق دانسته و علم خویش عمل کنند...(۱).

آثار و نمود تلاش در جهت توسعه علم، رهایی از جهل، توسعه تزکیه و رهایی از ضلالت را می توان در ابعاد مختلف فرهنگی در آداب و رسوم، تخصص ها، هنر، زندگی خانوادگی، مذهب و ... بررسی نمود. این شئون مختلف فرهنگی در اثر پیشرفت و نهادینه شدن دو اصل مذکور در جهت تعالی و سعادت انسان ها تثبیت، تصحیح و یا تکمیل خواهد شد.

در باب سیاست گذاری فرهنگی در مدینه فاضله می توان موارد زیر را جمع بندی کرد:

یکم. توسعه علمی

۱) توسعه علوم تجربی که با تفسیر نظام فاعلی و غایی همراه باشد.

۲) توسعه علوم عقلی که همراه با کتاب و سنت باشد.

۳) در مدینه فاضله، علم مطلوب و توسعه یافته هماهنگ با تزکیه است.

دوم. توسعه بعد روحی و اخلاقی جامعه

۱) اهمیت رشد فضایل اخلاقی در مدینه فاضله ! هدف مدینه فاضله

۲) تشخیص حق از باطل و عمل به حق در مدینه فاضله ! هدف مدینه فاضله

ب) بررسی شاخصه های اقتصادی توسعه سیاسی

اشاره

جامعه اسلامی که الگوی مدینه فاضله دارد از لحاظ سیاست گذاری های اقتصادی نیز بایستی به سمت پیشرفت و توسعه حرکت کند. از نظر ایشان:

۱- تفسیر موضوعی قرآن، ج ۸، ص ۳۶۴.

توسعه اقتصادی به وضعیتی از اقتصاد اطلاق می شود که امکانات مادی برای رشد و تعالی انسان فراهم آمده است. طبیعی است که این وضعیت به معنای دسترسی بیشتر انسان به کالا و خدمات برای به کارگیری آن در جهت رشد و تعالی نوع بشر، مستلزم تولید بیشتر است و تولید بیشتر درک و استفاده از روش های علمی و فنی و بهره مندی از فن آوری است. اسلام به عنوان دین همه جانبه در رابطه با توسعه اقتصادی، حقایقی را بیان کرده که دولت اسلامی باید در جهت رساندن جامعه به توسعه اقتصادی برنامه ریزی داشته باشند و از طریق کار و کوشش و تلاش و فعالیت در این راستا گام بردارند.(۱)

درباره نکاتی که ایشان مد نظر داشتند:

۱. اقتصاد یا عمل اقتصادی «عملی است که در آن عامل منحصراً به نحو مسالمت آمیز از سیطره خود بر منابع استفاده می کند تا اهداف اقتصادی خاص را به دست آورد.(۲)»

۲. تأکید بر تولید و رشد تولیدی در اقتصاد در نظر ایشان در ذیل چند مبحث قابل بررسی است: ۱- چه تولید می شود؟ در دولت اسلامی کالاـیی تولید می شود که برای ادامه زندگی در جامعه اسلامی ضروری و در واقع واجب است، اما برخی کالاها در اسلام مصرفش مجاز نیست و در نتیجه تولید آن هم وجهی ندارد. ۲- چه مقدار تولید شود؟ در این جا تولید کالاهای تجملی و مصرفی اسراف و اتلاف را به همراه دارد و .... ۳- چگونه تولید شود؟ روش

۱- انتظار بشر از دین، ص ۲۱۳.

۲- تدین، حکومت و توسعه، ص ۳۵۸.

تولیدی بایستی زیان جبران ناپذیر به محیط زیست وارد نکند، با شئونات اداره نظام اسلامی سازگار باشد و به نسل آینده ضرر نرساند.(۱)

– نقش افراد در توسعه اقتصادی

از نظر ایشان، رشد و توسعه اقتصادی [اگرچه رشد و توسعه در این جا به یک معنا آمده، اما با توجه به محتوای دیدگاه ایشان پی می بریم که منظور از توسعه تأکید بر ساختارها و اساس آن می باشد نه صرفاً رشد صوری] در نظام اسلامی گاهی اوقات در حیطه اختیارات فرد است که:

۱. فرد به اصلاح معیشت دیگران بپردازد که زن و فرزند و والدین از جمله آنها هستند. (۲)

۲. فرد به تأمین نیازمندی های محرومان در جامعه اسلامی توجه داشته باشند که واجب عینی یا کفایی است: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته»(۳).

۳. افراد به تأمین نیازمندی محرومان در سراسر امت اسلامی مبادرت ورزند که این هم واجب عینی یا کفایی است: «من أصبح ولایهتم بأمور المسلمین فلیس بمسلم»(۴).

۴. تأمین نیاز غیرمسلمانان که از مسلمانان استمداد کنند، یعنی بر مسلمانان متمکن لازم است که برای نجات وی اقدام کنند. رسول خدا می فرمایند: «من سمع رجلا ینادی یاللمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم»(۵)؛ یعنی اگر کافر و غیرمسلمان

۱- "اسلام و توسعه اقتصادی"، مجله ابرار اقتصادی، ش ۵، ۱۱/۲/۱۳۷۸.

۲- انتظار بشر از دین، ص ۲۱۷-۲۱۴.

۳- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۸.

۴- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۴.

۵- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۴.

از مسلمان کمک خواست و راهی برای تأمین خود نداشت و نیز او مزاحم، رهزن و اهل توطئه بر ضد اسلام و مسلمانان نبود باید او را تأمین کرد و استمداد او را اجابت نمود.

۵. تأمین نیاز حیوان، حتی اگر حیوان غیر مزاحمی گرسنه و یا تشنه باشد باید برای رفع گرسنگی و یا تشنگی او اقدام کرد، «أفضل الصدقه إبراد کبد حری».(۱)

– تفاوت توسعه اقتصادی در نظام اسلامی و غیر آن

افراد در نظام اسلامی، نقش مهمی در رشد اقتصادی و تأمین نیازهای جامعه بشر دارند. هر چه نیازهای مادی به حکم اسلام بیشتر و فراگیرتر برطرف شود، بسیاری از موانع توسعه اقتصادی حذف و عوامل رشد اقتصادی فراهم می شود و حیطه و گستره توجه به فقر و کاستی های اقتصادی از افراد، اجتماع، امت و بشر به سطح تمام موجودات می رسد و این تفاوت توسعه اقتصادی در نظام اسلامی و غیر آن می باشد.

ایشان در بیان اهمیت توسعه اقتصادی در سیره مدیریت توسعه اسلامی، آن را بسان ستون فقرات جامعه و مایه قوام می دانند: «همان طور که جاری نشدن خون در بعضی رگ ها موجب فلج شدن آن عضو می شود، مال نیز باید در همه شرایین جامعه جریان داشته باشد.» (۲)

پس تفاوت دیگر نظام اسلامی و غیر آن در توسعه اقتصادی، موضوع

۱- انتظار بشر از دین، ص ۲۱۶.

۲- انتظار بشر از دین، ص ۲۲۱.

طبقاتی بودن و جمع آوری میزان زیادی از منابع و اموال اقتصادی در سیطره گروه خاص می باشد:

در نظام سرمایه داری، ثروت های کلان و سنگین در دست گروه خاصی است. آنهایی که در دنیا داد و ستدهای مهم را انجام می دهند محدودند؛ به طوری که گاه ممکن است شرکت ها، تراست ها، کشتی ها یا هواپیماهای مختلفی را خریداری کرده و بفروشند، ولی قرآن، مال را به منزله خون در پیکر جامعه می داند...(۱)

- شاخصه مهم کارگزاران توسعه اقتصادی

قبل از این که وارد تأکیدات و معیارهای ایشان در توسعه اقتصادی توسط نظام اسلامی شویم لازم است ویژگی کارگزاران نظام اسلامی را خاصه در توسعه اقتصادی مطرح نماییم: معیار ایشان «عقل است» و در مقابل آن «سفاهت است» که کارگزاران توسعه اقتصادی نباید سفیه باشند و در توضیح آن:

انسانی که مال را از راه رشوه یا ریا و بدون تولید صحیح و کسب حلال به دست می آورد و نیز کسی که مال را از راه صحیح فراهم می کند، ولی در مصرف اسراف و اتراف دارد هر دو سفیهند.(۲)

همچنین درباره علائم عقل و عقلانیت کارگزار توسعه اقتصادی چنین آمده است: «معیار عقل و سفاهت، اطاعت از خدا و تخلف از فرمان خدا ست. مطیع

۱- انتظار بشر از دین، ص ۲۲۲.

۲- انتظار بشر از دین، ص ۲۲۲.

فرمان خدا نیکوسرشت و عاقل می باشد و مخالف فرمان خدا سفیه است.»(۱)

شاید به نظر ما کسی که از راه های طبقاتی و اشرافی گری، یا از راه ربا و تولید نامشروع مالی، سرمایه ای جمع می کند فکر اقتصادی دارد، ولی لوازم شرعی را رعایت نمی کند، از نظر ایشان او عقل اقتصادی ندارد و سفیه است.

در جای دیگر تأکید دارند که عقل در مدینه فاضله مهدوی از اسارت هواپرستی آزاد شده و در نتیجه از سرچشمه وحی انسان های تشنه را سیراب می کند:

با ظهور خورشید حاکمیت مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف عقل اسیر هواپرستی آزادی خویش را بازیافته و به برکت وجود آن حضرت چون گنجی نهفته آشاره می شود، شکوفه می دهد و به بار می نشیند. آن گاه دل های تشنه کمال را از سرچشمه وحی سیراب می کند... و بدین سان مدینه آرمانی انسان را سامان می بخشد.(۲)

همچنین معتقدند که عقل و نقل در سیطره وحی می باشد و هیچ کدام از اینها قانونی مستقل برای سعادت انسان ندارند:

عقل و نقل هر دو تحت اشراف و سیطره وحی معصوم به سر می برند و نیازمند آن می باشند، دین خداوند صراط المستقیم است و عقل برهانی و نقل معتبر معراج آن صراطند و هیچ کدام از خود قانونی ندارند.(۳)

از وظایف اصلی حکومت و مردم، شناخت مفسدان اقتصادی و مقابله با

۱- انتظار بشر از دین، ص ۲۲۲.

۲- امام مهدی موجود موعود، ص ۲۵۳.

۳- امام مهدی موجود موعود، ص ۲۵۳.

آنها است. آنها دقیقاً خلاف توسعه اقتصادی در نظام اسلامی حرکت می کنند و هم خودشان و هم جامعه را دچار آسیب و آفت می کنند:

داستان حریص نسبت به دنیا، داستان کرم ابریشم است که دائماً در خود می تند که خودش را دفن کند، چون محصول کرم ابریشم جز این نیست که دور خود می تند و خود را خفه می کند و قبل از هر چیزی خودش می میرد و محصولش را دیگری استفاده می کند.(۱)

– وظایف دولت در سیاست گذاری های اقتصادی

تأکیدات ایشان در مدیریت توسعه اقتصادی توسط نظام اسلامی شامل موارد زیر می شود:

۱. تلاش برای مدیریت اسلامی در شئون مختلفی که یک اجتماع و نظام بایستی داشته باشد (کاشت، داشت، برداشت و همه شئون.)

۲. تلاش برای مدیریت اسلامی در حلال بودن تمام شئون و مراحل مختلف تولید، توزیع، مصرف و ... به عنوان رکن و شاخصه لازم اقتصاد سالم. (۲)

۳. از نظر ایشان سود اقتصادی حرام نه بر فرد به تنهایی، بلکه بر جامعه، اثرات مخرب دارد:

غذای حلال و حرام مثلاً در آینده نزدیک به صورت بینش علمی یا گرایش عملی در می آید و سبب جزم صائب یا عزم صحیح یا سقیم خواهد شد و از این رهگذر در فرزند که حامل وراثت های بدنی و روحی پدر و مادر است ظهور

ص:۵۵

۱– انتظار بشر از دین، ص ۲۲۳. اشاره به حدیثی از امام باقر علیه السلام رک: اصول کافی، ص ۳۱۶.

۲– ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، ص ۱۰۹ و ۱۱۰.

می کنـد و شاید گوشه ای از معنای آیه ((وَشَارِكهُمْ فِي الأَمْوَالِ وَالأَوْلادِ (۱))) همین تحلیل باشد و نیز امام صادق علیه السلام می فرماید: «کسب الحرام یبین فی الذریعه»(۲) کسب حرام و آلوده در نسل آینده ظاهر می شود.(۳)

در مجموع، ایشان لوازم توسعه سیاست گذاری های اقتصادی را از نظر اسلام در موارد ذیل خلاصه می نمایند:(۴)

۱. اصل مالکیت انسان ها نسبت به یکـدیگر پـذیرفته شـده است، ولی تمام انسان ها نسـبت به خداونـد امین و نائبند نه مالک. [مالکیت خصوصی تا جایی که منجر به فقر و حرمان جامعه نشود.]

۲.مجموع اموال متعلق به مجموع انسان ها است. [مال به منزله خون در عروق تمام جامعه]

۳. مال به منزله خون بدن و به مثابه ستون فقرات جامعه انسانی است. [قوام دهنده جامعه]

۴. قرار دادن مال در اختیار سفیه ممنوع است و صرف آن به نحو اسراف یا اتراف نارواست.

۵. احتکار ثروت و اکتسار نان ممنوع است و جریان آن لازم است. [مال در دست گروه یا طبقه خاصی نباشد.]

۶. جریان ناقص مال ممنوع می باشد و دور کامل آن لازم است.

۱- اسراء/۶۴.
۲- وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۸۲، به نقل از انتظار بشر از دین، ص ۱۷۳.
۳- انتظار بشر از دین، پیشین.
۴- ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، ص ۱۰۹ و ۱۱۰.

[سرمایه داری یا جریان مال در دست طبقه خاصی نباشد.]

۷. جریان عمومی مال گذشته از راه های پیش بینی شده در شرع مانند ارث و بخشش همانا بر اساس تجارت با رضایت است. [بر خلاف تجارت بدون رضایت یا رضایت بدون تجارت: قمار و ...]

ج) بررسی شاخصه های صنعتی در توسعه سیاسی

ایشان از دیگر شاخصه های توسعه یافتگی مدینه فاضله را در بعد سیاست گذاری های صنعتی می دانند که نظام اسلامی لازم است در الگوی توسعه به آن توجه کند.

رونـدی که در مفهوم صـنعت و صـنعتی شـدن لازم به ذکر است از صـنایع دستی با قـدمت چند هزار ساله را شامل می شود تا صنـایع مصـرفی و تولیـدی کشاورزی، صـنایع فضایی، هواپیمایی، الکترونیک و کامپیوترها «همچنین انقلاب صـنعتی معاصـر با محوریت میکروپروسورهـا، رایانه های پیچیـده تر، روبوت ها، انتقال از طریق فیبر نوری، مهندسـی ژنتیک و کاربردهای آن در کشاورزی، شیمی، انرژی و پزشکی و بهره گیری از میکروپروسورها و رایانه ها در پزشکی و آموزش و ارتباطات ...(۱)».

قبل از بررسـی انقلاب صـنعتی دوران معاصـر [از نظر برخی ها] به دو انقلاب صنعتی گذشته و تأثیر آن در فرایند، نوع و شیوه تولیـد صـنایع نیز می توان اشـاره نمود که در نیمه دوم سـده هجـدهم میلاـدی و اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیسـتم به وقوع پیوست.

ص:۵۷

۱- الگویی برای توسعه اقتصادی ایران، ج ۲، ص ۵۱.

صنایع را می توان در تقسیم های مختلفی از جمله: الف) صنایع کوچک روستایی، صنایع کوچک شهری و صنایع بزرگ ب) صنایع سبک و صنایع سنگین ج) صنایع مصرفی (سبک یا سنگین) و صنایع تولیدی قرار داد. (۱)

ایشان نقش فرایند صنعتی در توسعه همه جانبه نظام اسلامی را با توجه به آموزه های قرآنی و قرائن آن در زندگی سلیمان نبی، نوح علیه السلام و ذوالقرنین مورد بررسی قرار می دهند که فرایند صحیح صنعتی در سیره ائمه و پیشوایان دینی مورد ترغیب می باشد: «پیشوایان نظام اسلامی عهده دار ترغیب به فراگیری کامل فرایند صحیح صنعتی و تعلیم کیفیت بهره برداری از آن می باشند.» (۲) پس:

۱- فراگیری، تحصیل، تحقیق و آموزش فرایند صحیح صنعتی مد نظر است.

۲- در عرصه عمل هم آموزش بهره برداری خوب و بهینه از صنایع در جهت رشد و توسعه نظام اسلامی و رسیدن به اهداف آن مورد سفارش است.

نمونه ای از توسعه صنعتی در عصر سلیمان را ایشان این گونه مطرح می کنند:

جریان ورود ملکه صبا به ساحت قدس سلیمان علیه السلام و مشاهده قصر ظریف شیشه ای و پندار آب و بالا زدن پوشش پا، شاهد بر پیشرفت صنعت معماری، هنری و صنعتی آن عصر است(۳)

((قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَن سَاقَيْهَا قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِّن قَوَارِيرَ)).(۴)

به طور خلاصه در باب شاخصه های توسعه صنعتی در نظام اسلامی به

۱- الگویی برای توسعه اقتصادی ایران، ج ۲، ص ۱۳۰ و ۱۹۶.

۲- ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، ص ۱۱۱.

۳- ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، ص ۱۱۱.

۴- نمل/۴۴.

موارد زیر اشاره می نمایند:

۱. اصل فرایند صنعتی در حکومت اسلامی ممدوح و مورد ترغیب است.

۲. مهم ترین بهره درست از صنایع پیشرفته در هر عصر عبارت از نیازهای علمی و عملی مردم آن عصر می باشد.

۳. آن چه در قرآن یاد شده شده است،؛ جنبه تمثیل دارد نه یقین. یعنی در قرآن، مثال بهره وری صحیح از صنعت بازگو شده نه این که استفاده درست از صنعت منحصر در همین چند مورد باشد.

۴. [درباره الگوی صنعتی] صنعت کشتی سازی نوح علیه السلام الگویی برای ساخت و پرداخت هر گونه وسایل نقلی دریایی و زیر دریایی، اعم از وسیله نقلیه مسافر، بار و مانند آن و نیز وسایل نقلی زمینی و هوایی به طور عام می باشد. صنعت زره بافی داود، الگویی برای شناخت هر گونه وسائل دفاعی خواه در برابر تیر و مانند آن باشد و خواه در برابر سموم شیمیایی و مانند آن و صنعت معماری و کارهای دستی و ظرایف هنری و ساختن ظروف فلزی سلیمان علیه السلام نمونه ای برای ساختن هر گونه لوازم زندگی است که نیازمندی های فردی یا گروهی و همچنین نیازمندی های هنری و ادبی توسط آن برطرف می گردد. (۱)

ایشان در تبیین الگوی صنعت کشتی سازان نوح علیه السلام معتقدند که:

نوح در جریان استفاده صحیح از علم صنعت از پیش کسوتان به شمار می آید و خداوند، هم تعلیم کشتی سازی او را به عهده گرفته و هم توفیق و تأیید عملی

ص:۵۹

۱- ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، ص ۱۱۳.

آنرا عهده دار شد، (۱) اشاره به: ((وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا)).(۲) ((فاوحينا اليه أن اصنع الفلك باعيننا و وحينا)).(۳)

و لذا نظام اسلامی می تواند در موارد مذکور از این الگو تبعیت نماید.

ـ درباره الگوی صنعتی حضرت داود علیه السلام ایشان این گونه تبیین می کنند:

حضرت داود مأمور شده بود از نعمت غیبی خداوند ـ که آهن سرد و سخت را در دستش چون موم نرم کرده بود ـ صنعت زره بافی را ارائه دهد و نظم هماهنگ بند ها و حلقه های زره را رعایت نماید.(۴)

اشاره به سوره سباء آیات ۱۰ و ۱۱ و نیز: ((وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِتُحْصِنَكُم مِّن بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنتُمْ شَاكِرُونَ))(۵)

به نظر ایشان صنعت زره بافی جزو علوم عملی و هنری و قابل انتقال به غیر است و قابلیت الگوگیری دارد، اما نرم کردن آهن چون موم به وسیله دست، جزء علوم نظری و قدرت غیبی است.

ـ الگوی صنعتی حضرت سلیمان علیه السلام نیز بدین شرح است که:

کارگزاران نظام اسلامی حضرت سلیمان علیه السلام، هم در صفت معماری بناهای بلند و قصرهای منیع می ساختند و هم در صنعت نقاشی و هنر، تمثال فرشتگان و پیامبران و صالحان را با زیبایی ترسیم می کردند تا ضمن تشویق به هنر و ارضای غریزه هنر جویی، روش بهره برداری درست را ارائه نمایند

۱- ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، ص۱۱۲.

۲- هود/۳۷.

۳- مومنون/ ۲۷.

۴- ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، ص۱۱۲.

۵- انبیاء/۸۰.

... و نیز در مورد صنعت فلزکاری؛ ظروف مورد نیاز فردی و جمعی را می ساختند تا در کنار هنرآموزی، وسایل رفاهی را هم فراهم کنند و آیین بهزیستی را در سایه تأمین لوازم ضروری بیاموزند.(۱)

ایشان با آیات ۱۲ و ۱۳ سوره سبا، این مطلب را تبیین می نماید.

شناخت تسلیحات حتی نوع کشنده و تخریبی آن برای نظام اسلامی لازم است، اما از نظر ایشان تحقیق و آشنایی با انواع تکنولوژی پیشرفته با استفاده از آنها متفاوت است:

استفاده از تکنولوژی در تمام امور سازنده و سودمند رواست، ولی بهره برداری از آن در امور تخریبی و تهاجمی و سوزنده و کشنده و تباه کننده زمین، دریا، هوا، گیاهان، جانوران، انسان ها، مناطق معمور و ... هرگز روا نیست و با این مسئله می توان فرق میان کادر صنعتی در مدینه فاضله که هدف حکومت اسلامی است را با کادر صنعتی کشورهای مهاجم و مخرب و مدعی تمدن بررسی نمود.(۲)

توجه به حفظ محیط زیست و حتی توسعه و رونق فضای سبز و آبادانی از وظایف مورد توجه کارگزاران توسعه صنعتی می باشد.

صنایع تجربی موظفند که در راستای تأمین سعادت و سلامت تمام بشر جهت گیری کنند؛ چنان که مکلفند حقوق طبیعی هر موجود دیگر را اعم از دریا و آبزیان هوا و پرندگان و استنشاق کنندگان از آن و نیز هر پدیده طبیعی دیگر را رعایت

۱- ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، ص۱۱۱.

۲- ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، ص ۱۱۴.

نمایند و هرگز به هلاکت نسل رضایت ندهند.(۱)

بـا رعـایت این گـونه مـوازین و رعـایت حقوق دیگر موجودات است که حوزه فعـالیت در تولیـدات صـنعتی «محـدود به نقطه خاصی نیست. بلکه از اعماق دریاها تا اوج آسمان ها و فراخنای خشکی و صحرا میدان کار و تلاش است.»(۲)

از طرفی، خداوند زمینه هر گونه نوآوری و ابداع را فراهم ساخته است:

خدای سـبحان همه مواد خام و لازم برای هر گونه ابتکار را در سفره سنت الهی قرار داده است و زمینه هر گونه صنعت بدیع و هر نوع نوآوری را در نهان بشـر نهادینه کرده است تا اصل کار از سادگی صدف به پیچیدگی گوهر بار یابد و از تکرار پرهیز شود و به سمت خلاقیت جهت گیری شود.(۳)

د) بررسی شاخصه های حقوقی توسعه سیاسی

اشاره

همان طور که در ابعاد قبل هم متـذکر شـدیم ایشان معتقدند: «قوانین اسـلامی و مسـئولان دینی، عهده دار تبیین و تحقیق رشـد حقوق داخلی و بین المللی هستند.» (۴)

سلاح های صنعتی و اقتصادی بدون صلاح حقوقی و اخلاقی، زمینه تباهی را فراهم می کند و جنگ جهانی اول و دوم گواه بر صدق همین مطلب است.

به طور معمول، حقوق، مجموعه قواعد و مقرراتی است که به وسیله قوه

۱- انتظار بشر از دین، ص ۱۹۵.

۲- انتظار بشر از دین، ص ۱۵۴.

۳- انتظار بشر از دین، ص ۱۶۲.

۴- ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، ص ۱۱۴.

مقننه وضع می گردد تا روابط بین مردم یک جامعه را تحت نظم در آورد و از طرفی نظم عمومی را در جامعه مستقر نماید.

حقوق از لحاظ قلمرو حکومت و حدود تنظیم روابط به دو دسته تقسیم می شود:(۱)

۱. حقوق داخلی (در داخل مرزها)

۲. حقوق خارجی یا بین الملل (در بین ملت ها و دولت ها)

هر دوی اینها به دو دسته تقسیم می شوند: ۱- حقوق داخلی خصوصی (روابط افراد با هم) ۲- حقوق داخلی عمومی (روابط افراد دولت) ۳- حقوق بین الملل خصوصی (اتباع کشورها با هم) ۴- حقوق بین الملل عمومی (روابط دولت ها).

قصد ما بحث تفصیلی درباره اینها نیست، اما لازمه توسعه حقوقی توجه به تمام ابعاد و زوایای حقوق داخلی و بین المللی است.

از لحاظ حقوقی، ایشان، عواملی را برای سیاست گذاری های توسعه در نظام اسلامی لازم برمی شمارند:(۲)

۱. نفی هرگونه سلطه گری و سلطه پذیری: ((ظْلِمُونَ وَلاَ تُظْلَمُونَ)).(۳)

۲. رعایت عهدها و مواثیق بین المللی: سیره و روش ابرار است که وقتی عهدی می بندند به عهد خود وفا می کنند(۴) و از سوی دیگر، خدای سبحان، مشرکان و کافران را به دلیل بی تعهدی و نقض عهد چنین نکوهش می کند:

۱- رک: مقدمه علم حقوق.

۲- ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، ص ۱۱۶-۱۱۴.

۳- بقره/ ۲۷۹.

۴- اشاره به سوره بقره / ۱۷۷.

((الَّذِينَ عَاهَدتَّ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِی کلِّ مَرَّةٍ)).(۱)

اهتمام حکومت اسلامی برای برقراری نظام تعهد و قانون و عمل به پیمان و احترام به میثاق برای آن است که جامعه متعهد از امنیت و آزادی ــ که از لوازم تمدن و اصول مدینه فاضله به شمار می آید ــ برخوردار گردد.

به نظر ایشان، امنیت در پرتو رعایت حقوق فراهم می شود و همچنین حقوق و رعایت آن برای همه اقشار ضروری است و کسی اجازه برتری طلبی و بر هم زدن تعادل اجتماعی را با خوی استکبار و پیمان شکنی ندارد تا جایی که کفار نه به جهت بی ایمانیشان بلکه به لحاظ عدم تعهد مطرود و مورد مبارزه هستند.(۲)

ایشان مشکل حقوق بین الملل را در پیمان شکنی زورمداران عصر حاضر معرفی می کنند که سازمان بین الملل نارسا شده است.

۳. رعایت امانت و پرهیز از خیانت در اموال و حقوق: دستور خداوند، لزوم رعایت امانت و تأدیه آن به صاحبش است.(۳) تأثیر احترام متقابل به امانت های یکدیگر در برقراری امنیت و آزادی در تأسیس مدینه فاضله کاملا مشهود است.

– زوایای توسعه حقوقی

در مجموع، زاوایای توسعه حقوقی را از سه بعد نظری، اجراء (یا ضمانت

۱– انفال / ۵۶.

۲– ر.ک: توبه / ۱۲.

۳– اشاره به سوره نساء / ۵۸.

اجراء) و نظارت می توان در نظام اسلامی بررسی نمود:(۱)

۱. در بعد نظری: در جامعه دینی و نظام الهی، قانون گذار، معصوم و مصون از جهل و خطا ست. او منفعت طلب و سودجو نیست تا به سود افراد یا گروهی قانون وضع کند و در این قانون، عرب و عجم فرقی ندارند.(۲) سیاه و سفید و سرخ تفاوتی با هم ندارند: «و ارسلت الی الابیض والاسود والاحمر(۳)» و انسان ها مانند دندانه های شانه یکسان و مساویند: «الناس سواء کأسنان المشط(۴)».

۲. در بعد اجرا: مجریان نخستین این قانون، انسان های وارسته و معصومند. در عصر غیبت نیز کارگزاران حکومت دینی کسانی هستند که انگیزه حفظ قانون و عمل به آن را دارند و آن انگیزه از همان اعتقاد و عبادت ایشان برمی خیزد و اگر بر اساس غفلت یا تغافل شخص دنیاطلبی در جامعه دینی درآمد و آخرت را با دنیا معامله کرد، مؤمنان متعهد چنین جامعه دینی او را خلع جا کرده و از قلمرو پیش کسوتان دینی طرد می نمایند.

۳. نقش مردم در توسعه حقوقی: اسلام برای این که نظام الهی از هر گزندی محفوظ بماند مردم را نیز به عنوان ناظر ملی موظف کرده است و این گونه نیست که مردم فقط مشمول قانون باشند و دیگر هیچ سمتی نداشته باشند. اسلام، مردم را ناظر حسن اجرای قانون دینی و الهی قرار داد و امر به معروف و نهی از منکر را بر همه واجب کرده است. لازم به تذکر است که قانون الهی، خود از منابع بسیار مهم حقوق و قانون گذاری در قوه مقننه است که

۱- ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، ص ۸۸ و ۸۹.

۲- اشاره به سوره مؤمنون / ۳۷.

۳- بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۳۲۶.

۴- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۵۱.

اعمال نظارت بر رعایت موازین آن از سوی شورای نگهبان صورت می گیرد.

– مسئله صلح جهانی، مقدمه توسعه حقوق بین الملل

از نظر ایشان، صلح عادلانه جهانی است که منجر به نمود توسعه در تمام ابعاد آن به خصوص توسعه حقوق می شود: «هرگونه توسعه جهانی خواه تجارت یا سیاست یا امور دیگر در پرتو صلح عادلانه جهانی جلوه می کند وگرنه توسعه آن امور، محصولی جز فساد و ناامنی ندارد.»(۱)

راه رسیدن به صلح جهانی، جلوگیری از تعدی به حقوق دیگران و گسترش فساد جهانی است:

به منظور صلح جهانی پایدار [که مورد تأکید اسلام است] نه تنها نباید تن به تباهی ظلم داد و به آن مباهات کرد، بلکه باید جلوی هرگونه تعدی را گرفت وگرنه فساد اولاً زمینه ضعف مراکز عبادی – فرهنگی را فراهم می کند و ثانیاً به گستره زمین و اهل آن می رسد.(۲)

از نظر ایشان، راه تأمین صلح عادلانه به کیفیت بهره وری از علوم عقلی کامل شده توسط اسلام برمی گردد:

اسلام با تکمیل علوم عقلی، کیفیت بهره وری از آنها را در تأمین صلح عادلانه جهانی به عهده دارد. عناصر محوری علوم عقلی مانند کلام، حکمت، عرفان و ... معرفت خدا و شناخت اسماء و صفات علیای او تشکیل می دهد و سهم مؤثر ثقلین [قرآن و عترت] در طرح معارف، توسعه، تعلیل و تبیین

۱- انتظار بشر از دین، ص۱۹۱.

۲- انتظار بشر از دین، ص ۱۸۰.

آن، به طوری که از گزند اضلال، آسیب اغوا و خطر مغالطه مصون باشد...(۱)

شاخصه های ذیل از جمع بندی مباحث توسعه سیاست گذاری های مدینه در عرصه قانون و حقوق ذکر می شود:

۱. تبیین و تحقیق برای رشد حقوق داخلی و بین المللی به واسطه «قوانین اسلامی» و از طریق «مسئولان دینی» در مدینه فاضله صورت می گیرد.

۲. تساوی حقوق و رعایت قوانین برای همه اقشار مدینه فاضله ضروری است.

۳. صلح جهانی پایدار (عادلانه) در قوانین مدینه فاضله مورد تأکید است.

۴. صلح جهانی عادلانه به کیفیت بهره گیری از علوم عقلی و تکمیل آن توسط اسلام بر می گردد.

ه) جایگاه رهبری و مردم در توسعه سیاسی

۱- امامت و ولایت

اشاره

از عناصر اساسی توسعه سیاسی در مدینه فاضله، رهبری می باشد که نقش و جایگاه او در توسعه تأثیرات مستقیم و اساسی دارد و لازمه نظام کمال یافته در اندیشه اسلام به شمار می رود. ولایت که در این جا معادل رهبری الهی می باشد به معنای «آمدن چیزی است در پی چیز دیگر بدون آن که فاصله ای بین این دو باشد و لازمه چنین مقامی نزدیکی این دو است.»(۲)

۱- انتظار بشر از دین، ص ۱۸۲.

۲- ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، ص ۱۲۲.

در اندیشه اسلامی، ولایت اقسامی دارد که عبارتند از:

۱. ولایت تکوینی: سرپرستی موجودات جهان و تصرف عینی به آنها را در بر می گیرد که در این باره ولی واقعی همه اشیاء و اشخاص فقط ذات خدا ست.(۱)

۲. ولایت به تشریع: سرپرستی جعل قانون و تشریع احکام و آن هم منحصر به خدا ست.(۲)

۳. ولایت تشریعی: ولایت در محدوده تشریع و قانون که ولایت بر جامعه خردمندان و تصدی امور جامعه اسلامی در این قسم جای دارد.(۳)

سلسله مراتب ولایت و رهبری جامعه مسلمین و مدینه فاضله را می توان از ولایت خداوند آغاز نمود که در واقع، مبنای اصلی ولایت و حکومت در اسلام است:

زیرا انسان از کسی اطاعت می کند که فیض هستی خود را از او دریافت کرده باشد و چون افراد عادی نه به انسان هستی بخشیده و نه در بقاء و دوام هستی او مؤثرند، بنابراین رأی هیچ کس برای دیگری لازم الاتباع نیست.(۴)

یکم. رهبری الهی در عصر ظهور معصوم

افرادی هستند که از طرف خداوند متعال، مأذون به سرپرستی جامعه اسلامی و نیز رهبری سیاسی و اجتماعی هستند، از جمله انبیاء در مقام نبوت:

۱- اشاره به سوره شوری / ۹.

۲- اشاره به سوره یوسف / ۶۷.

۳- عبدالله جوادی آملی، پیشین.

۴- ولایت فقیه، رهبری در اسلام، ص ۲۸ و ۲۹.

انبیاء کسانی هستند که با تحدی و اعجاز، رسالت آنها از طرف خداوند اثبات شده و بر اتّباع و پیروی از آنها فرمان داده شده است: «و ما أرسلنا من رسول الا لیطاع بإذن الله؛ هیچ پیامبری نفرستادیم مگر این که به اذن خداوند مردم موظف به اطاعت و فرمانبرداری از او هستند.(۱)»

با اتمام رسالت آخرین پیامبر، ولایت و سرپرستی الهی در مدینه فاضله اسلامی به اذن خداوند در ولایت ائمه علیه السلام استمرار پیدا می کند:

چون رهبری امری ضروری است، برای جوامع بشری تداوم رهبری الهی ضرورت دارد؛ زیرا گذشته از یک سلسله دستورات اجتماعی درون مرزی نظیر حدود و دیات و قصاص و تعزیرات و امثال آن، یک سلسله دستورات اجتماعی برون مرزی مانند جهاد؛ دفاع و مانند آن نیز در دین وجود دارد که نشان دهنده آن است که دین نیازمند به یک قدرت اجرایی و یک سرپرستی و ولایت اجتماعی است.(۲)

دلیل این که امام منصوب از سوی خداوند است، از نظر ایشان این است که:

زیرا کسی می تواند امام باشد که نه تنها در ایفای وظیفه امامت و اعلام و اخبار احکام الهی و تشریع و تبیین آن، مرتکب خلاف، غفلت، سهو و نسیان نشود، بلکه در اعمال و وظایف فردی خود گرفتار خلاف نگردد... نه تنها دستش به گناه دراز نشود و فکر گناه و تصمیم آن در دل او خطور نکند، بلکه فکر و اندیشه اش نیز از خطا و اشتباه مصون و محفوظ

۱- ولایت فقیه، رهبری در اسلام، ص ۲۹؛ اشاره به سوره نساء / ۶۴.

۲- ولایت فقیه، رهبری در اسلام، ص ۳۰.

باشد، این همان مقام والای عصمت است...(۱)

در نتیجه، عمده ترین تفاوت رهبری الهی در عصر ظهور و عصر غیبت، مربوط به مقام عصمت و عدم عصمت در ولایت است. مصون بودن از خطا و اشتباه در فکر و عمل و نکته دیگر در تفاوت این دو مبحث، علم لدنی امام است:

چنین کسی است که می تواند همه اسرار عالم را به تعلیم الهی بفهمد، آن چه را که در تعیین سعادت بشر نقش دارد درست درک کند. باطن اشیاء و اشخاص را به اذن خدا بنگرد و در این نگرش اشتباه نکند.(۲)

با این توصیف از دیدگاه ایشان، رهبری الهی در عصر غیبت را نیز می توان این گونه مورد بررسی قرار داد.

دوم. رهبری الهی در عصر غیبت

از نظر ایشان، تمام اجزای فرهنگی، حقوقی، اقتصادی، سیاسی و نظامی ساختار حکومت اسلامی در عصر غیبت از اجزای ساختار ولایت فقیه و زیر مجموعه آن است که اجرای همه جانبه اسلامی و اداره جامعه اسلامی در گرو آن است: «حاکم اسلامی باید برای اجرای تمام احکام اسلامی حکومتی تشکیل دهد و در اجرای دستورات اسلام، تزاحم احکام را به وسیله تقدم اهم بر مهم رفع کند؛ اجرای قوانین جزایی و اقتصادی و سایر شئون اسلام و جلوگیری از مفاسد و انحرافات جامعه از وظایف فقیه جامع الشرایط است که

۱- عصاره خلقت، ص ۲۶.

۲- عصاره خلقت، ص ۲۷.

حاکم اسلامی برای اداره جامعه و اجرای همه جانبه اسلام باید مسئولان جامعه را تعیین کند و مقررات لازم برای کشورداری را در محدوده قوانین ثابت اسلام وضع نماید. فرماندهان نظامی را نصب کند و برای حفظ جان و مال و نوامیس مردم و استقلال و آزادی جامعه اسلامی، فرمان جنگ و صلح صادر نماید؛ کنترل روابط داخلی و خارجی اعم از مرزداران و مدافعان حکومت، نصب ائمه جمعه و جماعات (به نحو مباشرت یا تسبیب)؛ تعیین مسئولان اقتصادی برای دریافت زکات و اموال ملی و صدها برنامه اجرایی و مقررات فرهنگی، حقوقی، اقتصادی، سیاسی و نظامی همگی از وظایف و مسئولیت های مطلقه فقیه است که بدون چنین وظیفه ای، اجرای کامل و همه جانبه اسلام و اداره مطلوب جامعه اسلامی، آن گونه که مورد رضایت خداوند باشد،امکان پذیر نیست.(۱)»

در دوران غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف فقیه جامع شرایط در نقش و جایگاه ولایت فقیه در نظام اسلامی عهده دار امور جامعه می شود که سه شاخصه در او می باشد: ۱- اجتهاد مطلق ۲- عدالت مطلق ۳- قدرت مدیریت و استعداد رهبری.

ولی فقیه علاوه بر این که علم دین را درست می فهمد، باید آن علم را خودش و در جامعه اسلامی به درستی اجرا نماید. به میل و هوس کاری نکند و ...(۲)

علاوه بر آن،

استعداد و توانایی رهبری و کشورداری ضروری فقیه است،

۱- ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، ص ۲۴۸ و ۲۴۹.
۲- ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، ص ۱۳۸.

یعنی اولاً بینش صحیح نسبت به امور سیاسی و اجتماعی داخل و خارج کشور داشته باشد و ترفندهای دشمن را خوب بشناسد و ثانیاً از هنر مدیریت و لوازم آن برخوردار باشد.(۱)

با چنین شاخصه هایی، مصداق ولی فقیه توسط مجلس خبرگان رهبری تشخیص داده می شود و نیز بر بقای این شاخصه ها در او نظارت می شود. ولایت فقیه در این صورت دارای شئون و اختیاراتی خواهد بود که عبارتند از:

۱. حفاظت: مهم ترین وظیفه سرپرست نظام اسلامی این است که جامعه اسلامی را بر اساس معارف اعتقادی و احکام عملی کتاب و سنت معصومین اداره کند. از این رو باید پیش از هر چیز به حفاظت و صیانت و دفاع از این دو وزنه وزین بپردازد.

۲. افتاء: اجتهاد مستمر فقیه با استمداد از منابع معتبر و اعتماد بر مبانی استوار و پذیرفته شده در اسلام.

۳. ولاء: فقیه جامع شرایط در زمینه های مختلف اجتماعی؛ چه در امور فرهنگی، نظیر تعلیم و تربیت و تنظیم نظام آموزشی صالح، چه در امور اقتصادی مانند منابع طبیعی، جنگل ها، معادن و دریاها و ... چه در امور سیاسی داخلی و خارجی مانند روابط بین الملل؛ در زمینه های نظامی همانند دفاع در برابر مهاجمان و تجهیز نیروهای رزمی و در سایر امور لازم به تطبیق قوانین اسلام و اجرای آن مبادرت می ورزد. (۲)

پس تشخیص و تطبیق قوانین اسلامی و تطبیق آن در مواجهه با مسائل و

ص:۷۲

۱- ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، ص ۱۳۹.

۲- ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، ص ۲۴۴-۲۴۲.

حوادث روز و اجرای آنهـا، همه در حیطه وظـایف ولی فقیه در عصـر غیبت محسوب می شود و در این گونه امور، تفاوتی در ولایت معصوم در مدینه فاضله امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و ولایت در حکومت اسلامی عصر غیبت وجود ندارد:

ولی فقیه، همه اختیـارات پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم و امامـان علیه السـلام را در اداره جـامعه دارا ست؛ زیرا او در غیبت امام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف متولی دین است و باید اسـلام را در همه ابعاد و احکام گوناگون اجتماعی اش اجرا نماید.(۱)

تشـخیص اهم از مهم، احکام حکومتی و مقیـد نبودن فقیه به حکم شـرعی، از شاخصه های ولایت فقیه است که مورد نظر امام خمینی رحمه الله بود و ایشان نیز معتقدند:

ولی فقیه موظف است نظـام اسـلامی را برای اجرای احکام تشـکیل دهـد و برای این منظور اگر حکمی از احکام را مانع اصـل نظام اسلامی و مضر به حال مسلمانان دانست موقتا آن را تعطیل می نماید.(۲)

جایگاه و نقش رهبری الهی را در توسعه سیاسی در موارد ذیل می توان جمع بندی نمود:

۱. رهبری الهی در مدینه فاضله، نقش محوری دارد و تمام بخش ها زیرمجموعه و تابع آن هستند.

۲. رهبری الهی در مدینه فاضله دارای مقام عصمت و علم لدنی است و در غیاب معصوم، ولایت فقیه جامع الشرایط، عهده دار رهبری الهی است.

ص:۷۳

۱- ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، ص ۲۴۸.

۲- ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، ص ۲۵۱.

۲- مردم

مردم در ساختار نظام اسلامی شاخصه هایی دارند. وجود و تثبیت این ویژگی ها، پیروزی و توفیق آنها را در پی دارد و در واقع، الگویی از پیروزی نهایی مکتب حق و حکومت جهانی می باشد:

همان گونه که مکتب حق به صورت قرآن کریم و سنت معصومین تبلور یافته و بر تمام مکاتب و قوانین جهان پیروز خواهد شد و حکومتش جهانی خواهد گشت، ملتی پیروز می گردد که اولاً در شناخت حق محقق باشد و ثانیاً در مقام عمل به حق متحقق باشد و جامه حق بر تن کند و ثالثاً همانند دین خود دارای انسجام و اتحاد و هماهنگی باشد و از اختلاف و نزاع و درگیری مصون باشد.(۱)

اما تحقق دین خداوند توسط مردم چگونه امکان پذیر است؟ مردم با پذیرش دین اولاً و پذیرش ولایت حاکم اسلامی ثانیاً دین خدا را در جامعه متحقق می سازند و چنین مردمی اگرچه اندک باشند، خداوند نصر خود را به آنان می رساند و در جنگ با بیگانگان، همه معادلات ریاضی و سیاسی و نظامی را بر هم می زند.(۲)

این جا است که قدرت و جایگاه مردم در نظام دین با تکیه بر پذیرش دین خدا، ولایت فقیه و تلاش برای تحقق دین خداوند بروز پیدا می کند و مورد تأکید واقع می شود.

اتحاد، از دیگر علل مهم پیروزی آنها ست:

ص:۷۴

۱- ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، ص ۸۱.

۲- ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، ص ۸۲.

اتحـاد از مهم ترین علـل پیروزی است و مقصود از آن صـرف گردهمـایی صوری و حضور در صـحنه نیست، بلکه گذشـته از اجتماعـات صوری و ظـاهری لازم است دل ها به هم مرتبط و جان ها با یکـدیگر منسـجم باشـند و این اتحاد وقتی دائمی و بی نقص خواهد بود که بر محور مادیات نباشد، بلکه برای رضای خداوند و بر محور حق قرار گیرد.(۱)

نشانه اتحاد را نه تنها در حضور در صحنه و ... بلکه علاوه بر آن بایستی در تلاش بر محور حق و نه مادیات جست و جو نمود و محوریت رضای خداوند در امور مربوط به ملت خودبه خود موجب نزدیکی و اتحاد جان هایشان می شود.

تفاوت اساسی این نظام اسلامی با دولت های مستبد در نقش مردم در تحقق آن است:

حکومت اسـلامی هیـچ گاه بـدون خواست و اراده مردم متحقق نمی شود و تفاوت اساسـی حکومت اسـلامی با حکومت های جائر در همین است.(۲)

مردم در ساختـار نظـام اسـلامی، نقش ناظر ملی را ایفا می کننـد. نظارت بر حسن اجرای قوانین دینی و امر به معروف و نهی از منکر:

اسـلام برای این که نظام الهی از هر گزندی محفوظ بماند، مردم را نیز به عنوان ناظر ملی موظف کرده است و این گونه نیست که مردم فقط مشمول قانون باشند و دیگر هیچ سمتی نداشته باشند. اسلام، مردم را ناظر حسن اجرای قوانین دینی

۱- ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، ص ۸۱.

۲- ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، ص ۸۱.

و الهی قرار داده و امر به معروف و نهی از منکر را به همه واجب کرده است.(۱)

جایگاه اکثریت در نظام اسلامی با دموکراسی متفاوت است. در اولی کاشف حق است نه به بوجودآورنده آن. پس اسلام مقدم بر رأی اکثریت است:

تفاوت اساسی اکثریت در نظام دموکراسی با اکثریت در نظام اسلامی در این است که در حکومت اسلامی، حق و قانون پیش از اکثریت و مقدم بر آن است و اکثریت، کاشف حق است نه مولد و به وجود آورنده آن؛ ولی در نظام دموکراسی و غیردینی، اکثریت پیش از حق و قانون و به وجودآورنده آن است.(۲)

در مجموع در مورد جایگاه و نقش مردم نیز به موارد زیر اشاره می کنیم:

۱. اساساً مدینه فاضله با خواست مردم متحقق می شود.

۲. رأی اکثریت، کاشف حق است، یعنی قانون الهی مقدم بر رأی اکثریت است.

۳. مردم موظف به شناخت حق و عمل به آن هستند ! هدف مدینه فاضله.

۴. مردم علاوه بر این که مشمول قوانین هستند، ناظر بر حسن اجرای قوانین هم هستند.

۵. مردم در مدینه فاضله متحد و منسجم هستند و اتحاد صوری (مشارکت در امور) با اتحاد جان ها (بر محوریت حق و رضای خداوند) عمق و توسعه می یابد.

و) اشاره ای به اهداف مدینه فاضله

ایشان در مبحث اهداف حکومت اسلامی که کامل ترین نوع آن تحت

۱- ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، ص ۸۹.

۲- ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، ص ۹۱.

عنوان مـدینه فاضـله است، دو نوع هـدف اصـلی و فرعی را مطرح می نماینـد. اصـلی ترین و مهم ترین اهـداف عبارتند از: ۱- انسان ها را به سوی خلیفه الله شدن راهنمایی کردن و مقدمات سیر و سلوک آنها را فراهم نمودن. ۲- کشور اسلامی را مدینه فاضله نمودن.

البته در میان این دو هدف هم یکی اصل و ریشه است و دیگری فرع به منزله روح برای جسم انسان:

تأمین مـدینه فاضـله نیز برای پرورش انسان هایی است که در جهت خلیفه الله شـدن گام بر می دارند و اصالت در بین دو رکن یاد شـده همانا از آن خلافت الهی است؛ زیرا بـدن هر چنـد سالم باشـد، پس از مـدتی می میرد و می پوسـد، اما روح همچنان زنده و پاینده است. همچنین مدینه فاضله هر چند از تمدن بالا برخوردار باشد پس از مدتی ویران می گردد، ولی خلیفه الله که همان انسان کامل است از گزنـد هرگونه زوال؛ مصون است. بنابراین، مدینه فاضـله به منزله بدن است و خلیفه الله به مثابه روح آن و همان گونه که بر اساس اصالت روح، بـدن را روح سالم می سازد، بنابر اصالت، خلیفه الله، مـدینه فاضـله را انسان کامل، تأسیس و تأمین می نماید.(۱)

با تحقق مدینه فاضله هدف اصلی خلیفه الله شدن است و برای نظام جمهوری اسلامی که الگویش مدینه فاضله است باز هدف اصلی خلیفه الله شدن و به تبع آن هدف حکومت اسلامی تشکیل مدینه فاضله خواهد بود و تلاش برای رسیدن به این هدف و تحقق آن ضروری است.

۱- ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، ص ۹۹.

برای خلیفه شدن انسان و رسیدن به این هدف اساسی، فرد و جامعه، خط مشی و سیاست خاصی را مد نظر دارند. ایشان از آن به «خط مشی نورانی شدن» تعبیر می نمایند:

هدف مهم تأسیس نظام اسلامی مبتنی بر وحی و نبوت همانا خلیفه شدن انسان است و در چنین جامعه ای خط مشی انسان بسیار روشن است و او با نور الهی که بهره وی گشته حرکت می کند و زندگی می نماید: ((وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ)) اما این خط مشی که حاصل فضایل و کمالات خلیفه خدا ست چگونه شناخته و قابل تمیز است؟ از آثار این خط در زندگی فردی و اجتماعی او: سیره آموزنده انسان نورانی آن است که در عین رعایت ادب و پاسداری از حرمت انسانیت دیگران، هیچ انسانی را شایسته ستایش و پرستش نمی داند و نیز در عین زیبا دیدن نظام کیهانی و تحسین سراسر گیتی، هیچ موجود سپهری و یا زمینی را شایسته تکریم عبادی ندانسته، برای آن قداست و پرستش قائل نیست.(۱)

شرک زدایی که انواع و مراتبی دارد به تمام معنی نمود اتخاذ خط مشی نورانی شدن است و در سیاست های اجتماعی توجه به این هدف و فرایند رسیدن به آن در الگوی مدینه فاضله لازم است.

در این راستا انسان کامل اهداف فرعی را در سیره اجتماعی و فردی اش مد نظر دارد که از اهداف فرعی مدینه فاضله است مثل قسط و عدل:

... آن چه به عنوان قسط و عدل و نظایر آن به عنوان اهداف

۱- ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، ص ۹۹.

حکومت اسلامی یاد می شود، اگرچه کمال به شمار می آید، لکن همه آنها جزء فروعات کمال اصلی اند؛ زیرا انسان متعالی که خلیفه خداست؛ مصدر همه آن کمالات خواهد بود؛ چرا که خلافت خداوند مستلزم آن است که خلیفه وی مظهر همه آن چه که در تأمین سعادت ابد سهیم است و در تدبیر جوامع بشری نقش سازنده دارد باشد.(۱)

مشاهده می شود که از نظر ایشان، اهداف فرعی متعدد و حاصل بروز کمالات خلیفه الله در حوزه «تدبیر جامعه بشری» یا به خصوص نظام سیاسی می باشد. با این حال، ایشان در منابع دینی، تأکید بیشتری را بر هدف فرعی اقامه قسط و عدل می یابند: «هدف عمومی همه پیام آوران و زمامداران حکومت اسلامی در طول تاریخ همان قسط و عدل جامعه شمرده شد.(۲)»

غالب تحلیل گران و نظریه پردازان توسعه معترفند که «توسعه سیاسی، انجام شدنی نیست مگر آن که در کنار آن، ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و افتصادی هم توسعه یابند.(۳)» از این رو در فصلی که گذشت سعی شد مباحث لازم برای استقرار توسعه سیاسی از دیدگاه آیت الله جوادی آملی استخراج و ارائه شود.

جمع بندی و پیش درآمدی بر فصول آتی

۱. مدینه فاضله، الگوی جامعی از توسعه سیاسی و سیاست گذاری های مربوط به آن است که تأثیرات آن در تمام بخش های حیات اجتماعی انسان، اعم از عرصه های سیاسی– حقوقی، سیاسی – فرهنگی، سیاسی – اقتصادی و

۱- ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، ص ۹۹.

۲- ولایت فقیه، ولایت فقه و عدالت، ص ۱۰۴. در اینجا ایشان استناد به آیه ۲۵ سوره حدید می نمایند.

۳- ارتباطات سیاسی (ارتباطات، توسعه و مشارکت سیاسی)، ص ۱۷.

... ملموس می باشد. در واقع، سیاست های رهبری در مدینه فاضله و سایر کارگزاران خود نوعی سیاست توسعه یافته و جهان شمول است. لذا در بررسی دیدگاه آیت الله جوادی آملی سعی شده عرصه ای از سیاست گذاری های توسعه اسلامی نادیده گرفته نشود. خود ایشان هم ابعاد رشد و توسعه در مدینه فاضله را در جمع سیاست گذاری های فرهنگی، اقتصادی، صنعتی و حقوقی معرفی نموده اند.

در مدینه فاضله مهدوی هم، سیاست گذاری های توسعه و همچنین توسعه سیاسی با توجه به مفهوم سیاست در اسلام که در صفحات پیش بدان اشاره شده، ابعاد گسترده و فراگیری دارد و در حوزه های مختلف در اهداف، مبانی، ساختارها و کارویژه ها قابل بررسی است.

علاوه بر این در کنار طرح تئوری های دیگر نیاز بود که دیدگاه یک دانشمند و نظریه پرداز اسلامی ارائه شود تا مخاطب، خود، تفاوت انواع نظریه های توسعه سیاسی را در توجه به اصول و محتوای مباحث، نکته سنجی ها و جامع نگری ها ملاحظه و قضاوت نماید.

۲. این پژوهش در فصول آتی چهار مسئله مربوط به توسعه سیاسی را از میان دیدگاه آیت الله جوادی آملی و تئوری های مطرح شده دیگر اتخاذ کرده و بررسی می نماید، به چند دلیل:

الف) دیدگاه اسلام - نه مدینه فاضله مهدوی به طور خاص- درباره این چهارگزینه، یعنی مشروعیت، مشارکت، نظارت و رقابت سیاسی- با توجه به ایراد مسائل و شبهاتی در این باره - کمتر بررسی شده است؛ حال آن که از مسائل روز و مشترک بین جهان اسلام و غرب است و پاسخ جهان اسلام

می توانـد کامل تر، دقیق تر و کاربردی تر از پاسـخ های داده شـده جهان غرب به آن باشـد. آیا این گزینه ها در مدینه فاضـله مهدوی به عنوان شاخصه های توسعه سیاسی مطرح است؟ بر چه استدلالی و چه حدود و ثغوری؟

آیا در همین راستا مدینه فاضله مهدوی طرحی نو و کارآمدتر ندارد؟

ب) امروز شاهد منابع متعددی هستیم که غالباً شاخصه های توسعه سیاسی در نظام های غربی را از جمله مشارکت سیاسی – یا فراتر از آن دموکراسـی – احزاب و ... بـدون توجه یا تأکید بر تمایز کارویژه ها و اهداف هر کدام به طور جداگانه، به اسـتناد آیـاتی چـون شـورا و امر بـه معروف و نهی از منکر و ... مـورد پـذیرش قرار می دهنـد و از طرف دیگر، مخالفـان بـدون کـار تحقیقی مسـتقل و اسـتفاده از اسـتدلال های مناسب درباره هر کدام به طور جداگانه، کلیت آنها را مورد تردید و نفی قرار می دهند. از این رو به نظر رسید که تجزیه و تحلیل گزینه های مذکور، بتواند به سؤالات متعددی در این باره جواب دهد.

۳) ضـمن آن که متذکر می شویم انتخاب و بررسـی این چهار گزینه معروف در توسـعه سیاسـی به این معنا نیست که شاخصـه های توسـعه سیاسـی بـدون هیچ تغییر و اصـلاحی این موارد بوده یا در اینها خلاصه می شود. برای پرهیز از این برداشت، طرح کلی و فراگیری از توسـعه سیاسی و ابعاد آن را در چارچوب تحلیلی از دیدگاه آیت الله جوادی آملی، مد نظر و توجه مخاطب قرار دادیم و بی تردید در مدینه فاضـله مهدوی، شاخصه های توسعه یافتگی را می توان در ابعاد و موارد متعددی جست و جو و بررسی نمود و این که موضوع این پژوهش، بررسی ظرفیت الگودهی است نه بررسی شاخصه های توسعه سیاسی ودر نتیجه

به بررسی ظرفیت الگودهی در برخی گزینه ها پرداخته شد.

این پژوهش در فصل های آتی، بخشی اندک از مباحث توسعه سیاسی در مدینه فاضله مهدوی را در خصوص چهار موضوع مشروعیت، مشارکت، رقابت و نظارت سیاسی مورد بررسی قرار خواهد داد.

ص:۸۲

فصل دوم: الگوی مدینه فاضله و مشروعیت سیاسی

اشاره

ص:۸۳

مقدمه

یکی از مباحث حساس و متداولی که در باب توسعه سیاسی و شاخصه های آن مطرح است، میزان مشروعیت یا عدم مشروعیت یک نظام سیاسی و تأثیر آن در روند توسعه آن می باشد. در این فصل پس از تبیین مفهوم مشروعیت و برخی مباحث تأثیرگذار دیگر در نظریه های مشروعیت نظام سیاسی، نحوه مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی در عصر مهدوی را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

ص:۸۴

گفتار اول: نظریه های مشروعیت

۱. مفهوم مشروعیت

اشاره

۱. مفهوم مشروعیت(۱).

در فرهنگ علوم سیاسی، «مشروعیت مشخص می کند چه اشخاصی محقّند تا به عنوان نمایندگان قدرت سیاسی عمل کنند، چه چیزی حکومت یا اعمال حکومت را بر حق می سازد ... به طور کلی قدرتی که اعمال می شود اگر حقی برای اعمال آن وجود نداشته باشد، نامشروع و اگر برای اعمال آن حقی وجود داشته باشد، مشروع است. در واقع، قدرت و حق را می توان از مفاهیم اساسی درک مشروعیت یا حقانیت دانست.(۲)»

مشروعیت در ارتباط با حقانیت یک نظام یا ساختار سیاسی مفهوم پیدا کرده و دو رکن دارد: «۱- ایجاد حق حکومت برای حاکمان ۲- شناسایی و پذیرش این حق از سوی حکومت شوندگان(۳)» در نتیجه، نظامی که مشروعیت پیدا می کند، حق فرمانداران و رهبری را دارد و جامعه فرمان پذیر آنند.

ص:۸۵

۱- Legitimacy.

۲- فرهنگ علوم سیاسی، ص ۸۵.

۳- مشروعیت دینی دولت و اقتدار سیاسی دین، ص ۵۱.

واژه غصب(۱) در مقابل این مفهوم برای حکومت های نامشروع تلقی می شود.

در باب نظریات مشروعیت در غرب می توان از دو مقوله یاد کرد:

۱- زمانی که مفهوم قرارداد اجتماعی به واژگان و معانی علوم سیاسی اضافه شد، بر اساس آن ادعا شد که اراده عمومی هیچ گاه به خطا نمی رود. ۲- اما در قرن ۱۹ نظریه مشروعیت در دو اندیشه محافظه کاری و لیبرالیسم غرب، تفاسیر جدیدی را به خود گرفت. محافظه کاران سعی می کردند استدلالشان را درباره مشروعیت با اتکاء به شکل های سنتی سامان دهند و در نتیجه، نظام های انقلابی را رد کرده و نامشروع معرفی می نمودند.

صرف نظر از این توضیح که هر کدام از «جریانات نه نظریه پردازان»به بهانه سنت، نخبگان و اراده ملت در جست و جوی راهی برای رسیدن به قدرت سیاسی بودند یا نه، از تئوری هایی برای رسیدن به مشروعیت سیاسی دم می زدند.

در مبحث بعد به انواع مشروعیت از حیث منشأ می پردازیم. در این جا تمامی نظریات منشأ مشروعیت را (اعم از غربی، نظریات اهل سنت و تشیع) با هم مطرح می نماییم، اما بایستی بدانیم که فلسفه سیاسی و مبانی نظری هر یک از سه گروه مذکور متفاوت است، لذا زوایای دلیل و تبیین ها ممکن است به ظاهر شبیه هم باشد، ولی در محتوا و معیارها اساساً تفاوت داشته باشند. این را در مفهوم مشروعیت الهی که در هر سه صنف یافت می شود، می توان بررسی کرد:

ص:۸۶

۱- Usurpation

۱) منشأ الهی مشروعیت

اشاره

که در بخش های مختلفی طرح شده است:

الف) شاه خدایی

الف) شاه خدایی(۱)

در این نظریه چون پادشاه به عنوان خدای جهان معرفی شده، مشروع و مردم موظفند از او پیروی نمایند و تخلف از پادشاه نافرمانی از دستورات خداوند است.

ب) منشأ خدایی پادشاه

ب) منشأ خدایی پادشاه(۲)

«در این دیدگاه مردم ضمن اعتقاد به خداوند قادر، پادشاه را به عنوان فرزند او می دانند و برای او منشأ خدایی قائلند.» (۳)

ج) مأموریت و موهبت الهی

ج) مأموریت و موهبت الهی(۴)

«در این نظریه، پادشاه نه خدا، و نه فرزند فرزند خدا است، بلکه حکومت، مأموریت و موهبتی است که از جانب خداوند به وی اعطا شده است.»

د) الهام از جانب خداوند

(۵)

در این دیدگاه، الهام از جانب خداوند یا منبع ماوراء طبیعی، منشأ مشروعیت حکومت پادشاه تلقی می شود.

۱- Dominion of god king.

۲- Godly origi of the king.

۳- مبانی مشروعیت حکومت در اندیشه سیاسی شیعه، ص ۶۸.

۴- The grace(gift) of god.

۵- In spiration-reveletion.

در ذیل نظریات الهی مشروعیت و آثار و پی آمدهای آن در اندیشه های غربی، خوب است که اشاره به تأثیرات جانبی وقایع فرمانروایی کلیسا _ که گویا دیکتاتورگونه بوده است _ بنمائیم. در عصر رنسانس، اوضاع به گونه ای پیش رفت که نظریات جدید به سرعت در رد یا کریه نشان دادن مشروعیت با منشأ الهی رونق گرفت و هنوز هم گویا به قوت خود باقی است و این نسبت به تمام ادیان حتی اسلام در ناتوانی اداره مملکت تعمیم داده شد. برخی نظریه پردازان اصلاح طلب و مدرنیته ما هم تمایزات در مبانی، فلسفه سیاسی، آثار اجتماعی، اقتضائات زمانی و انحرافات روشی و ... این مسئله را نادیده گرفته و همه را در هم آمیخته و آن را در مجموعه حکومت اسلامی مورد قضاوت قبل از عمل قرار دادند.

۲) مشروعیت با منشأ سنت

۲) مشروعیت با منشأ سنت(۱)

استدلال به سنت، از عوامل دیگری است که مشروعیت حکومت را توضیح می دهد و مهم ترین اشکال مشروعیت سنتی عبارتند از: «وراثت، سالمندسالاری (شیوخیت)، پدرسالاری (ابوت) و بالاخره فئودالیسم به معنی جنگسالارانی که حاصل سنت اشرافی هستند.(۲)»

سنت عبارت است از:

قوانین نانوشته ای از عرف ها، هنجارها و ارزش های مشترک که از فرط تکرار به شیوه خود انگیخته ای از عمل تبدیل شدند و به تدریج دارای اعتبار

ص:۸۸

۱- Tradition.

۲- مبانی مشروعیت حکومت در اندیشه سیاسی شیعه، ص ۷۹.

مقدس می شوند که به تعبیر مارکس، برخی برای توجیه حکومت و قدرت خود، مشروعیت را به این سنت های دیرین و اطاعت از رهبرانی که طبق این سنت ها اعمال می کنند، برمی گردانند.(۱)

۳) مشروعیت کاریزما

۳) مشروعیت کاریزما(۲)

کاریزما بودن یک فرد به اعتقاد افراد به ارزش های شخصی او نظیر قداست، شهود یا تجربیاتش مربوط می شود. این شاخصه های استثنایی، او را در حد یک قدرت فوق طبیعی، فوق بشری یا دست کم غیرعادی بالا می برد و لذا مریدانی گرد او جمع می شوند.(۳)

نکته: آیا می توان شاخصه های رهبری امام را با شخص کاریزما و پیروانش برابر دانست یا خیر؟ چنان که برخی ها چنین نسبتی را به ارتباط امام خمینی رحمه الله با مردم در عصر انقلاب می دهند. یادآوری چنین مطلبی لازم و راه تشخیص و نتیجه گیری با مخاطب است. شاخصه های مشروعیت کاریزمایی عبارتند از:(۴)

۱. شخصی وجود دارد که داعیه پیشوایی می کند.

۲. پیروان بایستی مطیع رهبر باشند.

۳. رابطه بین رهبر و پیروان بر اساس یک رابطه عاطفی است نه عقلانی.

۴. رهبر دائماً به هنجارشکنی پرداخته و سنت های فراموش شده را احیا می کند و گاه، راه و رسم های تازه ای را جای گزین راه و رسم های قدیمی می سازد.

ص:۸۹

۱- مشروعیت قدرت از دیدگاه امام، ص ۱۲، به نقل از ماکس وبر، اقتصاد و جامعه، ص ۴۰۰.

۲- Charisma.

۳- جامعه شناسی ماکس وبر، ص ۲۴۴.

۴- مبانی مشروعیت حکومت در اندیشه سیاسی شیعه، ص ۷۹.

۵. رهبر باید به طور پیوسته حرکت آفرین باشد و لحظه ای آرام ننشیند.

۶. جسارت، شجاعت و مخاطره جویی، یکی از ویژگی های بارز این رهبر است.

۴) مشروعیت به واسطه انتخاب مردم

در این نوع مشروعیت، حکومت با رضایت مردم مشروع است و بر اساس همان نظریه قرارداد اجتماعی که اشاره شد و اصل حق تعیین سرنوشت مطرح شده است. آغاز آن از نظرات هوگو گروسیوس، حقوقدان هلندی (در قرن شانزدهم) و پس از آن توماس هابز، جان لاک، کانت و در انقلاب فرانسه، ژان ژاک روسو سرچشمه می گیرد.

این نظریه در توضیح مشروعیت مردمی، امروز نیز در غرب تحت عناوین دموکراسی و ... غالب است. ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، اراده ملت ها را اساس قدرت معرفی می کند.

این نوع مشروعیت قانونی هم نامیده می شود که «اعتقاد و باور به قوانین و قواعد جامعه مدنی، منشأ عقلانی توجیه قدرت حاکمان و اطاعت از آنان قرار می گیرد. پس مردم به این دلیل، حکومت خود را مشروع می دانند که حق اعمال قدرت به طور عقلایی از طریق قانون یا توافق یا قرارداد به آنها واگذار شده است.(۱)»

بر مخاطب لازم است که در این جا کاربرد مفهوم عقلایی بودن را در کنار مردمی بودن و قانونی بودن بررسی نماید و نوع منظور از عقلانیت را از دیدگاه این نظریه پردازان در این نوع مشروعیت مورد توجه قرار دهد.

۱- مشروعیت قدرت از دیدگاه امام، ص ۱۳.

۵) مشروعیت به واسطه غلبه و زور

گاهی اوقات اعمال غلبه و زور از سوی قدرت حاکم، نوعی مشروعیت ایجاد می کند، یعنی مردم به فرمانبری اقدام می کنند. این نوع مشروعیت اگرچه ممکن است از نوع اولیه نباشد (یعنی استقرار حکومت مشروع با اطاعت همراه نباشد) اما پس از استقرار حکومت، زور و غلبه اطاعت آفرین است.

۶) مشروعیت از طریق استخلاف

در این گونه مشروعیت، برخی از اهل سنت معتقدند که رهبری، می تواند رهبر بعد را به عنوان خلیفه و جانشین تعیین کند و تعیین او مشروعیت می آورد.(۱)

۷) مشروعیت از طریق رأی اهل حل و عقد

در این دیدگاه، جمعی از اهل شور و نظر با هم تشکیل جلسه داده و درباره رهبر سیاسی تصمیم و اعلام نظر می نمایند و نظر اینها به رهبری او مشروعیت می دهد. تعداد این افراد متفاوت است. (پنج نفر، سه نفر، حتی یک نفر و ....)(۲)

۸) مشروعیت از طریق نصب الهی

خداوند متعال عقلاً امور مردم را مهمل رها نکرده و در امور سیاسی و اجتماعی برای آنها رهبر تعیین نموده است که با توجه به انشعاب دیدگاه ها در این باره سه تقسیم بندی صورت می گیرد:

۱. نصب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم : مورد اتفاق اکثر شیعه و سنی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تشکیل

۱- به عنوان مثال رک: احکام السلطانیه والولایات الدینیه، ص ۶.

۲- احکام السلطانیه والولایات الدینیه، ص ۶.

حکومت دادند و این رهبری سیاسی به امر خداوند و منصوب از سوی حق تعالی می باشد.

۲. نصب معصوم: معصوم یـا خلیفه یا امام بعـد از پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم نیز به اذن خداونـد و توسط پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم برای امور سیاسـی و اجتماعی مسـلمین منصوب شدنـد و این تبیین عقلائی دارد که در فصول بعـد به آن می پردازیم. این دیدگاه مورد انکار اهل سنت است، ولی شیعیان آن را می پذیرند.

۳. نصب ولایت فقیه: در مقابل نظریه انتخاب است. بر اساس این دیدگاه، زمامداری و حکومت کردن برای کسـی جز خداوند جایز نیست و این ولایت الهی در تـدبیر امور اجتماعی و مـدیریت سیاسـی جامعه مستقیماً به پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم تفویض شـده است و پس از ایشان امامان معصوم، به ولایت سیاسـی بر امت منصوب شده اند. در عصـر غیبت نیز فقیهان عادل از سوی امام معصوم، عهده دار امور جامعه اند. فقیهان، ولی امر مسـلمین هسـتند و در نظریه ولایت فقیه، فقیه جامع الشـرایط به زمامداری امور مسلمین منصوب می شود.

اگر فرد لایقی دارای این خصـلت به پا خاست، تشـکیل حکومت داد، همان ولایت را که حضـرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در امر اداره جامعه داشت، دارا می باشد و بر همه لازم است که از او اطاعت کنند.(۱)

در جـای دیگری امـام خمینی رحمـه الله می فرماینـد: «چـون مشـروعیت آن [ریـاست جمهـوری] بایـد بـا نصب ولی امر باشـد. اینجانب رأی ملت را تنفیذ و ایشان را به سمت ریاست جمهوری ایران منصوب می کنم.(۲)» در این نوع مشروعیت نظام،

۱- ولایت فقیه، ص ۴۲-۳۹.

۲- صحیفه نور، ج ۹، ص ۲۵۳.

حتی زیرمجموعه های آن با مشروعیت ولایت فقیه به مشروعیت می رسند و این در دیدگاه آیت الله جوادی آملی نیز بررسی شد.

در این دیدگاه، انتخاب مردم در تحقق حکومت، نه مشروعیت آن نقش دارد، اما بر اساس نظریه انتخاب(۱) این آرای مردم است که تعیین کننده مشروعیت بخش نظام سیاسی و رهبری آن است.

۲. مشروعیت و مقبولیت

در نظریه مشروعیت از طریق نصب، اگرچه فعلیت ولایت فقیه به نصب الهی مشروعیت می یابد و مردم در آن دخالتی ندارند، اما چنان که ذکر شده؛ مقبولیت و انتخاب و همراهی مردم در غیبت و تحقق نظام اسلامی نقش اساسی دارد و این رهبری سیاسی معصومین را هم شامل می شود. لذا برخلاف نظریه مشروعیت الهی در غرب که بی چون و چرا مردم مطیع و منقادند و نقشی در حاکمیت کلیسا و نیز رهبری ندارند، در این نظر، مردم آزادانه در انتخاب اعضای مجلس خبرگان، قوه مقننه و ریاست جمهوری و ... دخیل هستند. (قصد، در این جا بیان تفاوت های مشروعیت الهی از دیدگاه غرب و نظریه نصب امام و ولایت فقیه نیست که آن مطلب گسترده و پیچیده ای است).

موضوع مشروعیت اولیه و ثانویه که تلویحا در صفحات پیش بدان اشاره شد، نصب امام با مشروعیت اولیه و پس از آن توانایی اعمال و حفظ حکومت مطرح می شود که مشروعیت ثانویه مشروعیت یابی و یا کارآمدی نام دارد:

۱- دیدگاه آیت الله منتظری یا آیت الله حائری... با تفاوت هایی. رک: مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج ۲؛ حکمت و حکومت.

«فرایندی که طی آن حکومت به ایجاد و گسترش مقبولیت اجتماعی و تثبیت موقعیت سیاسی خود می پردازد.(۱)»

البته گاهی اوقات چنان که ذکر شد مشروعیت ثانویه برای حکومت هایی که بر پایه زور بدون مشروعیت [به معنای رضایت عمومی] اولیه به وجود آمده اند و نوعی اطاعت ثانویه را در مردم بعد از استقرار ایجاد کرده اند به کارگرفته می شود که برای تشخیص تمایز این دو در برخورد با منابع لازم به ذکر بود.

یکسان گرفتن مشروعیت با مقبولیت حتی در نظام های مشروع و بر پایه انتخاب هم مورد سؤال و خدشه است؛ زیرا مشروعیت، وضعیتی ثابت و مبیّن صفتی در حکومت و مقبولیت نوعی مشروعیت یابی است که به صورت فرایند تلقی می شود:

مقبولیت، فرایندی است که طی آن حکومت ها به بسط و گسترش پایگاه اجتماعی خود و همچنین بالا بردن درجه رضایت عمومی اقدام می کنند.(۲)

در نظام اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه، رشد اندیشه و خواسته های مردم در جهت اهداف متعالی لازم می باشد و تأمین و البته تغییر نیازهای عمومی جامعه به سمت نیازهای متعالی و حرکت ساز در توسعه نظام اسلامی نقش و وظیفه مهمی است و مقبولیت و رضایت عمومی برخلاف نظام های مصرف گرای دیگر جهت پیدا می کند، تا جایی که در مسیر توسعه همه جانبه نظام قرار می گیرد.

۱- مبانی مشروعیت حکومت، ص ۸۹.

۲- بررسی منشأ مشروعیت حکومت اسلامی، مجموعه مقالات کنگره امام خمینی و اندیشه حکومت اسلامی (فلسفه سیاسی ۱) ص ۳۸۹ و ۳۹۰.

گفتار دوم: مشروعیت سیاسی در مدینه فاضله مهدوی

اشاره

بعد از بیان نظریات مختلف در باب مشروعیت سیاسی و منشأ آن نوبت به بررسی اوضاع و احوال مشروعیت یابی حکومت اسلامی در مدینه فاضله مهدوی می رسد. رهبری سیاسی که در رأس این نظام است، چگونه مشروعیت خود را کسب نموده و بر چه منشأ استوار است؟ رأی مردم، خلافت، زور و غلبه، شورا، شاخصه های کاریزماتیک، نصب یا چیز دیگر؟

۱. مشروعیت سیاسی

الف) در مکتب تشیّع، رهبری سیاسی در حکومت مهدوی از سوی خداوند متعال برگزیده و منصوب الهی می باشد. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که رهبری سیاسی ایشان نیز منصوب از سوی خدا است از دنیا رحلت نمودند، برای مردم، سه حالت پیش می آید که بعد از ذکر و بررسی آن عقلانی بودن نصب الهی توجه مخاطب را جلب خواهد نمود [در حالی که در نظرات قرارداد و انتخاب، عقلانی بودن با رأی مردم منطبق است] این سه حالت عبارتند از:

یکم. خداوند، تکلیف را از آنان ساقط کند و آنها به دنبال حیوانات و

دنیایی فارغ از نظام و قانون حلال و حرام در آیند.

دوم. عالمانی بشوند که در قول و فعل عالم بالذات گردند؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود و در چنان حالی، احتیاج به هادی و مرشدی ناصح نخواهد بود.

سوم. همانند روزگار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم علم و جهل، خطا و صواب، هدایت و ضلالت با هم وجود داشته باشد.

در حالت اول نیاز به امام منصوب از سوی خداوند نیست. (۱) اما چنان که می دانیم مدینه فاضله مهدوی، آرمان شهر شیعه و دارای فضایل و کمالات اخلاقی، عقیدتی، فکری و رفتاری است. با فرض اول اگر نگوییم دینی است، چون در این فرض قانون حلال و حرام وجود ندارد، منشأ انسانی دارد (که البته اصالتا با همند.) آیا در این مدینه با توجه به تجربه بشری، چنین چیزی قابل تحقق بوده و هست؟ بدون امامی لایق، نیاز به بررسی جداگانه ای دارد.

فرض دوم که همه در قول و فعل عالم بالذات گردند. با توجه به روایات، تجربه و عقل بشری غیرممکن است و حتی در آرمان شهر مهدوی به سبب وجود امام لایق است که اخلاق و عقل به مرحله کمال خود می رسد و این دو به هم وابسته اند.

اما مطلب آخر بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، چه در عصر سایر ائمه یا امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، قبل از تشکیل مدینه فاضله و زمامداری یا رهبری سیاسی حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف، مردم به روال طبیعی گروهی در خطا و گروهی در صوابند. پس در این حالت، نیاز به امامی است منصوب از سوی خداوند. امام کامل، معصوم و

۱- شیعه و امامت، ص ۷۸.

دارای علم لدنی، کسی که شاخصه های رهبری سیاسی آرمان شهر شیعه را داشته باشد و در جهت کمالی که خود دارا ست نظام و جامعه سیاسی را پیش ببرد، این رهبری در مدینه فاضله دارای خصایصی (از نظر شیعه) است:

۱. عالم ترین مردم است و علم حاضر دارد و از هر چیزی آگاه است.

۲. معصوم از گناه است.

۳. زاهدترین مردم است.

۴. مثل أعلی است.

۵. برتر از همه مردم و ملت اسلام و فردی معروف است.

۶. بیش از هر کس دیگر به سیاست، آگاه است.(۱)

از نظر شیعه، لطف خداوند در ابتدا موجب شد که امام بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم منصوب شود و چنین شخصیت جامع و لایقی به بشر معرفی شود: ((یَا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَیْک مِن رَّبِّک وَإِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ))(۲) و همان طور که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر معرفی سلسله امامت را به اتمام و اکمال دین پیوند داد: ((الْیَوْمَ أَکمَلْتُ لَکمْ دِینَکمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَیْکمْ نِعْمَتِی وَرَضِیتُ لَکمُ الإِسْلاَمَ دِینًا)). (۳)

به همین ترتیب در عصر مدینه فاضله مهدوی و رهبری سیاسی ایشان لطف خداوند همچنان جاری است(۴) که با امتداد وجود بشر و نیاز مستمر به رهبری با شاخصه های امام، نصب ایشان نیز از همان زمان رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بعد از نام سلسله ائمه مورد تذکر واقع شده است که در صفحات بعد به آن مستندات

۱- شیعه و امامت، ص ۱۰۱-۲۷.

۲- مائده / ۶۷.

۳- مائده/۳.

۴- لطف خداوند در اینجا از قاعده عقلایی گرفته شده است نه صرفا احساسی.

اشاره خواهیم کرد.

ب) نکته دیگر، از آنجا که بر اساس نظریه مشروعیت عقلانی یا قانونی در اندیشه برخی ها یا نظریه انتخاب، رأی و گزینش مردم تعیین کننده است آیا با وجود چنین شخصیتی (امام با شاخصه هایش) توسط مردم انتخاب می شدند،شایسته نبود؟

در این صورت،ما بایستی مدعی می شدیم که همه یا اکثریت مردم،آن شخص را که جامع فضایل، پاک از رذایل و دارای شاخصه های امامت است را می شناسند. در حالی که شناختن امامی با شاخصه های علم لدنی و عصمت و ... آن هم توسط اکثریت کاری سخت و نزدیک به محال است. تجربه تعیین خلفا از سوی برگزیدگان انصار و خوارج نشان داد که عواملی چون هوا و هوس، قدرت طلبی، ساده لوحی، سست عنصری، تبلیغات نادرست و کم اطلاعی همه در تعیین و شناخت امام معصوم توسط اکثریت نقش داشت و رجوع به زندگی مظلومانه ائمه صلی الله علیه و آله و سلم ما را به این گونه مطالب آگاه تر می سازد. درباره امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف هم شناختن و تعیین او به مقام رهبری سیاسی که جزء امامت است، از سوی اکثریت با این موانع مواجه می شود.

در این باره به حدیثی از امام رضا علیه السلام اشاره می کنیم:

امامت در جلالت قدر، عظمت شأن، علو منزلت، کمال فایده و عمق معنا برتر از آن است که انسان ها به عقل دریابند و ادراک کنند و با اختیار و انتخاب خود امامی برگزینند.(۱)

امام رضا علیه السلام با ذکر برجستگی های امام، ما را به این مطلب رهنمون

۱- عیون أخبار الرضا علیه السلام، باب ۲۰، ص ۱۷۱؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۰۷-۵۹۷.

می سازند که رهبری سیاسی در مدینه فاضله مهدوی با چنین شاخصه هایی به حق، لزوم نصب از سوی خداوند را در اندیشه ها به اثبات می رساند و به تبع آن آرمان شهر شیعه و تحقق تمام فضایل و کمالات آن و رفع تمام عیوب و مفاسد موجود در دیگر نظام های سلطه بشری تنها با سکان داری و مدیریت سیاسی امامت حضرت به وقوع خواهد پیوست:

مردم چگونه می توانند امام را انتخاب کنند؟ حال آن که او عالمی است که جهل بر او راه نمی یابد و نگهبانی است که به غفلت نمی افتد. معدن قدس و طهارت، در عین پارسایی و زهد و علم و عبادت است .... و امام علمش تمام و حلمش کامل است. برای مقام امامت پرورده شده است. عالم به سیاست، عهده دار امر خدا، خیرخواه و ناصح بندگان و نگهبان دین اوست.(۱)

و نیز این حضرت ادامه می دهند:

هر بنده ای را که خداوند بر امور بندگان خود برگزیده صدر داد و دل او را سرچشمه حکمت ساخت و به مدد الهی خاص او را آگاهی بخشید. این است که در جواب سؤالی نمی ماند و در آن به اشتباه نمی افتد. معصوم مؤید و موفق مسدد و از هر خطا و لغزشی مصون است. خداوند او را به این صفات والا ـ مخصوص داشته است تا حجت او بر بندگان و شاهد او بر آفریدگان باشد. این فضل و کرامت خدا ست که آن لطف را در حق هر که بخواهد می کند و خدا را فضل و رحمت نامنتها ست.(۲)

۱- عیون أخبار الرضا علیه السلام، پیشین.
۲- شیعه امامت، ص ۸۷ و ۸۸، به نقل از عیون أخبار الرضا. (در انتهای کلام حضرت اشاره به آیه ۴ سوره جمعه شده است.) و نیز کمال الدین و تمام النعمه، ص ۶۰۷- ۵۹۷.

تأمل در این شاخصه های امامت، تصدیق آن و تدبر در نوع و میزان شناخت انسان ها نسبت به مقام امامت و تشخیص شاخصه های امام در مصادیق، ما را بر این مطلب رهنمون می سازد که آسان ترین و درست ترین تشخیص برای مصداق این صفات متعالی در مدینه فاضله مهدوی و امامت آن عصر گزینشی است که توسط خداوند صورت می گیرد و به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرین به مردم اعلام می شود.

در حدیثی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

علی علیه السلام امام امت من و خلیفه پس از من بر آنان است. قائم منتظر از فرزندان اوست که خدای عزوجل به وسیله او زمین را از عدل و داد پر می فرماید؛ همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد.(۱)

در این جا علاوه بر موضوع نصب، رهبری سیاسی در مدینه فاضله مهدوی سیطره و گستره رهبری ایشان نیز مورد اشاره است و از نتایج مدیریت کارآمد ایشان خبر می دهد.

در واقعه غدیر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تنها از نصب امام علی علیه السلام خبر ندادند، بلکه ایشان از انتصاب رهبری مدینه فاضله مهدوی به ما اطلاع دادند: «... ای مردم! نوری از جانب خدای متعال در من قرار داده شده است. پس از من علی و پس از علی در نسل او تا مهدی ... یعنی آن کس که حقوق خدا و تمام حقوقی که از آن ما ست می گیرد».(۲)

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ت: محمد باقر کمره ای، ج۱، ص۴۰۴.

۲- الاحتجاج، تحقیق: ابراهیم بهادری و محمد هادی به، ج۱، ص۱۴۹ و ۱۵۰..

همچنین در حدیث دیگر، ایشان به عنوان حجت الهی بر امت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر امامت معرفی می شود و از آن جا که امامت دارای شئونی می باشد؛ از جمله در شئون سیاسی و اجتماعی است که به رهبری مدینه فاضله منصوب و حجت الهی بر مردمان می باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:

پس از من دوازده امامند که اول آنها علی بن أبی طالب و آخر ایشان قائم است. آنها جانشینان و اوصیا و اولیای من و حجت های الهی بر امتم پس از من می باشند. کسی که مُقر ایشان باشد مؤمن است و کسی که منکر باشد کافر است.(۱)

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از اوصیای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بعد از پدرانش در امر حکومت و ولایت جامعه مسلمین، مدینه فاضله و جامعه جهانی می باشند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این مطلب را ابلاغ فرمودند: «من سیدالنبیین هستم و علی بن أبی طالب سیدالوصیین و اوصیای بعد از من ۱۲ نفرند که اول ایشان علی بن أبی طالب و آخر ایشان قائم است.(۲)»

۲. مشروعیت و مقبولیت در مدینه فاضله

با نصب رهبری سیاسی در مدینه فاضله مهدوی مردم چه جایگاهی دارند؟ آیا مانند حکومت های دیکتاتوری یا پادشاهی کلیسا تحقیر شده و منقاد از زور و ترس می باشند؟ در حالی که در نام و مرام امام، مردمی بودن، هدایت و دلسوزی نسبت به مردم وجود دارد یا این که ارتباط مردم و امام بر مبنای محکمی استوار است؟ بنایی که در آن امام حقیقتاً راهبر و مایه خشنودی و رضایت روحانی و دنیایی مردم است؟ وجود امام نیاز بشر است و مردم در هر

۱- کمال الدین و تمام النعمه، پیشین، ج ۱، ص ۴۸۷.
۲- کمال الدین و تمام النعمه، پیشین، ج ۱، ص ۵۲۵.

عصر نیازهایی دارند و آن خواسته هایی که نیست را بیشتر متوجه شده و در پی آنند، لکن چون امام این نیاز حیاتی مردم هست از این موضوع به آسانی می گذرند. امام محمد باقر علیه السلام می فرمایند:

اگر زمین یک روز بدون امامی از ما باقی بماند، اهلش را فرو خواهد برد و خداوند، آنها را به اشدّ عذاب عقاب کند. خدای تعالی ما را حجت در زمینش قرار داد و وسیله امان برای اهل زمین گردانیده است.(۱)

دلیل فراموشی چنین نیازی نه در بعد هستی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است که نبود آن موجب نیستی مردم می شود، بلکه در بعد بهره وری از مقام هدایت ایشان با نفوذ فرهنگ های مادی گرا، نیازهای کاذب و مصرفی و تشدید آن گره خورده است. رهبری سیاسی در مدینه فاضله همراه، پیشرو و پشت سر مردم است، یعنی از هر جایی دستگیر مردم است. در مدینه فاضله مهدوی، تحقق چنین امامتی منجر به رشد و کمال همه جانبه جامعه و افراد می شود. امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«حجت، پیش از خلق و همراه خلق و پس از خلق است.»(۲)و این تفاوتی دیگر از وجهه و نوع مشروعیت یابی نظام های دموکراتیک یا دیکتاتوری و دولت های فارغ از فهم معنای بلند امامت است.

نکته دیگر در بحث مشروعیت و مقبولیت، مبحث تحقق کامل امامت و ولایت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد که مانند سایر ائمه به تحقق سه امر واجب

۱- کمال الدین و تمام النعمه، پیشین، ج ۱، ص ۳۸۸ و ۳۸۹.
۲- کمال الدین و تمام النعمه، پیشین، ج ۱، ص ۴۴۰.

بستگی دارد:

۱. خدای تعالی، یکی از بندگان خود را که در ملکات نفسانی و صفات روحانی دارای اهلیت است و برای ادای مسؤلیت دشوار امامت شایسته و توانا می بیند به امامت منصوب می کند. او را از جهت اسم، قبیله و خاندان مشخص می کند و به اقتضای حاجت، او را به اظهار معجزه ای قدرت می بخشد. آن گاه مردم را به فرمانبرداری از او امر کرده و از مخالفت با او برحذر می دارد. همه این امور از جانب خداوند جلّ شأنه تحقق می یابد.

۲. امام باید این امامت را بپذیرد و رنج راه را بر خود هموار کند. اما این امری بود که امام به آن قیام کرده و همه دلایل و آثار نیز در پذیرش این مسؤلیت و قبول این رنج ها شهادت می دهد.

۳. مردم باید این امام را بپذیرند و اوامر او را اطاعت کنند؛ همان طور که در آیه ۵۹ سوره نساء آمده است: ((یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُواْ أَطِیعُواْ اللّهَ وَأَطِیعُواْ الرَّسُولَ وَأُوْلِی الأَمْرِ مِنكمْ)).(۱)

در این جا مبحث پذیرش و اطاعت از رهبری مطرح می شود، اگرچه در دوران ائمه پیشین چنین مسأله ای در تحقق رهبری سیاسی ائمه غالباً به وقوع نپیوست، ولی در مدینه فاضله مهدوی، مقبولیت و رضایت مردمی از رهبری بعد از نصب و در دوران حکومت حضرت (که کارآمدی آن را هم نشان می دهد) وجود دارد.

در روایت است که:

ص:۱۰۳

۱- شیعه و امامت، ص ۱۲۰-۱۱۸.

امت اسلامی به مهدی مهر می ورزند و به سویش پناه می برند؛ آن گونه که زنبوران عسل به سوی ملکه خود پناه می برند. عدالت در پهنه گیتی می گستراند و صفا و صمیمیت صدر اسلام را به آنها باز می گرداند. خفته ای را بیدار نمی کند و خونی را نمی ریزد.(۱)

خشنودی و رضایت از حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، رهبر سیاسی مدینه فاضله، از شیوه های حکمرانی و مدیریت حضرتش نشأت می گیرد و این رضایت همگانی می باشد، نه اقلیتی، یا بر اساس نظر نخبگان و نه اکثریتی است، بلکه تمام اهل زمین و آسمان از این حکومت راضیند: «ساکن های زمین و آسمان به او عشق می ورزند. آسمان بارانش را فرو می فرستند. زمین گیاهان خود را می رویاند، ...(۲)» در حدیثی دیگر از اطاعت همگانی که ناشی از مقبولیت برخواسته از رضایت و اطمینان خاطر می شود نه زور و غلبه در مدینه فاضله مهدوی نسبت به حکومت خبر رسیده است: امام علی علیه السلام درباره این آیه که خداوند قومی را می آورد که آنها را دوست می دارد و آنها نیز او را دوست می دارند می فرمایند:

کسی که در میان آنها غریب است بر آنها حکومت می کند. همه ممالك اسلامی را با امنیت و آسایش تحت سیطره خود اداره می کند؛ روزگار با او سازگار می شود؛ پیر و جوان از او فرمان می برند؛ زمین آباد می شود و به وسیله مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خرم و سرسبز می شود؛ فتنه ها از بین می رود و خیر و برکت فراوان می شود.(۳)

ص:۱۰۴

۱- منتخب الأثر، ج ۲، ص ۴۷۸.

۲- بحار الانوار، ج۱۶، ص ۱۰۴.

۳- ینابیع الموده، ج ۳، ص ۱۳۱.

در مدینه فاضله مهدوی، مردم بر محبت رهبری با هم متحد و هم پیمان می شوند:

جبرئیل به من خبر داد که این [آزارها] هنگامی زایل می شود که قائم ایشان قیام کنـد نام [کلمه] ایشان بلندی می گیرد و امت بر محبت ایشان هم پیمان می شوند.(۱)

یکی از دلایل رضایت همگانی و به تبع آن اطاعت همگانی از نوع مشروعیت سیاسی مدینه فاضله مهدوی را می توان در رشد عقول و فهم مردم جست وجو کرد که آن هم توسط رهبری سیاسی و ارتباط دوستانه او با مردم چون کشیدن دست بر سر آنها می باشـد که از این طریق نوع نیازهای آنها از حالت مصـرف گرایی و ثانویه بودن، به نیازهای متعالی در بهبود زندگی دنیوی و حیات اخروی مبدل می شود: «زمانی که قائم ما ظهور کند، خداوند دست او را بر سر بندگان می گذارد، پس عقول و افکار مردم کامل می شود.(۲)» عموم مردم در مدینه فاضله مهدوی، مقبولیت را در ارکان دیگر و سایر کارگزاران حکومت مهدوی نیز تحقق خواهنـد بخشـید و مطیع اصـحاب و نماینـدگان حکومتی ایشـان هم هسـتند، اطاعتی همراه با خشـنودی. امام باقر علیه السلام می فرمایند:

گویـا اصـحاب قـائم عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف را می بینم که به مشـرق تـا مغرب احاطه پیـدا کرده انـد و هر چیزی حتی درنـدگان و پرنـدگان وحشـی مطیع آنها باشـند و خشـنودی آنها را طلب کننـد تا جایی که زمینی بر زمین دیگر ببالد و بگوید امروز یکی از یاران قائم بر من گذشت.(۳)

ص:۱۰۵

۱- کمال هستی در عصر ظهور، ص ۱۲۷ به نقل از بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۹۲.
۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹؛ نیز رجوع کنید به کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۹۶ و ۵۹۷.
۳- کمال الدین و تمام النعمه، پیشین، ج۲، ص ۵۹۴.

تصور این که زمانی در حکومتی حتی رضایت و مقبولیت از حد انسان ها عبور کند و دیگر موجودات هم نقش در کارآمدی بهینه نظام سیاسی داشته باشند آرمانی است که تنها در مدینه فاضله مهدوی تحقق می یابد.

اگر زمامداری سیاسی به گونه ای کامل در ولایت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق یابد، خواهیم دید که چگونه امام و مردم با رابطه ای عاقلانه، قانونی الهی، عاشقانه و عارفانه با هم پیوند خواهند خورد آن هم رابطه ای که امت را به سوی برترین های هستی و افضل کمالات پیش می برد و عقل و اعمال و رفتار و سیره فردی – اجتماعی آنان را توسعه می بخشد. امام رضا علیه السلام می فرمایند: «امام، یاری امین و پدری مهربان و برادری دلسوز و پناهگاه بندگان در حوادث ناگوار است.(۱)»

۱- کمال الدین و تمام النعمه، پیشین، ج۲، ص ۵۹۷. مطالعه حدیث امام رضا علیه السلام در سفر به مرو ما را از برتری های رهبری منصوب الهی نسبت به دیگر رهبری ها در مکتب اسلام آگاه می کند.

فصل سوم: الگوی مدینه فاضله و مشارکت سیاسی

اشاره

ص:۱۰۷

گفتار اول: دیدگاه های مشارکت سیاسی

۱. چیستی مشارکت سیاسی

از جمله مفـاهیم رایجی که در بحث توسـعه سیاسـی در عصـر کنونی نیـاز به بحث و بررسـی دارد، مفهوم مشـارکت سیاسـی و مسائل مربوط به آن است.

مشارکت در زبان عربی از واژه شـرک است که راغب در معنای آن چنین آورده است: «هو أن یوجد شـیئ لاثنین فصاعداً عیناً کان ذلک الشیئ.»(۱)

در اصـطلاح، تعـاریف مختلفی از مشـارکت سیاسـی نشـده و برخی بـا شـاخصه های مشارکت، آن را تبیین نموده انـد. داوز و هیوز، مشارکت سیاسی را این گونه تعریف می کنند:

مشـارکت سیاسـی عبـارت است از درگیر شـدن مردم در عرصه سـیاست، با راه های مختلف، در درجات مختلف، از درگیری عاطفی در انتخابات مختلف.(۲)

در این تعریف، درگیری عموم مردم در عرصه های سیاسی به معنای مشارکت سیاسی گرفته شده است. در تعریفی دیگر آمده است: «مشارکت سیاسی، فعالیت

۱- معجم المفردات الفاظ القرآن، ص:۲۶۶.

۲- رابطه مشروعیت و مشارکت سیاسی، ص ۵۰.

داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست گذاری عمومی است.(۱)» وجه تفاوت این تعریف با تعریف پیشین، بحث داوطلبانه بودن این فعالیت سیاسی با تعریف پیشین است. برای مثال، گاهی مشارکت با ورود به حزبی در دوران محمد رضا شاه پهلوی (حزب رستاخیز) اجباری است و برخی اوقات به انتخاب خود مردم، مشارکت صورت می گیرد.

از نظر آلموند، پژوهشگر مبحث توسعه سیاسی و مسائل آن، مشارکت سیاسی

آن دسته فعالیت هایی است که شهروند معمولی می کوشد از راه آنها بر روند سیاست گذاری، اعمال نفوذ کند که این مشارکت در قالب نوشتن نامه به کنگره، به نامزد انتخاباتی و ... جلوه می کند.(۲)

اگر هر گونه فعالیتی را که مؤثر بر سیاست گذاری ها باشد در حیطه مشارکت سیاسی قرار دهیم، گاهی فعالیت های اقتصادی، فرهنگی، علمی ... هم به قصد تخریب یا تقویت یا نفوذ در سیاست گذاری ها صورت می گیرد و این تفاوت معنای جدید با معنای قبلی می باشد.

مشارکت سیاسی در اشکال مختلفی بروز می کند که از نظر رابرت دال، برخی از آنها عبارت است از:

۱. شرکت در انتخابات ریاست جمهوری

۲. شرکت در انتخابات محلی

۳. فعالیت یک سازمان درگیر حل مشکلات جامعه

۱- مشارکت سیاسی زنان در ایران، ص ۹.

۲- چارچوبی نظری برای بررسی سیاست مقایسه ای، ص ۱۹.

۴. کار با افراد دیگر برای حل برخی مسائل جامعه

۵. کوشش برای امتناع دیگران در راهی که خود عمل می کند.

۶. فعالیت برای یک نامزد یا حزب در طول انتخابات

۷. تماس با دستگاه های حکومتی (محلی یا ملی)

۸. شرکت در جلسات سیاسی

۹. تشکیل گروه و سازمانی برای حل مشکلات جامعه

۱۰. عضو یک سازمان سیاسی بودن

۱۱. پرداخت پول به یک نهاد حزب یا نامزد انتخاباتی(۱)

یکی از تقسیمات مشارکت سیاسی، نوع مسالمت آمیز و غیرمسالمت آمیز است (تقسیمات دیگر در صفحات بعد خواهد آمد.) که لازم است در ادامه مفهوم شناسی این واژه بدان بپردازیم. در مشارکت مسالمت آمیز از روش های مشروع و قانونی در چارچوب نظام سیاسی برای انتخاب سیاست های عمومی، اداره امور عمومی و مانند اینها استفاده می شود و در نوع دوم از روش های غیر قانونی برای دست یابی به اهداف استفاده می شود و منظور ما از مشارکت سیاسی نوع دوم نیست.

۲. دیدگاه های مشارکت سیاسی

اشاره

دیدگاه های متفاوتی در باب انواع و لوازم مشارکت سیاسی مطرح شده است که در این جا به جمع بندی این مباحث ذیل عنوان مذکور که حد مشترک آنها است اشاره می نماییم.

۱- مشارکت سیاسی زنان در ایران، ص ۳۶.

الف) مشارکت سیاسی در محدوده قوانین اجتماعی

اشاره

در این دیدگاه ها مشارکت در سطوح نظام اجتماعی و جامعه ملی، در سطح ساختار سیاسی، در حد تعیین حاکمان و در انتخاب قوانین و خط مشی ها به وقوع می پیوندد.

برخی از نوع مشارکت فعالند و برخی پیرو منشانه هستند. به این معنی که در نوع دوم، شهروند در جریان اجرای سیاست های نظام درگیر می شود، یعنی بعد از تصویب قوانین، شهروند یاد شده خواه در مقام پرداخت کننده مالیات، دریافت کننده تسهیلات یا صرفاً رعایت کننده قوانین باشد به آنها پاسخ می دهد، اما در نوع فعال، شهروند به سیاست گذاری ها اعمال نفوذ می کند.(۱) این دو تقسیم بندی شاید در تقسیمی دیگر مشارکت سیاسی به خودجوش و برانگیخته توصیف شده است. در مشارکت اول، افراد به گونه ای خودجوش با توجه به علاقه ها و سلیقه های خود به تشکیل انجمن، حزب یا گروه به فعالیت دست می زنند و در نوع برانگیخته از طرف دولتمردان حمایت می شوند و به نوعی مشارکت سازمان یافته و هدایت شده است.(۲)

نقش دولتمردان و مشارکت سیاسی گاهی اوقات می تواند موجب افزایش انگیزه مشارکت شود و راهیابی به توسعه با همکاری خودجوش مردم توأم باشد که در این تقسیم بندی جایگاهی ندارد. از طرفی مشارکت به توده ای و مدنی تقسیم شده است:

در مشارکت مدنی با وجود احزاب سیاسی و نهادمند به وقوع

۱- رابطه مشروعیت و مشارکت سیاسی، ص ۶۸.

۲- رابطه مشروعیت و مشارکت سیاسی، ص ۶۸.

می پیوندد و مردم با واسطه در احزاب مشارکت می کنند، اما در مشارکت توده ای، افراد با هدایت دولتی به صورت توده ای و مستقیم شرکت می کنند.(۱)

چیزی که در این دیدگاه ها به فراموشی سپرده شده، این حقیقت است که گاهی کاملاً عکس مطلب به وقوع می پیوندد. مثلاً دولتی، دو یا سه حزب را تطمیع یا توجیه می کند یا یک حزب را با پرداخت امکانات تبلیغاتی و ... در سیطره خط مشی های سیاسی خود قرار داده و مردم ناگزیرند به یکی از این دو حزب رأی بدهند. در این نوع مشارکت سیاسی مردم مجبورند یا خط مشی این حزب را برگزینند یا حزب دیگر. آزادی فکری در حد انتخاب دو گزینه تحمیلی است و نه بیشتر و معمولاً حزبی که از دولت حمایت می شود با امکانات ویژه، مردم را به سمت انتخاب خود هدایت می کند.

در تقسیم دیگر، مشارکت دو نوع ایجابی و سلبی می باشد. در نوع اول مردم تلاش می کنند بر اساس روش ها و برنامه های اعلام شده حرکت کنند و حضور و تصمیم خود را بر اساس چارچوب های از قبل پیش بینی شده اعلام نمایند؛ در حالی که در نوع سلبی ساز وکارهای معمولی مورد اعتراض و نفی قرار می گیرد.

مشارکت و انتخاب

در این مبحث به نقش انتخاب در مشارکت سیاسی و ارتباط این دو می پردازیم. لوسین پای از محققان توسعه سیاسی معتقد است که:

در عصر جدید، دو تصمیم خاص در افزایش هر چه بیشتر مشارکت سیاسی، اهمیت بسیاری داشته است؛ نخست تصمیم

۱- اصول علم سیاست،.ص ۱۷.

به گسترش حقوق شهروندی به جمعیت بزرگسال و تصمیم دیگر تأسیس نظام انتخاباتی بر اساس برابری آراء.(۱)

در راستای مبحث انتخاب و مشارکت سیاسی خوب است که بدانیم در این نگرش ها اساساً انتخاب، ورای وظیفه است یا حق؟ در این مورد، نظرات متفاوت است. برخی انتخاب را حق می دانند که مربوط به تئوری حاکمیت سیستمی و حاکمیت مردم است و واضع آن ژان ژاك روسو است. اگر هر فردی سهمی در حاکمیت مردم دارد حق دارد مشارکت داشته باشد و اگر مشارکت از طریق انتخاب است حق دارد رأی بدهد. برخی هم مردم را موظف می دانند؛ وظیفه ای عمومی نه این که محق باشند و این در نظریه «حاکمیت ملی» قابل بررسی است. (۲) حاکمیت فقط از آن ملت است نه افراد تشکیل دهنده آن. در همین راستا نوع قرارداد اجتماعی مطرح می شود که آیا دو طرفه است یا فقط مردم شامل آن می شوند؟ هابز یکی از نظریه پردازان این موضوع است. به نظر او:

مردم، حقوق طبیعی خود را به یک شخص یا هیأتی از اشخاص که از آن پس فرمانروا شدند واگذار کردند؛ بنابر این، حاکم، طرف قرارداد اجتماعی نیست؛ او محصول این قرارداد است. قراری که مردم میان خودشان گذاشتند تا یکی را حاکم کنند. هیچ قراری بین مردم و حاکم گذاشته نشده و بنابراین، این قرارداد یک جانبه است.(۳)

از طرف دیگر، برخی هم قرارداد را دو طرفه و گروه حاکم و مردم را

۱- بحران ها و توالی ها در توسعه، ص ۲۶۵.
۲- مبانی مشروعیت حکومت، ص ۱۸؛ مبانی علم سیاست، ج ۲، ص ۴۴۵- ۴۳۹.
۳- بنیادهای علم سیاست، ص ۱۸۶ و ۱۸۷.

توأمان دارای وظایفی می دانند. در ارتباط انتخاب یا رأی با مشارکت سیاسی، نظر پروفسور ودل را مطرح می نماییم. به نظر او در دنیای معاصر، انتخابات عمومی شامل سه مفهوم است:

۱. رأی، نشانه مشارکت سیاسی است. انتخاب موجب بالا رفتن بینش سیاسی افراد آن کشور است.

۲. ترویج لسان سیاسی.

۳. انشاء و انتقال تصمیمات سیاسی. برای آن که آرای افراد، متضمّن یک انشای سیاسی باشد باید اولاً سطح فکر سیاسی رأی دهنده بالا باشد تا بتواند نتیجه تصمیم سیاسی خود را پیش بینی کند و به مرحله انشای رأی برسد. ثانیاً اوضاع و احوال طوری باشد که رأی انشا شود. برای این که انتخابات عمومی وسیله ای باشد که با تمسک بدان مردم بتوانند تصمیمات سیاسی خود را انشاء کنند و واقعاً متحقق شود؛ دو شرط دارد: یکی این که عملیات انتخاباتی، راه حل هایی را برای فرد مطرح کند که او بتواند از بین راه حل های پیشنهادی، یکی را انتخاب کند. دیگر، این که انتخاب افراد در معادلات سیاسی به حساب آید و به قدرت منتقل شود، یعنی قدرت حاکمه، آن را چون پیامی از منبع اصلی قدرت تلقی کرده و مورد توجه قرار دهد. در این صورت می توان گفت که واقعاً حکومت در دست مردم است.(۱)

بحث دموکراسی و این که حکومت در دست مردم است، در ذیل عنوان مشارکت سیاسی، آثار، پی آمدها وفاصله بین تحقق دموکراسی تا تئوری آن و

۱- مبانی علم سیاست، ص ۴۱۰ و ۴۱۱.

... مبحث گسترده ای است که خود، پژوهشی جداگانه می طلبد.

برخی میزان مشارکت سیاسی مردم را در این راستا متفاوت معرفی می نمایند، برای مثال در بررسی انجام شده در کشور آمریکا، این گونه تقسیم بندی از مردم در مشارکت سیاسی صورت گرفته است:

۱. گلاویرها یا کسانی که غالباً در سیاست فعالند. (۵تا ۷ درصد)

۲. تماشاگرها یا کسانی که به حداقل در سیاست درگیرند. (۶۰ درصد)

۳. بی تفاوت ها یا کسانی که در سیاست درگیر نمی شوند. (۳۳ درصد)(۱)

این تفاوت ها در نوع و میزان مشارکت سیاسی مردم به چه دلیل است؟

عده ای اساساً علل مشارکت نکردن را به اندازه کافی روشن می دانند که آنها عبارت است از:

بی سوادی و نبود اطلاعات کافی، موانع زبانی و فرهنگی، کمبود وقت و دسترس ناپذیری، عادت به کناره گیری، طرز تلقی شکاکانه نسبت به مؤثر بودن تلاش های درخواست شده و مانند این ها.(۲)

در ارائه این مبحث لازم است اشاره ای به نظام های انتخاباتی غالب در دنیای معاصر نموده و از درون این مبحث با میزان و نوع مشارکت سیاسی مردمشان بیشتر آشنا شویم:

۱. نظام انتخاباتی اکثریتی: نظامی که خاستگاه آن در انگلستان و بر اساس اصل معروفی است(۳) که طی آن اصل، احزاب و گروه های رقیب در مبارزات

۱- رابطه مشروعیت و مشارکت سیاسی، ص ۶۵ به نقل از مایکل راش، جامعه و سیاست.

۲- مشارکت در توسعه، ص ۳۸.

۳- اصل: the first past the past.

انتخاباتی یا پیروز کامل و بلامنازعه انـد و یا بازنـده صـد در صد می باشـند. در این نظام، حوزه هایی بر اساس طبقات مختلف تقسـیم بنـدی اولیه می شونـد. در انتخابات اکثریتی [نصف به اضافه یک یا بیشتر] اگر در مرحله اول سـرنوشت انتخابات تعیین نشود، چندین بار تکرار می شود تا برای احراز کرسی های نمایندگی درصد آرای ذکر شده کسب شود.

۲. نظام انتخاباتی تناسب: هر یک از احزاب به تناسب میزان آرای خود در انتخابات می توانند کرسـی های پارلمانی را به خود اختصاص دهند.

۳. نظام انتخاباتی مختلط: الگوی اصـلی آن در آلمان است و هر رأی دهنـده در ایام انتخابات، دو رأی متفاوت می دهـد. یکی بر اساس نظام اکثریتی و دیگری بر اساس نظام تناسب محاسبه می شود.

ب) مشارکت سیاسی در محدوده قوانین الهی

برخی دیـدگاه هـا به مشـارکت سیاسـی بـا محوریت قوانین الهی اشاره دارد. در این نظرات، سـطوح مختلف مشارکت سیاسـی متفـاوت است.مثلاًـ در انتخـاب رهبری، مشـارکت سیاسـی در درجه مقبولیت تأثیرگـذار است نه در تعیین رهبری و این همـان نظریه منصوب بودن امام و رهبری سیاسی از نظر اسلام است. اما سطوح دیگر مشارکت سیاسی در چه وضعی هستند؟ آیا رأی و بیعت به یک معناست؟ مشورت همان مشارکت سیاسی یا نوعی از آن است؟ رأی مردم اعتبار دارد؟

از نظر آیت الله مصباح یزدی، بیعت با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام اسراری به شرح ذیل داشت:

ص:۱۱۶

۱. عضویت رسمی در جامعه اسلامی، یعنی به منظور ورود به جامعه مسلمانان، همان طور که امروز اگر کسی بخواهد تبعه کشوری شود و در زمره مردم آن کشور به حساب آید، باید از بعضی مسؤلان امور اجتماعی درخواست تبعیت نماید و با موافقت آنان وی به طور قانونی در شمار مردم آن کشور در می آید.

۲. وفاداری برای شرکت در امری مهم: گاهی بیعت برای این صورت می گرفت که شمار کسانی که به صور ت جدا قصد داشتند در امر مهمی مانند جنگ مشارکت کنند مشخص باشد. (اشاره به سوره فتح / ۱۰)

۳. احراز مقبولیت: بیعت هایی که ائمه معصومین صلی الله علیه و آله و سلم با عده ای از مردم داشتند نیز به قصد مشروع ساختن حکومت هایشان نبود، بلکه برای فعلیت بخشیدن و جامه عمل پوشاندن به حکومت هایشان بود. واضح است برای آن کسی که بخواهد بر جامعه مسلمین حکومت کند، لازم است که دو ویژگی مشروعیت و مقبولیت را داشته باشد.(۱)

از نظر ایشان، رأی یا بیعت یا شورا اموری است که نه به حکومت مشروعیت می بخشد و [بلکه مقبولیت می بخشد] و نه در ساختار بعدی، آراء به قانون قانونیت می بخشد. تعیین قانون نیز از منبع الهی صورت می گیرد، اما رأی مردم در قوانین جزئی مورد نیاز جامعه مثل راهنمایی و رانندگی و ... تعیین کننده است، بلکه لازم است که با همه مردم یا نمایندگان آن مشورت شود و آرای مختلف آنها شنیده شود و سپس با عنایت به رأی آنها قانون وضع

۱- حقوق و سیاست در قرآن، ج ۲، ص ۳۱۹- ۳۱۵.

شود.(۱) پس قوانین اصلی اولیه از سوی خداوند تعیین شده است و قوانین جزئی و اجتماعی با رأی و انتخاب مردم وضع می شود.

ایشان در باب مشورت و اهمیت آن در مشارکت سیاسی بر این باور است که:

شورا بر مبنای عقل است و علاوه بر آن حکم عقلی است؛ زیرا وقتی که حصول یک مصلحت مطلوب است و کوشش ها همه صرف تحصیل آن می شود، طبعاً شناخت راه های گوناگون تحصیل آن مصلحت در فهم بهترین آن ما را توانا می سازد. بر اثر رایزنی و تبادل نظر، جهات ابهام مسائل و مشکلات زدوده می شود و حقایق برای آدمی آشکارتر و روشن تر می گردد و انسان قدرت می یابد که با بصیرت و روشن بینی هر چه بیشتر به کاری روی آورد و بدان دست یازد. بنابر این، عقل حکم می کند به حسن مشورت برای کشف مصلحت و بهترین راه نیل آن.(۲)

ایشان احتمال برخی را از آیه کریمه ((وَأَمْرُهُمْ شُورَی بَیْنَهُمْ)) مبنی بر این که مشورت صرفاً در امور فردی است را ضعیف ترین احتمال می دانند و احتمال دیگری را مطرح می کنند که: «مؤمنین را دارای این صنف می داند که در امور و شؤن مربوط به کل جامعه با همدیگر به مشورت می پردازند، پس آیه شریفه به امر جمعی اشاره دارد.(۳)»

نکته دیگر، عمل به آرای مشاورین است. به نظر ایشان «هم مشورت

۱- حقوق و سیاست در قرآن، ج ۲، صص ۲۸۸ و ۲۸۹.
۲- حقوق و سیاست در قرآن، ج ۲، ص ۲۹۲.
۳- حقوق و سیاست در قرآن، ج ۲، ص ۲۹۹.

ممدوح است و هم عمل به آن چه از مشورت فهم شد.(۱)»

به نظر می رسد توجه و إعمال این نقش در تمام سطوح نظام اسلامی، رؤسای قوای سه گانه، مسئولین دیگر ... از نظر ایشان لازم الاجرا ست، بدون قید و شرطی جز رعایت ضوابط اسلامی در مراحل مختلف آن. اما در مورد مسئله حاکمیت رأی و انتخاب در شورا یا مشارکت عمومی و ولایت فقیه، ایشان تشخیص ولی فقیه در باب قوانین حکومتی را در نهایت معتبر می دانند:

درباره حاکمیت رأی [نه تأثیرات آن] دلایلی نداریم که رأی شورا یا نظر اکثریت یا همه مردم به نظر ورای ولی فقیه حاکمیت داشته باشد. نهایتاً این ولی فقیه است که یا تشخیص می دهد و یا استدلال قوی تر را می پذیرد و یا در صورت تساوی قدرت استدلال رأی اکثریت را می پذیرد.(۲)

اصل مشورت را چنان که ذکر شد، حتی با بالاترین مقام [پیامبر و در عصر غیبت ولی فقیه] ممدوح و لازم می شمارند و فواید مشورت با پیامبر را چنین ذکر می نمایند: «۱- فراهم کردن پذیرش همگانی ۲- تأمین همکاری و مشارکت عمومی ۳- آموزش به دیگران تا آنها از فواید و منابع مشورت غافل نشوند و این که سنت نکویی پایه گذاری نمودند.(۳)»

ایشان معتقدند برای این که قوانینی که وضع آن بر عهده ولی فقیه است نیز اعتبار و ارزشی قانونی بیابد و موافق مصالح دنیوی و اخروی مردم تشخیص داده شود، از آنجا که نیاز به شناخت همه ابعادی است که از عهده غیرمعصوم

۱- حقوق و سیاست در قرآن، ج ۲، ص ۲۹۹.
۲- حقوق و سیاست در قرآن، ج ۲، ص ۲۹۹.
۳- حقوق و سیاست در قرآن، ج ۲، ص ۳۰۹.

خارج است «در نتیجه ولی فقیه ناگزیر است که با دانشـمندان و کارشـناسان امور مختلف، مشاوره و رایزنی داشته باشد و برای قانون گذاری در هر یک از این فنون به متخصصان همان امر رجوع کند نه همه مردم.(۱)»

پس رأی و نظر کارشناسـی و رأی مردم هر کـدام جایگـاه و نقش خودش را دارد. همان طور که در قوانین اجتماع، «رجوع به آرای عمومی از طریق نظرخواهی از یکایـک افراد و یـا رأی اکثریت یـا از طریق نماینـدگان مردم(۲)» لازم است و این قوانین جزئی مورد نیـاز جـامعه نـام دارد، در قوانین جزئی حکومتی که توسـط رهبر وضع می شود هم مشورت بـا اهل تخصـص لازم است.

ایشان مشارکت در امور اجتماعی را یک اصل اسـتوار اسـلامی می دانند که از آغاز، عنوان جامعه اسـلامی و به تعبیر برخی از مسئولین مدینه النبی بر آن نهاده شده است:

یکی از مفاهیم جامعه مـدنی این است که تا حـد امکان، کارهای اجتماعی به عهـده خود مردم سپرده شود و از تصـدی دولت کاسته شود. حتی المقـدور مردم، خود داوطلبانه در انجام فعالیت های اجتماعی حضور داشـته باشـند و تنها در حـد ضـرورت، دولت دخالت کنـد. البته سـیاست گذاری های کلان در امور اجتماعی در همه کشورها به عهده دولت ها است و برنامه ریزی های عملی و مراحل گوناگون اجرائی حتی المقدور به عهده مردم نهاده می شود. ...(۳)

ص:۱۲۰

۱- حقوق و سیاست در قرآن، ج ۲، ص ۳۰۹.
۲- حقوق و سیاست در قرآن، ج ۲، صص ۲۹۰- ۲۸۸.
۳- نظریه سیاسی اسلام، ج ۲، ص ۵۰۱.

پس در ذیـل این مبـاحث چنـد نکته را به عنوان نتیجه گیری بیـان می کنیم. لازم به ذکر است از آنجـا که ارائه نظر و رأی در مشورت هم از جهاتی شبیه به رأی در انتخاب است، هر دو را یک جا ذکر می نماییم:

۱. تعیین رهبری سیاسی، منصوب از سوی خداوند است نه انتخاب مردم یا متخصصین.

۲. مقبولیت رهبری سیاسی متوجه انتخاب از سوی مردم است.

۳. رده هـا و سـطوح مسؤلین بعـد از رهبری به انتخـاب مردم بر اسـاس شـرایط و شاخصه های اسـلامی نماینـدگان صورت می گیرد.

۴. در سـطوح قـانون گـذاری، رأی مردم در امور جزئی اجتمـاعی، تعیین کننـده و به صورت همه پرسـی یـا اکثریت آراء یـا از طریق نمایندگان است، اما در سـطوح قوانین اولیه انتخاب نقشـی ندارد و تعیین از سوی خداست. در قوانین جزئی حکومت نیز متخصصین به عنوان مشاورین ولایت فقیه مشارکت داشته و اعلام رأی می کنند که البته حکم نهایی با تشخیص رهبری است.

۵. مشارکت مردم چه از طریق انتخاب در آرای عمومی یا مشورت با متخصصـین امری عقلائی و بر طبق سـنت پیامبر صـلی الله علیه و آله و سلم و دستور خداوند است. با همان توجه به حدود الهی که قبلا ذکر شد.

علامه محمد حسین طباطبایی با ذکر مواردی به تفاوت مشارکت سیاسی در حکومت های دموکراسی و اسلامی پرداخته است:

۱. از بزرگ ترین تفـاوت هـای رژیم اسـلام و دموکراسـی، آن است که در حکومت های دموکراسـی از آنجا که اساس کار، بهره گیری مادی است ... این همان استکبار بشری است که همه چیز را تحت اراده انسان حاکم و عمل او

قرار می دهد. حتی انسان های دیگر را، و به او اجازه می دهد از هر راهی که خواست، انسان های دیگر را مقبول خود کند... و این همان دیکتاتوری شاهی است که در اعصار گذشته وجود داشت، چیزی که هست اسمش عوض شده. آن روز اسم و مسمّا هر دو زشت بود و امروز مسمای زشت تر از آن در اسم و لباس زیبا جلوه کرده، یعنی استبداد با لباس دموکراسی و تمدن. اما طریقه رژیم اسلام، منزّه از این هوا ها ست و دلیل روشن آن، سیره رسول خدا در فتوحات و پیمان هایی است که آن جناب با ملل مغلوب خود داشته است. [اشاره به رفتار حکومت های دموکرات با ملل دیگر]

۲. یکی دیگر از تفاوت های رژیم به اصطلاح دموکراسی با حکومت اسلامی ... این است که رژیم های اسلامی خالی از اختلافات طبقاتی هستند. جامعه، این رژیم ها را در دو طبقه قرار می دهد. یکی طبقه مرفه و ثروت مند و صاحب جاه و مقام و طبقه دیگر، فقیر و بینوا و دور از مقام و جاه و این اختلاف طبقاتی بالاخره منجر به فساد می گردد. برای این که فساد، لازمه اختلاف طبقاتی است، اما در رژیم حکومتی اسلام، افراد اجتماع همه نظیر هم می باشند. تنها تفاوت در تقوا ست که زمام آن به دست خدای تعالی است نه به دست مردم.

۳. تفاوت دیگر این که قوه مجریه در اسلام، طایفه ای خاص و ممتاز نیست، بلکه همه افراد جامعه مسؤل اجرای قانون اند. بر همه واجب است که دیگران را به خیر، دعوت و امر به معروف و نهی از منکر کنند؛ برخلاف رژیم های

دیگر که به افراد، چنین حقی را نمی دهد...(۱)

ایشان به مواردی اشاره کرده اند که تفاوت بین حکومت های مدعی مشارکت گسترده مردمی یا دموکراتیک و حکومت مبتنی بر قانون اسلام را در عمل نشان می دهد. نتیجه مشارکت مردم و دموکراسی بایستی به مساوات و عدم تبعیض بیانجامد. در حکومت اسلامی، این گونه است و بر اساس قانون الهی، تقوا(۲) مایه برتری است، ولی در نظام های دموکرات، پول و مقام.

نظام دموکرات، حقوق مردم دیگر را سلب می کنند، ولی در حکومت اسلامی، احترام به ملل دیگر و بازپس دادن حقوقشان مطرح است. [اشاره به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در فتح مکه]

گاهی دیکتاتوری از طریق اعمال نظر و خط مشی های دولت یا حزب خاصی صورت می گیرد که می توان آن را زیر پوشش و پوسته دموکراسی و مردم سالاری مشاهده نمود.

مردم در حکومت اسلامی علاوه بر رأی، مشورت و...، حتی در نظارت به سیاست گذاری ها هم به طور مستمر مشارکت دارند، ولی در حکومت های غربی این طور نیست.

آیت الله جعفر سبحانی [با توجه به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آخرین صحبتشان در مسجد خیف] اشاره می نمایند که مردم به چند نکته مهم سفارش شده اند.

۱. اخلاص در عمل برای خدا

۲. التزام به کیان اجتماعی

ص:۱۲۳

۱- مباحث علمی در تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۶۹۶- ۶۹۴.

۲- اشاره به سوره حجرات/ ۱۳ و نیز «فاستبقوالخیرات» بقره / ۱۴۸.

۳. برادری

۴. برابری خون ها و جان ها

۵. حق مشارکت برای همه در قراردادهای اجتماعی و میثاق مشترک عمومی.(۱)

امام خمینی رحمه الله در باب نقش مردم در انتخابات و مشارکت سیاسی آنها می فرمایند:

مردم در انتخابات آزادند و احتیاج به قیم ندارند. هیچ فرد یا گروه و دسته ای، حق تحمیل فرد یا افرادی را به مردم ندارند. جامعه اسلامی ایران که با درایت و رشد سیاسی خود جمهوری اسلامی و ارزش های والای آن و حاکمیت قوانین خدا را پذیرفته اند و به این بیعت و پیمان بزرگ وفادار مانده اند، مسلّم قدرت تشخیص و انتخاب کاندیدای اصلح را دارند.(۲)

مردم در اندیشه امام رحمه الله ، مستقیم یا غیرمستقیم نبایستی به واسطه تحمیل فکری، فرهنگی، حزبی، گروهی و ... به افراد خاصی رأی دهند. آنها آزاد و محق در انتخابات هستند. مردمی که قبل از انتخاب و مشارکت سیاسی ۱- جمهوری اسلامی و حاکمیت قوانین خدا را پذیرفته اند ۲- به این بیعت و پیمان بزرگ وفادار مانده اند.

ایشان در جای دیگر می فرمایند:

بی تردید رمز بقای انقلاب اسلامی، همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت می داند و نسل های آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن، انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کشور با

۱- فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۴۶۱

۲- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۰.

وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد می باشد.(۱)

ایشان با تأکیـد بر اجتماع ملت (مشارکت مردمی در ابعاد مختلف) به عنوان یکی از دو رکن اصـلی رمز بقای نظام و حکومت، این مشارکت و اجتماع را برای رکن اول رمز بقای نظام و با این جهت دهی و به منظور رسـیدن به آن معرفی می کننـد که آن انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی می باشد.

ص:۱۲۵

۱- صحیفه نور، ج ۱، ص ۴۰۴.

گفتار دوم: مشارکت سیاسی در مدینه فاضله مهدوی

۱. مدینه فاضله مهدوی، شهر قرآنی

اشاره

برای بررسی این شاخصه در مدینه فاضله مهدوی در آغاز به موضوع قرآنی و تفسیری شورا در مشارکت و بیعت در انتخاب پرداخته می شود؛ زیرا در حدیث ثقلین _ که متواتر شیعه و سنی است _ سیره ائمه معصومین علیه السلام و قرآن دو چیز جدانشدنی از یکدیگر معرفی شده است. امامان معصوم و در مدینه فاضله مهدوی، حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف سیره و سیاست گذاری های حکومتی و اجتماعی نظامشان بر پایه قرآن و همراه آن است: «من در میان شما دو چیز نفیس و گرانبها به جا می گذارم؛ کتاب خدا و عترتم [اهل بیتم] می باشند و آن دو از یکدیگر جدا نشوند تا آن که در حوض کوثر بر من درآیند.(۱)»

همچنین امام صادق علیه السلام در روایتی از ائمه معصومین یاد می کنند؛ آنها که در سیره و منش فردی و اجتماعی خود از قرآن جدا نیستند و عترت پیامبر محسوب می شوند. ایشان از پدرانشان روایت می کنند که:

از علی علیه السلام در معنی این کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که من دو چیز

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۴۵۲.

گرانبها در میان شما نهادم، کتاب خدا و عترتم. پرسیدند که عترت چه کسانی هستند؟ فرمودند: من و حسن و حسین و ائمه نه گانه که از فرزندان حسین است و نهمین آنها مهدی و قائم آنها است. از کتاب خدا جدا نشوند و کتاب خدا نیز از آنها جدا نشود تا آن که بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حوض کوثر درآیند.(۱)

در حدیثی دیگر از امام محمد باقر علیه السلام آمده است که: «... دوازدهم کسی است که عیسی بن مریم پشت سر او نماز گذارد و بر توست که ملازم سنت او و قرآن کریم باشی.(۲)»

به استناد این احادیث و روایات متعدد دیگر در این باره، ذیل این عنوان، اشاره ای به مبحث قرآنی مشارکت سیاسی می نماییم.

الف) مشارکت سیاسی و شورا

در آیات کریمه، نزدیک ترین استناد به مشارکت در عرصه های مختلف سیاسی – اجتماعی در مفهوم واژه شورا قابل بررسی است. شورا از ریشه لغوی «شار العسل» به مفهوم بیرون آوردن از کندو گرفته شده است.(۳) در مورد مفهوم این واژه در زبان عرب آورده اند که: ... این واژه شورا از مشاوره گرفته شده و مشاوره عبارت است از تحقیق و بررسی در سخن و کلامی تا حق آشکار شود، یعنی هیچ کاری را به طور انفرادی انجام نمی دهند؛ مگر این که با

۱- معجم مفردات الفاظ القرآن، ص ۴۵۲.
۲- معجم مفردات الفاظ القرآن، ص ۶۰۵.
۳- معجم مفردات الفاظ القرآن، ص۲۷۷.

غیر خود درباره آن مشورت کنند.(۱)

راغب نیز شورا را این گونه معرفی می کند:

شورا کاری است که در آن مشورت می کنند».(۲) لذا بخشی از تصورات که امروزه از شنیدن واژه شورا در ذهن ما نقش می بندد، نه از مفهوم لغوی و اصطلاحی کلمه، بلکه ناشی از جو آلوده فرهنگی و حاکمیت مفاهیم بیگانه بر ادبیات ما ست.(۳)

ما در این جا قصد بررسی تفاوت دیدگاه ها در مورد شورا و مصداق آن را نداریم، بلکه به حد وسط در مفهوم آن،که همان مشورت با دیگران در امور (فردی یا اجتماعی) است اکتفا می نماییم و به آیات قرآن در این باره رجوع می کنیم.

۱. خداوند متعال در سوره شورا آیه کریمه ۳۸ می فرماید: ((وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ))

بعد از بر شمردن صفات نیک مؤمنین و نشانه های ایمان:

آن ها اهل رشد هستند و در به دست آوردن و استخراج رأی صحیح دقت به عمل می آورند و به این منظور به صاحبان عقل رجوع می کنند و مقیّد به مشورت هستند و این کار، رویه دائمی آنها ست نه موقتی. اما نباید فراموش کرد که شورا منحصراً در مورد کارهای اجرایی و شناسایی موضوعات است نه احکام که باید از مبدأ وحی و کتاب و سنت گرفته شود.

۱- معجم مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۹۱.
۲- معجم مفردات الفاظ القرآن، ص۲۷۷.
۳- معجم مفردات الفاظ القرآن، ص ۵۲.

تعبیر به «امر» نیز ناظر همین مطلب است، یعنی در کار خودتان شورا کنید، اما در احکام که کار خدا ست حق شورا ندارید.(1)

۲. خداوند متعال در سوره آل عمران، آیه کریمه ۱۵۹ می فرماید: ((فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللّهِ لِنتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لاَنفَضُّواْ مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللّهِ إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ)).

خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم امر می کند که در کارها با مسلمانان مشورت کن و رأی و نظر آنها را بخواه. گویا این توهم پیدا شده بود که بعد از مشورت ناموفق در مورد جنگ احد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آینده نباید با فردی مشورت کند، اما آیه پاسخ می دهد که باز هم با آنها مشورت کن، هر چند نتیجه مشورت در بعضی موارد سودمند نباشد؛ زیرا منافع آن بسیار بیشتر از زیان های احتمالی آن است و اثر عجیبی در پرورش شخصیت افراد و رشد اجتماعی آنها دارد. البته باید توجه داشت که دامنه مشورت مربوط به نحوه اجرای دستورات و احکام است و نه قانون گذاری و بیان احکام الهی، لذا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هیچ گاه در قانون گذاری مشورت نمی کردند.(2)

در کتاب تفسیری پیام قرآن، تأکید بر مشورت در موضوعات مختلف شده و این که تعیین خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیاز به شورا ندارد، امر بدیهی معرفی شده است:

بدیهی است که شورا در مسائلی است که حکم خاصی از

۱- خلاصه تفاسیر المیزان، ص ۱۰۶۵.

۲- خلاصه تفاسیر المیزان، ص ۱۰۶۵.

سوی خداوند نازل نشده و اگر می گوییم شورا در امر خلافت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بی اعتبار است، به خاطر این می باشد که در این زمینه، دستور خاصی از سوی خداوند رسیده بود و با تعیین وصی و خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از طریق وحی به ایشان جایی برای شورا باقی نمی ماند و به تعبیر دیگر، مشورت همیشه در موضوعات است نه در احکام که دستور آن از سوی خداوند صادر شده است.(۱)

به امر خداوند، مسئله شورا در قرآن مورد اهتمام و توجه بوده و شاید بتوان ابعاد، شرایط، ویژگی ها و مباحث دیگر آن را هم در فرصت و حجم مقتضی جستجو کرد، مثلاً ـ در مشورت، رعایت ادب اهل شورا با رهبر حتی در نوع کلام سفارش شده است:

ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا و پیامبر او پیشی مگیرید و بترسید از خدا؛ به درستی که خدا شنوا و داناست.ای کسانی که ایمان آورده اید! صدای خود را بالای صدای پیغمبر بلند نکنید و با وی بلند سخن نگویید؛ همانند بلند سخن گفتن برخی از شما برای برخی، مبادا که اعمالتان تباه شود و شما درنیابید.(۲)

آن چه از این جا مشخص می شود قابل سرایت به مدینه قرآنی مهدوی نیز است. از این رو اصل شورا به معنای گفته شده مورد پذیرش و تأکید می باشد. شورا در موضوعات صورت می گیرد نه احکام. همچنین شورا در امور اجتماعی مربوط به مردم می باشد نه قوانین تعیین شده از سوی خداوند.

۱- پیام قرآن، ج ۱۰، ص ۱۱۲.

۲- حجرات / ۱و ۲.

رجوع به کلام عترت و اهل بیت علیه السلام، مکمل تبیین جایگاه شورا و مشارکت سیاسی (به استناد حدیث ثقلین) در حکومت مهدی است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:

هیچ پشتیبان و یاوری محکم تر از مشورت نیست.(۱)» و در حدیث دیگر، امام علی علیه السلام می فرمایند: «مشورت عین هدایت است و کسی که تنها به فکر خود قناعت کند خویشتن را به خطر انداخته است.(۲)»

نکته قابل طرح این است که گاهی هدایت الهی از طریق فکر و رأی و نظر دیگری به او اطلاع داده می شود و انسان نباید فکر کند که تنها راه رسیدن به هدایت و کمال، نظر و فکر خودش فی نفسه است.

در حدیثی دیگر امام علی علیه السلام به ما متذکر می شوند که شاخصه اهل مشورت برای در امان ماندن از پسروی، تعقل و اندیشه است: « با خردمندان مشورت کن تا از لغزش و پشیمانی در امان بمانی.(۳)»

امام صادق علیه السلام چهار شرط را برای کارآمدی مشورت در امر توسعه و ابعاد مختلف آن مطرح می نمایند:

مشورت تنها با چهار شرط، سودمند است: نخست، این که مشاور تو عاقل باشد. دوم، آزاده و باایمان. سوم، دوست، علاقه مند و دلسوز باشد و چهارم، این که او را به سرّ خود آگاه سازی تا آگاهی او نسبت به موضوع مورد مشورت همچون آگاهی تو باشد.(۴)

۱- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۰.
۲- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۰۴.
۳- پیام قرآن، ص ۱۱۵، به نقل از غررالحکم.
۴- پیام قرآن، ص ۱۱۲.

نکته ای که در این جا قابل طرح است، آزاده بودن فرد و علاقه مند بودن وی است که در مباحث پیشین نبود. اگر کسی گرفتار هوا و هوس است یا در امر توسعه، خود را در حصار افکار و ایده های مخالف موازین دینی سیاست قرار داده یا اصولاً نظام اسلامی را نمی پذیرد و علاقه مند به توسعه این نظام نیست، نمی تواند در امر توسعه سیاسی حکومت اسلامی، مشاور باشد، بلکه شاید ضررش بیش از سودش باشد.

امام علی علیه السلام در عهدنامه خود به مالک اشتر، افرادی را که شاخصه های لازم برای مشاوره ندارند، چنین معرفی می نمایند:

بخیل را در مشورت کردن دخالت نده که تو را از نیکوکاری باز می دارد و از تنگدستی می ترساند. ترسو را در مشورت کردن دخالت مده که در انجام کارها، روحیه تو را سست می کند. حریص را در مشورت کردن دخالت مده که حرص را با ستمکاری در نظرت زینت می دهد.(۱)

مشاور می بایست در بیان نظرش صداقت داشته و از نفاق مبرّا باشد و از سوی دیگر، تصمیم نهایی اتخاذ شده را حتی اگر مخالف رأی او بود پذیرفته و مطیع باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: « وقتی یکی از شما با برادر خود مشورت می کند، وی باید نظر خود را صریح اعلام کند.(۲)» و از طرفی، امام علی علیه السلام در حدیثی به ابن عباس می فرمایند:

وظیفه تو آن است که نظر مشورتی خود را به من عرضه بداری، آن گاه من بررسی می کنم. پس اگر موافق رأی تو عمل

۱- نهج البلاغه، ص ۴۰۷.

۲- اسلام و دموکراسی مشورتی، ص ۹۷.

نکردم، وظیفه تو آن است که از نظرم تبعیت و از فرمانم اطاعت کنی.(۱)

بنابر این، شورش و کارشکنی و رفتارهای غیرقانونی کاندیداها و طرف دارانشان در هر رأی گیری و شورایی در نظام اسلامی پس از آن که رأی نهایی اتخاذ شد، خارج از قواعد شورا و مشارکت سیاسی در نظام اسلامی خواهد بود.

ب) مشارکت سیاسی و بیعت

واژه دیگری که بیان گر مشارکت سیاسی در قوانین اسلام است، بیعت و مفهوم آن می باشد. از آنجا که در مدینه فاضله مهدوی، پیاده کردن دستورات قرآن و تمسّک به آن از اصول اساسی است، در نتیجه، ما مفهوم قرآنی آن را بررسی نموده و پس از آن به استناد احادیثی که امام را خلیفه و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در قول و فعل معرفی می نماید و مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را برپا کننده سیره حدیثی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می نماید، از مدیریت نبوی در مفهوم شناسی بیعت و نقش آن در مشارکت سیاسی بهره می گیریم. ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند: «... نهمین آنها قائم اهل بیتم و مهدی امتم است که در شمایل و اقوال و افعال شبیه ترین مردم به من است...(۲)». در حدیثی دیگر از امام محمد باقر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که: «در صاحب این امر، سنتی از عیسی و سنتی از یوسف و سنتی از محمد صلی الله علیه و آله و سلم است ... و اما محمد، قیام به سیره او و تبیین آثار او است.(۳)»

نویسنده مفردات راغب، مفهوم بیعت را در لسان عربی، یک نوع پیمان

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۱۳.
۲- کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۸۴.
۳- کمال الدین و تمام النعمه، ص ۶۰۰.

می داند که بیعت کننده؛ خود را مطیع بیعت شونده می سازد: «وقتی می گویند با سلطان بیعت کرد که بیعتش متضمّن طاعت باشد، البته طاعت به حدالمقدور.(۱)»

علامه طباطبایی بعد از تفحص در مفهوم بیع، آن را این گونه تبیین می کند:

و این کلمه از ماده بیع است که معنای معروفی دارد و چون رسم عرب این بود که وقتی می خواستند معامله را قطعی کنند به یکدیگر دست می دادند و گویا با این عمل مسئله نقل و انتقال را نشان می دادند. چون نتیجه نقل و انتقال که همان تصرف است، بیشتر به دست ارتباط دارد، لذا دست به دست یکدیگر می زدند و به همین جهت، دست زدن به دست دیگری در هنگام بذل اطاعت را «مبایعه» و «بیعت» می خوانند و حقیقت، معنایش این بوده که بیعت کننده، دست خود را به بیعت شونده می بخشید و به سلطان بیعت شونده می گفت: این دست من مال تو است، هر کاری که می خواهی با آن انجام بده.(۲)

۱. خداوند متعال در سوره فتح، آیه کریمه ۱۰ می فرماید: «إن الذین یبایعونك انها یبایعون الله یدالله فوق أیدیهم فمن نكث فإنما ینكث علی نفسه و من أوفی بما عاهد علیه الله فسیؤتیه أجرا عظیما؛ ای پیامبر! مؤمنانی که با تو در [حدیبیه] بیعت کردند در حقیقت با خدا بیعت کردند. دست خدا بالای دست آنها ست. هر کسی بیعت را نقض کند، در حقیقت به زیان و هلاکت خویش اقدام کرده است و هر کس بر عهدی که با خدا بسته وفا کند، به زودی، خدا به وی پاداش بزرگ عطا خواهد کرد.»

۱- مفردات الفاظ قرآن کریم، ماده بیع.

۲- تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۴۰۹.

۲. در آیه کریمه ۱۸ از همان سوره خداوند متعال می فرماید: ((رَضِیَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِینَ إِذْ یُبَایِعُونَک تَحْتَ الشَّجَرَهِ فَعَلِمَ مَا فِی قُلُوبِهِمْ فَأَنزَلَ السَّکینَهَ عَلَیْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِیبًا))؛ خداوند از مؤمنانی که زیر درخت با تو بیعت کردند، به حقیقت خشنود شد. از وفا و خلوص قلبی آنها آگاه بود که وقار و اطمینان کامل بر آنان نازل فرمود و آنان را به فتحی نزدیک پاداش داد.

علامه طباطبایی در بحثی تفسیری بر این باور است که از آیات مذکور استفاده می شود که:

بیعت گرچه به خودی خود دارای اهمیت است، لکن در طبع آن، هم احتمال وفادارای و هم احتمال پیمان شکنی وجود دارد و از این رو به کسانی که بر بیعت خود پایبند هستند، اجر عظیم داده شده است و به طور ضمنی، بیعت کسانی که پیمان خود با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را بشکنند و به حالت قبل از بیعت بازگردند، بی ارزشی اعلام کرده است.(۱)

موارد قابل استفاده عبارتند از:

الف) بیعت، لازم و مورد تأکید است و پاداش دارد.

ب) احتمال بیعت شکنی وجود دارد.

ج) بیعت شکنی، خلاف و بیعت شکنان مطرود نظامند، یعنی بیعت اولیه برای حضور و شمول در جامعه و نظام اسلامی برای بیعت شکنان دیگر پذیرفته نیست.

۳- خداوند متعال در سوره ممتحنه آیه کریمه ۱۲ می فرماید: ((یَا أَیُّهَا النَّبِیُّ

۱- تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۲۷۴.

إِذَا جَاءكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَن لَّا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ))

در تفسیر نورالثقلین از امام صادق علیه السلام نقل شده که:

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مکه را فتح کرد، مردان همه با ایشان بیعت کردند. آن گاه زنان آمدند تا بیعت کنند. در این هنگام، این آیه شریفه نازل شد. ام حکیم گفت:ای پیامبر خدا! چگونه با تو بیعت کنم؟ حضرت فرمود: من با زن ها دست نمی دهم. پس ایشان، ظرف آبی خواست و دست خویش را در آب زد و بیرون آورد و به زنان فرمود دست خویش را در این آب فرو برید.(۱)

این که آیا بیعت، همان انتخاب و رأی است یا نه؟ بخشی از آن است یا اصلاً به هم ارتباطی ندارد؟ مباحثی هست که زیر این عنوان مطرح است، لازم است که در ادامه مبحث به سیره نبوی رجوع نماییم. در سیره نبوی مواردی از اعمال بیعت گزارش شده که به آن مختصراً اشاره نموده و در حین ذکر موارد، پاسخ این سؤال را بررسی می نماییم.

۱. در جریان انذار عشیره، بیعت صورت گرفت.(۲)

۲. در عقبه اول ۱۲ نفر از ایمان آورندگان یثرب بر التزام به دستورات دینی با رسول خدا بیعت بستند.

۳. در عقبه دوم، هفتاد و دو مرد و دو زن بر دفاع از جان رسول خدا پس

۱- تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۰۷.

۲- شعرا / ۲۱۴.

از آمدن به مدینه بیعت نمودند. در آن مورد ۱۲ نفر از سوی آنان به عنوان نقیب انتخاب شده و به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معرفی شدند. از میان آنها هم یک نفر، نقیب النقبا تعیین و انتخاب شد.(۱)

بررسی: تا این جا دو نوع بیعت بود:

الف) بیعت با رهبر نظام: یک طرفه به منظور اطاعت، اگرچه رهبر فی نفسه عهده دار رهبری جامعه، هدایت امور دنیوی و اخروی جامعه و بیعت کنندگان می شود و در واقع التزام به این بیعت در محتوا دو طرفه است. اما بیعت کنندگان در انتخاب رهبر نقشی ندارند و او را تأیید می کنند.

ب) بیعت یا انتخاب زیرمجموعه ها به امر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم توسط مردم از میان گزینه های متعدد صورت می گیرد و این بیعت هم در محتوا دو طرفه است و نمایندگان با عنوان نقبا وظایف خود را تحت رهبری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم انجام داده و مردم هم به طور طبیعی از نقبای منتخب خود از سویی و کارگزاران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از طرف دیگر اطاعت می نمایند.

۴. بیعت رضوان یا شجره: بیعتی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با اصحاب خود برای جنگ با مشرکان گرفتند.(۲) [جنگ واقع نشده و قرارداد صلح بستند.]

۵. بیعت فتح: در فتح مکه مردم با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر اسلام بیعت کردند. اسلام و تبعات آن که رهبری معنوی و سیاسی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ... بود.

۶. بیعت نساء:(۳) تعدادی از زنان با حضرت بر اسلام بیعت کردند.

۱- مبانی مشروعیت حکومت در اندیشه سیاسی شیعه، ص ۱۵۳.

۲- فتح / ۱۸.

۳- ممتحنه / ۱۲.

۷. بیعت بر ولایت: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حجه الوداع بر ولایت معنوی و سیاسی امام علی علیه السلام از مردم بیعت گرفته فرمودند:

ای مردم! من مسائلی را برای شما بیان کردم و مطالبی را به شما فهماندم. این علی است که پس از من مسائل را به شما گوشزد می کند. آگاه باشید که پس از پایان سخن من برای بیعت با وی دست به دست من دهید و به ولایت او اقرار کنید. آن گاه بعد از من نیز برای بیعت دست به دست او بدهید و به ولایت او اقرار کنید. بدانید که من با خدا بیعت کرده ام و پیمان بسته ام و علی با من بیعت کرده است و من از سوی خداوند برای او بیعت می گیرم ... ای مردم! از خدا بپرهیزید و با علی، أمیرالمؤمنان و حسن و حسین و سایر ائمه بیعت کنید.(۱)

امام علی علیه السلام در روایتی می فرمایند: «ای مردم! شما با من بیعت کردید؛ همچنان که با افراد پیش از من بیعت شد و مردم پیش از آن که بیعت کنند، مختار و آزادند(۲)».

با جمع این دو روایت می توان به این نتیجه رسید که: ۱- رهبری سیاسی و مقام اول حکومت در مدینه فاضله مهدوی، یعنی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به تعیین امام صورت می گیرد. ۲- مردم به حکم لا اکراه فی الدین مختارند ولایت معنوی – سیاسی امام معصوم را در مدینه فاضله حضرت حجت بپذیرند و با ایشان بیعت کنند یا خیر (در بخش های بعد اشاره می شود که از روی میل و رغبت این کار

۱- مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج۲، ص ۳۱۲ به نقل از احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۴۱-۳۴.
۲- میزان الحکمه، ج ۱۵، ص ۲۱۵.

را انجام می دهند.) ۳- بعد از بیعت با امام و زندگی در زیر پرچم زمامداری ایشان، مردم بایست مطیع رهبری باشند و بیعت شکنی نکنند.

۲. جلوه های دیگر از مشارکت سیاسی

در روایات رسیده از وضعیت مدینه فاضله مهدوی در موضوع مشارکت سیاسی با مواردی مواجه می شویم که از مشارکت زنان در تشخیص حکم قضایی یا قانونی و در تعیین مصداق احکام خبر می دهند. امام محمد باقر علیه السلام می فرمایند: «در زمان او چنان حکمت ارزانی می شود که زنان در خانه به کتاب خدا و سنت و روش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حکم می کنند.(۱)»

اگر بالا رفتن درک و آگاهی های سیاسی – اجتماعی مردم و راه رسیدن به آن را از مقوله مباحث مربوط به مشارکت سیاسی بدانیم، لازم به تذکر است که مردم نسبت به قرآن با تمام حقایق فردی و اجتماعی آن آگاهی می یابند و این توسط گروه های متعدد (در معنای خیمه) به وقوع می پیوندد. یعنی هم در آموزش و هم در یادگیری از نقش و حضور مردم بهره مندمی شوند: «هر گاه قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم قیام کند، خیمه هایی نصب می کند برای کسانی که قرآن را همان گونه که نازل شده به مردم تعلیم کنند.(۲)»

از آنجا که پیاده کردن احکام قرآن، شاخصه اصلی مدینه فاضله است، آگاهی و آموزش کامل و دقیق قرآن، در واقع مانند نشر و یادگیری قوانین حکومتی در کشورهای دیگر محسوب می شود و جایگاه حکومتی والایی دارد.

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«گویا من شیعیانم را می بینم که در دست ایشان مثانی است و مردم را می آموزند.(۱)» عرب و عجم در اجرای این امر حکومتی مشارکت دارند و تبعیضی در نظام آموزشی مدینه فاضله مهدوی یا در مشارکت سیاسی مردم از این لحاظ ها وجود ندارد.

امام علی علیه السلام می فرمایند:«گویا که من غیر عرب ها را می بینم که خیمه هایشان در مسجد کوفه است و به مردم، قرآن را آن چنان که نازل شده است می آموزند.(۲)»

مردم در تأمین نیازهای مادی دولت با حکومت مشارکت دارند و بر عکس. در روایات آمده است که در مدینه فاضله مهدوی، مالیات با رضایت و به سرعت توسط خود مردم پرداخت می شود. علاوه بر آن، مردم به اندازه ای تأمین هستند که از طریق ثروت هایشان به یاری حکومت می شتابند. امام صادق علیه السلام می فرمایند:

بر شیعیان ما توسعه داده شده است که از آن چه در دستشان است به نیکی عطا کنند. پس هر گاه قائم قیام کند، بر هر صاحب گنجی، گنج او حرام می شود تا آن که آن گنج را به سوی آن حضرت ببرد و توسط آن، حضرتش را یاری کند.(۳)

همان گونه که در حدیث مشخص است، این یاری، دو طرفه است و عبارت توسعه دادن وضعیت معیشتی - فرهنگی مردم عصر مهدوی (معادل موسّع)

ص:۱۴۰

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۲.
۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴.
۳- کمال هستی در عصر ظهور، ص ۶۷ به نقل از وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۳۸۱.

منجر به مشارکت مردم در تأمین بودجه مورد نیاز حکومت می شود و تأمین این توسعه توسط حکومت صورت می گیرد.

در حدیث دیگری آمده است:

به خدا سوگند! سپاهیان مهدی آن قدر می ستیزند تا آن که خدا به یکتایی پرستیده شود و برای او شرک آورده نشود ... و مردم خراج خود را بر دوش خود به سوی مهدی می برند و به شیعیان، توسعه در حکم داده می شود.(۱)

به نظر می رسد که قسمت اول مربوط به قیام و بخش دیگر مربوط به حکومت حضرت باشد.

به راستی چگونه این همدلی و مشارکت مردمی در مدینه فاضله تحقق پیدا می کند؟ آیا از روی اجبار است یا رضایت و افتخار؟ امام محمد باقر علیه السلام می فرمایند:

گویا من اصحاب قائم را می بینم که بر آن چه در شرق و غرب است احاطه نموده اند و چیزی از اشیاء نیست مگر آن که مطیع ایشانند، حتی درندگان زمین و پرندگان وحشی. خشنودی ایشان را در هر چیزی می طلبند تا این که زمین بر زمین دیگر مباهات می کند که امروز مردی از اصحاب قائم بر من عبور کرد.(۲)

چنانکه ذکر شد مردم در مدینه فاضله در احکام، قوانین و امور مالی مشارکت دارند. بلکه از لحاظ خط مشی و عقیده و فکر سیاسی – دینی نیز با

۱- بحار الانوار، ج۵۲، ص ۳۴۵.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۳.

حکومت همراه می باشند. امام حسن مجتبی علیه السلام می فرمایند:

«... تا آن که خدا در آخرالزمان و دوران شدت روزگار و عصر نادانی مردمان، مردی را بر انگیزد ... تا آن که کافری باقی نماند، مگر این که ایمان آورد و گنهکار و پلیدی نماند مگر این که صالح شود.(۱)»

سودمندترین اشتراکات مردم و دولت می تواند در ایمان و عمل صالح باشد که مبنا برای سایر مشارکت های سیاسی – اجتماعی واقع می شود.

مردم در حکومت حضرت در برآوردن نیازهای یکدیگر به یاری و تقویت خود می پردازندکه این در واقع، مشارکت در بخشی از وظایف حکومتی به شمار می ورد. امام صادق علیه السلام می فرمایند:«هنگامی که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند، کمک کردن به برادران واجب می شود و باید آنها را تقویت و کمک کنند.»(۲)

۱- بحار الانوار، ج۵۲، ص ۲۸۰.

۲- اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۹۵.

فصل چهارم: الگوی مدینه فاضله، رقابت و نظارت سیاسی

اشاره

ص:۱۴۳

گفتار اول: دیدگاه های رقابت سیاسی

اشاره

یکی از موضوعات مهمی که در ذیل بحث توسعه سیاسی لازم به بررسی و تبیین می باشد، رقابت سیاسی(۱) است.

۱. چیستی رقابت سیاسی

اشاره

در کتاب لغت نامه دهخدا، ذیل مفهوم رقابت آمده است: «کنش ها و واکنش های احزاب سیاسی در سازمان دهی سیاسی امور، عین رقابت سیاسی تلقی شده است.(۲)»

اما رقابت سیاسی در مفهوم وسیع تر آن رقابتی است که «به کسب قدرت سیاسی و اعمال آن مربوط می شود.(۳)»

اگرچه احزاب سیاسی به منزله یکی از مصادیق بارز برای رقابت های سیاسی در جهان معاصر ذکر شده است، اما با این تعریف می توان مصادیق کلی تر یا جزئی تری از رقابت کنندگان سیاسی را ذکر کرد که شمول در احزاب

ص:۱۴۴

۱- Political competition.

۲- لغت نامه دهخدا، ج ۸، ص ۱۲۱۸۹.

۳- رقابت سیاسی و ثبات سیاسی، ص ۴۶.

نداشته باشند. برخی ها رقابت سیاسی را عموماً «به فعالیت های سیاسی تعبیر کرده اند که در مقابل گروه های دیگر رقیب صورت می گیرد.(۱)»

به طور کلی و با توجه به این که این واژه در فرهنگ های علوم سیاسی هم تعریف نشده است، با تفاوت هایی در تبیین حدود و ثغور آن در دیدگاه های توسعه سیاسی مواجه می شویم. برخی چنین تعریفی ارائه داده اند:

رقابت سیاسی، بخشی اساسی از بازی کلی سیاسی است که متکی بر اصول خاص است و به وسیله نهادهای معیّن به جریان می افتد و در حقیقت، نوعی نگهبانی و مراقبت عمل سیاست مداران از یکدیگر است که به امید دست یابی به قدرت سیاسی و حفظ آن به شکل بازی حاصل جمع مثبت انجام می گیرد.(۲)

در این تعریف ارائه شده از رقابت سیاسی، نکاتی قابل توجه است که به آن اشاره می شود:

۱. رقابت سیاسی، بخشی از بازی کلی سیاسی است، پس مستقلاً جایگاه ندارد، بلکه در بازی کلی سیاسی، نقش و کارکرد آن تعریف می شود.

۲. رقابت سیاسی، متکی بر اصول خاص است و توسط نهادهای معیّن به جریان می افتد، پس رقابت های فردی بدون در نظر گرفتن شخصیت حقوقی آنها ظاهراً در این معنا جایی ندارند.

۳. نوعی مراقبت عمل سیاست مداران از هم است؛ با توجه به واژه لغوی

ص:۱۴۵

۱- «بررسی های اجمالی پیرامون رقابت های سیاسی و اثرات آن بر امنیت ملی»، ص ۵۲، مجموعه مقالات همایش رقابت سیاسی و امنیت ملی، ۱۳۸۲.

۲- رقابت سیاسی و ثبات سیاسی، ص ۱۰۸.

رقابت که به معنای نگهبانی گرفته شده است. در نتیجه در رقابت سیاسی؛ نهادها، نگهبان رفتار رقیب هستند.

۴. این نگهبانی فقط با هـدف کسب قـدرت یا حفظ آن است که می توان مواردی چون مصالـح عمومی، منافع ملی، حاکمیت قوانین، حفـظ و تثبیت هنجارهـا و ارزش هـا را در آن یـافت. این مطلب مهم نیست، بلکه هـدف اصـلی، رسـیدن طرفین رقابت سیاسی به قدرت است و بر اساس این هدف، رفتارها و برنامه های خود را تنظیم می نمایند.

۵. نوعی بـازی در رقابت سیاسـی حاصل جمع مثبت است، یعنی به هر حال هر دو گروه رقیب سیاسـی یا چنـد گروه از آن نفع می برند.

برخی معتقدنـد که رقابت سیاسـی اصولا از لحاظ پدیدار شناسـی، یا در سایه قدرت سیاسـی به دست می آید و یا در سایه باز هم قدرت افکار عمومی.

در سـایه قـدرت، یعنی این که گروه هـایی که تحت یـک قـدرتی هسـتند و صاحب امکاناتی می باشـند، با هم به رقابت برمی خیزند، بدون این که نیازی باشد افکار عمومی را وادار کنند، اما از طریق افکار عمومی هم میسّر است. مثل این که قصد کنند کرسی های بیشتری را در مجلس به دست بیاورند یا ریاست جمهوری را بگیرند یا امثال این ها.(۱)

اما از نظر برخی دیگر، این نکات لحاظ شده در مفهوم شناسـی رقابت سیاسـی می تواند به گونه دیگری تغییر پذیری باشد که حداقل با استناد به اصول رقابت سیاسی در کشوری چون جمهوری اسلامی ایران قابل طرح و بررسی است. شاید با

۱- ملاحظات حقوقی در رقابت های سیاسی، ص ۲۴۹، مجموعه مقالات همایش رقابت سیاسی و امنیت ملی، پیشین.

توجه به این اصول، مخاطب بتواند تعریف مناسب تری از مفهوم رقابت سیاسی برای خود فرض نماید. برخی از این اصول عبارتند از:

۱. کسب قدرت، هدف نهایی نیست. قدرت برای حفظ و بسط ارزش های حق و عدالت است.

۲. دسترسی به منافع شخصی و امتیازات و پاداش ها، منشأ و انگیزه اصلی رقابت سیاسی نیست.

۳. اختلافات سیاسی برای روشن شدن راه صحیح است نه منافع شخصی. لذا در مورد منافع فرد و شخص، ترک اختلاف ضروری است.

۴. ابزار و وسایل رقابت مشروع است، از این رو وجود اسراف، تبذیر و تهمت، خارج از اصول رقابت سیاسی است.

۵. در صورت وجود افراد و نظرات اصلح، ترک رقابت در آن مورد ضروری است و باید به فرد و نظر اصلح کمک کرد.

۶. هدف رقابت سیاسی، پیدا کردن و پیشنهاد راه حل هایی بهتر برای توسعه اهداف اساسی جامعه اسلامی است.(۱)

اکنون که شاخصه های رقابت سیاسی از دیدگاه قانون جمهوری اسلامی مطرح شد، ویژگی های این پدیده سیاسی در دوران مدرنیته و قبل ازآن را هم جمع بندی نموده تا اقوال مختلف اسلامی – ملی، مدرنیته و ماقبل آن در شاخصه های رقابت سیاسی ملموس تر باشد.

در دوران ماقبل مدرن، رقابت سیاسی با خشونت ممزوج بود و حالت گریز از مرکز داشت؛ چون بر سر هویت صورت

۱- ملاحظات حقوقی در رقابت های سیاسی، ص ۲۰۵.

می گرفت، از ماهیتی هویتی برخوردار بود. خصلت متحرک سیاسی جمعی و توده ای داشت. هدف آن دست یابی به صرف منافع بود و حالت بدون سیستمی داشت.(۱)

از طرفی در دوران مدرن، اصل روشنگری و شاخصه های آن برای رقابت سیاسی ویژگی های دیگری در کشورهای حامل این فرهنگ گرفت.

مسالمت آمیز و مبتنی بر گفتگو شد؛ حالت متمایل به مرکز پیدا کرد؛ خصلتی درون سیستمی پیدا کرد؛ به جای مایه های ماهیتی از بنیاد اجتماعی و اقتصادی برخوردار شد؛ حالت نهادینه و قانونمند به خود گرفته و گویا هدف آن تحقق شایسته سالاری است.(۲)

در این جا این سوال مطرح می شود که اساساً چرا رقابت سیاسی وجود دارد و یا در کشورهایی که نهادها و گروه های سیاسی (مبارزه و تضاد سیاسی با یکدیگر) را همراستا با اهدافشان می دانند، دلیل آن چیست؟ در این باره سه دیدگاه مطرح شده است.

برخی به قول ارسطو این مسئله را به مدنی الطبع بودن انسان بر می گردانند. تجمع انسان ها و تشدید وابستگی آنها موجب روابط اجتماعی می شود که آن هم مبتنی بر عواملی چون خصومت، رقابت، کشمکش و مسالمت و حتی ترکیبی از اینها می باشد، ولی عده ای معتقدند دلیل اقتصادی دارد و تقاطع تلاش ها، خواست ها و مسابقه دست یابی به منابع کمیاب، همواره موجب پیکار و ایجاد رقابت می شود.

۱- رقابت سیاسی و ثبات سیاسی، ص ۴۹ و ۵۰.

۲- رقابت سیاسی و ثبات سیاسی، ص ۴۹ و ۵۰.

گروهی هم رقابت را مقتضای سیاست می دانند، یعنی اگر همان موضوع کمیابی منابع را در نظر بگیریم و بقای اجتماعی را هم مطلوب بدانیم در این جا جنبه مدیریت سیاسی غلبه می کند و فلسفه وجودی سیاست به معنای مدیریت نزاع و رقابت است.(۱)

در مجموع آیا مدنی الطبع بودن انسان و مسابقه برای دست یابی به منابع اقتصادی، دلیل اصلی رقابت سیاسی است یا خیر؟ آیا فلسفه وجودی سیاست چیزی جز مدیریت بر رقابت سیاسی است یا دلیل دیگری وجود دارد؟

- پیش شرط های فکری و رفتاری رقابت سیاسی

اشاره

از نظر عده ای، رقابت سیاسی دارای پیش شرط های خاصی است و هر کشور یا نهادی که این ضروریات نظری و رفتاری را درباره این موضوع نهادینه کرد، می تواند در عرصه رقابت سیاسی حضور خود را تعریف کند. برخی از این پیش شرط ها عبارتند از:

یکم. تکثرگرایی سیاسی

در این دیدگاه، سیاست به مثابه بازی تعریف شده است. بازی ای همچون فوتبال که در آن:

۱. وجود گروه های رقیب به رسمیت شناخته شده است.

۲. گروه های رقیب متعدد و متفاوت به مثابه دو تیم در مقابل هم قرار می گیرند.

۱- رقابت سیاسی و ثبات سیاسی، ص ۴۸ و ۴۹.

۳. هدف از بازی، دست یابی به پیروزی است.

۴. مانند همه بازی ها قواعدی دارد.

۵. اجماع بر روی قواعد بازی برای انتظام رقابت لازم است.

۶. گروه های بازی کننده با عنایت به قواعد بازی و اجماع شکل گرفته، راهبردهای خود برای پیروزی را شکل می دهند.

دراین حالت، نتیجه بازی ممکن است به سه صورت باشد؛

۱. هر دو به یک پیروزی نسبی دست یابند که این رقابت سیاسی مطلوب است.

۲. هر دو گروه در رقابت ببازند که این رقابت سیاسی نامطلوب است.

۳. یکی از گروه ها ببرد و بقیه ببازند که این رقابت سیاسی هم نامطلوب است.(۱)

دوم. آزادی

آزادی در چارچوب، پیش شرط دیگر رقابت سیاسی ذکر شده و منظور از چارچوب، قانون اساسی است. آزادی قانونی، الگویی است که در آن ضمن پذیرش حق فعالیت آزادانه برای کلیه بازیگران بر این نکته مهم نیز تأکید شده است که آزادی نمی تواند بدون مبنا باشد. همچنین می توان گفت آزادی مشروع، لازمه شکل گیری رقابت سیاسی است که به حکم قانون از آزادی نامشروع تقسیم می گردد.

سوم. اقتدار

وجود اقتدار، لازمه شکل گیری رقابت سیاسی هدف مند، و لازمه وجود اقتدار هم وجود یک نظام سیاسی قوی است. نظام سیاسی قوی نیز وقتی می تواند وجود

۱- رقابت سیاسی و ثبات سیاسی، ص ۶۴-۵۶.

داشته باشد که حداقل نهادینگی و نهادمندی در جامعه وجود داشته باشد یا به عبارت دیگر، نظام سیاسی، مرحله تثبیت اولیه خود را پشت سر گذاشته باشد.

چهارم. نهادمندی

نهادهایی که تأسیس می شوند باید مبتنی بر خواست های اجتماعی باشند، لذا قانون در شکل دهی این نهادها نقش جدی و حیاتی دارد؛ چرا که حیطه عملکرد نهادها را معیّن می نماید و عملاً ـ فضایی را ایجاد می کند که در آن، فعالیت مستقل و مسؤلانه نهادها امکان پذیر می گردد.

پنجم. بستر مساعد فرهنگی

شاخص های بهینه کردن رقابت سیاسی را افزایش و بستر نامساعد فرهنگی، شاخص های سوء کارکردی رقابت سیاسی را نشان می دهد.(۱)

– نهادها و نیروهای سیاسی رقیب

نیروهای سیاسی حاضر در عرصه رقابت را به دو گروه عمده خودی و غیر خودی تقسیم کرده اند. با این توضیح که نیروهای خودی، آن هایی هستند که در چارچوب نظام، مثلا نظام اسلامی ایران و با تأیید حقّانیت و مشروعیت اصل نظام به رقابت سیاسی می پردازند. آنها خود بر دو دسته اند:

۱- نیروهای سیاسی که در دولت مشغولند، اما با اختلاف نظر [که عمدتاً اختلاف سلیقه در امور سیاست گذاری و اجرائیات می باشد] به رقابت سیاسی می پردازند.

۱- رقابت سیاسی و ثبات سیاسی، ص ۶۴-۵۶.

۲- اپوزیسیون قانونی یا دولتی است، اما در درون قدرت سیاسی نیست که اینها عبارتند از: سیاست مداران و مجریان که با برخی سیاست ها مخالفند، اما مخالفتشان به اصول کلی و مبانی مشروعیت نظام سیاسی بر نمی گردد.(۱)

برخی نیروهای حاضر در رقابت سیاسی، اصطلاحاً غیرخودی نامیده می شوند. اینها هم مخالف اصل نظامند و هم مخالف مجریان و سیاست های آن ها. به نظر برخی، این گروه اساساً «جزء تیم های رقابت مصطلح در بازی سیاسی به حساب نمی آیند و اگر هم به رقابت دست بزنند، رقابتی خشونت بار و نه مسالمت آمیز را دنبال می کنند و دو نیروی قبل در مخالفت و تضاد با این نیروی برانداز، اشتراک نظر دارند.(۲)» این، نوعی تقسیم بندی رقابت سیاسی است؛ اگرچه اصولاً ـ هر عمل غیرقانونی، خصوصاً اگر رقابت سیاسی باشد، اگر برانداز هم نباشد، حداقل در تثبیت نظام، نقشی ندارد.

در همین راستا به الگوهایی برای رقابت سیاسی اشاره شده است که در سه مقوله ۱- الگوی رقابت بر نظام سیاسی [براندازی نظام]؛ ۲- الگوی رقابت برای نظام سیاسی [مثل احزاب دوران پهلوی یا حزب فراگیر رستاخیز]؛ ۳- الگوی رقابت در چارچوب نظام سیاسی. می گنجد. و تنها الگویی که در پرتو آن، رقابت سیاسی به ثبات سیاسی در یک نظام سیاسی کمک می کند، الگوی اخیر است که مبتنی بر مفروضات ذیل می باشد:

۱- نظام سیاسی مدّ نظر در این الگو، مشروع و مقبول است.

۲- محتوای قانون اساسی این نظام سیاسی، انعکاس قلبی مردمی است که

۱- رقابت سیاسی و ثبات سیاسی، ص ۶۸-۶۶.

۲- رقابت سیاسی و ثبات سیاسی، ص ۶۵.

برپایی آن نظام را موجب شده اند.

۳- پایه های این رژیم به نظر مردم عقلانی و منطقی است و به طور صحیح در جای خود قرار دارد و تغییر آن مطلوب قلمداد می گردد.

۴- اداره امور کشور در این رژیم به اتکای آرای عمومی است که این خود بیان گر تأثیر واقعی رقابت سیاسی بر سیاست سازی، سیاست گذاری و اجرای سیاست ها در این رژیم است.

۵- لزوم بقای چنین نظام مطلوبی در ذهن همه نیروهای جامعه سالم سیاسی، مسلّم است و هیچ گونه بن بستی در راه ابقای نظام سیاسی وجود ندارد و خود قانون اساسی، راه های ابقای نظام را به نحو کلی ترسیم کرده است.

۶- حدود رقابت و مشارکت سیاسی مشخص شده و بر آن توافق کلی وجود دارد.(۱)

۲. احزاب و رقابت سیاسی

اشاره

نقش احزاب در رقابت سیاسی چیست؟ آیا تنها نهادهای صلاحیت دار، احزابند یا گروه های فشار؟ دیگر اصناف، مؤسسات، افراد حقوقی و دارای مقام و ... مستقلاً می توانند و مجازند در رقابت سیاسی، نقش آفرینی جدّی و قانونی داشته باشند؟ از نظر برخی، نهادهای رقابت سیاسی فقط احزابند و بس: «نهادهای رقابت سیاسی، معادل احزاب سیاسی است.(۲)»

در تعریف احزاب و نقش و کارکرد آنها می توان رویکردهای مختلفی را

۱- رقابت سیاسی و ثبات سیاسی، ص ۶۸ و ۶۹.

۲- رقابت سیاسی و ثبات سیاسی، ص ۷۲.

بررسی کرد که با ذکر رویکردهای هنجاری و توصیفی، تفاوت دیدگاه ها در این باره را متذکر می شویم:

الف) در رویکرد هنجاری، احزاب چند کارکرد اصلی دارند:

۱- شناسایی و تأمین اهداف (ایدئولوژی و برنامه)

۲- بیان و ترسیم دقیق منافع اجتماعی و گردآوری منافع مذکور در یک تشکیلات (سازمان دهی و تشکیلات)

۳- بسیج توده و جامعه پذیر ساختن افکار عمومی در چارچوب نظام، به ویژه جریانات انتخابات (بسیج نیرو)(۱)

ب) در رویکرد توصیفی، بیشتر دیدگاه حول این تعریف طرح می شود که احزاب، «جریاناتی هستند که همواره در صدد کسب قدرت و موقعیت اند.(۲)»

گذشته از این دو رویکرد تعریفی، حزب در اصطلاح به عنوان «تجمع گروهی از افراد که دارای عقیده یا مرام یا طرز فکری بوده و به خاطر تأمین هدف واحدی تلاش می کنند(۳)» تعریف شده است. گروهی حزب را با چنین تعریفی پذیرفته اند:

هر گروه سیاسی دارای یک عنوان رسمی است که در انتخابات شرکت کرده و این امکان یا توانایی را دارد که از طریق انتخابات (آزاد یا غیر آن) نامزدهای مورد نظر خود را در رأس پست ها و مناصب عمومی جامعه قرار دهد.(۴)

۱- احزاب سیاسی و نظام های حزبی، ص ۵۱.

۲- احزاب سیاسی و نظام های حزبی، ص ۵۲ و ۵۳.

۳- کالبد شکافی احزاب سیاسی، ص ۱۱۷.

۴- احزاب سیاسی و نظام های حزبی، ص ۵۳ (تعریف سارتوری از حزب).

۱) خاستگاه، ماهیت و اهداف احزاب

خاستگاه، ماهیت و اهداف احزاب نیز در دیدگاه های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است و در این باره نیز می توان از سه نظریه نهادی، بحران و نوسازی در تحلیل این مباحث یاد کرد.

الف) در نظریه نهادی، نقش نهادهای مبتنی بر نمایندگی، یعنی مجالس قانون گذاری مورد توجه است. «جناح های مختلف موجود در مجلس همواره سعی دارند تا در جریان مناقشات پارلمانی مدافع منافع آن طبقه بوده و از رهگذر ارائه و حمایت از طرح ها و لوایح خاص، حمایت اقشار و طبقات مورد نظر خود را جلب نمایند.(۱)»

موریس دوورژه از انتخابات و پارلمان به عنوان مکانیسم کلی تکوین احزاب یاد می کند که عملاً انگیزه اساسی این مجامع، باید اشتراک دکترین های سیاسی باشد:

مکانیسم کلی تکوین احزاب، ساده است. بدواً دسته های پارلمانی قبل از کمیته های انتخاباتی ایجاد می شوند؛ کما این که بسیاری از مجامع سیاسی و مجالس، قبل از برگزاری سیستم انتخابات تشکیل شده اند. اشتراک دکترین های سیاسی، انگیزه اساسی تشکیل گروه های پارلمانی بوده است. با وجود این واقعیات همیشه مؤید این فرضیه نیست. در اغلب موارد، مجاورت جغرافیایی یا اراده دفاع از منافع، موجب تشکیل گروهی شده اند و بعد از آن دکترین ایجاد گردیده است.(۲)

۱- احزاب سیاسی و نظام های حزبی، ص ۶۱.

۲- احزاب سیاسی و نظام های حزبی، ص ۲۴.

ب) نظر دیگر در مورد خاستگاه و اهداف احزاب در زیر نظریه بحران مطرح می شود. گاهی ممکن است روند توسعه سیاسی یک نظام با بحران هایی مواجه شود که «توالی وقوع این بحران ها [ولو به طور موقت] و میزان همزمانی و انطباق آنها نیز در پیدایش و ظهور نظام های حزبی مؤثر است.(۱)»

سه مقطع بحرانی تاریخی وجود داشته است که سبب ظهور احزاب شده است:

۱- مقطع ظهور ناسیونالیسم و پیدایش نیروهای ناسیونالیست که در ایجاد یکپارچگی و اتحاد در فرایند تکوین ملت غالبا نقش احزاب سیاسی را ایفا می کنند.

۲- مقطع ظهور گسست ها و کاهش مشروعیت، در نتیجه رقابت های شدید و تأثیر آن بر نظام های حزبی. برای مثال، رقابت های موجود بین احزاب بن پاریست، قانون گرایی یا احزاب مشروطه خواه و اورلئانی ها در فرانسه اواسط سده نوزدهم.

۳- مقطع زوال و فروپاشی دموکراسی پارلمانی در برابر فاشیسم که سبب بروز یک سری ویژگی های بارز در سیستم های حزبی نظام های دموکراسی پسااقتدارگرا گردید. بی اعتمادی عمیق راست سنتی، تلاش برای متحد ساختن راست و مرکز، شکاف در جناح چپ بین سوسیالیست ها و کمونیست ها از آن جمله اند.(۲)

ج) نظریه بعدی ذیل مباحث نوسازی و نقش احزاب در آن مطرح شده است. به اعتقاد افرادی چون لاپالومبارا و واینر با توجه به فرایند نوسازی و شاخصه های آن، ظهور و پیدایش احزاب سیاسی مستلزم هر دو یا یکی از این دو شرط است:

ص:۱۵۶

۱- احزاب سیاسی و نظام های حزبی، ص ۶۴.

۲- احزاب سیاسی و نظام های حزبی، ص ۶۴.

۱- تحول در نگرش و دیدگاه های شهروندان؛ به طوری که به این نتیجه مهم دست یابند که باید از حق دخالت در اعمال قدرت برخوردار گردند.

۲- برخی از گروه های نخبه یا نخبگان قدرت مند، خواستار کسب یا حفظ قدرت از طریق حمایت عمومی هستند.(۱)

اصولاً نوع احزابی که در جوامع مبتنی بر نظریه نوسازی یا به اصطلاح در جوامع حزبی اروپای غربی تشکیل شده است، حاصل دستاوردهای مقاطع تاریخی مختلف است. تعداد، نگرش و خاستگاه احزاب در این جوامع در اعصار مختلف متنوع بوده است. لیپست و روکان در چارچوب نظریه کارکردگرایی در فرایند نوسازی، چهار مقطع را در این باره تقسیم می کنند:

۱- عصر رفورماسیون یا اصلاح دینی: مبارزه برای به دست گرفتن زمام امور و نهادها و تشکیلات دینی و کلیساها در محدوده قلمرو ملی و اداره امور آنها صورت می گرفت.

۲- عصر انقلاب دموکراتیک: تضاد و اختلاف بر سر نحوه اداره امور و تشکیلات آموزشی و نهادهای پرورشی (تعلیم و تربیت) توسط مقامات دینی و مذهبی یا توسط مقامات و نهادهای غیردینی که شروع آن با انقلاب فرانسه بود.

۳- عصر ظهور بورژوازی: مبارزه و تضاد بین زمین داران و صاحبان صنایع تجاری یا تجّار و بازرگانان در حال ظهور در شهرها در اوایل انقلاب صنعتی صورت می گرفت.

۴- عصر ظهور سوسیالیسم: مبارزه حساس و تعیین کننده بین کارفرماها و

۱- احزاب سیاسی و نظام های حزبی، ص ۶۵.

کارگرها در آخرین مراحل انقلاب صنعتی در سطح قاره اروپا.(۱)

با توجه به این چهار مقطع تاریخی، خاستگاه، اهداف و کارکردهای احزاب در نظریه نوسازی شکل گرفته است و نوع احزاب و رقبایی که در طول این اعصار در جوامع اروپای غربی شکل گرفت، عبارتند از:

۱- احزاب لیبرال در رقابت با رژیم کهن

۲- احزاب محافظه کار

۳- احزاب کارگری در مقابل نظام بورژوازی (بعد از انقلاب سراسری ۱۸۴۸) و احزاب چپ سوسیالیستی (بعد از ۱۹۱۶)

۴- احزاب کشاورزی یا دهقانی در برابر نظام صنعتی

۵- احزاب منطقه ای یا محلی در برابر نظام مرکز

۶- احزاب کمونیست در برابر احزاب سوسیال دموکرات (بعد از ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷) و احزاب تجدید نظرطلب در مقابل سوسیال واقعی

۷- احزاب مسیحی در برابر نظام غیر دینی سکولار

۸- احزاب فاشیستی در مقابل نظام های دموکراتیک

۹- احزاب معترض در شکل بورژوازی علیه نظام بوروکراتیک دولت رفاهی

۱۰- احزاب اکولوژیک (طرف داران محیط زیست و سبزها) در مقابل جامعه معطوف به رشد سرسام آور تکنولوژی.(۲)

نکته قابل توجه این است که تمام این احزاب در هیچ کشوری به تنهایی وجود نداشته است، بلکه معمولاً ـ یک یا دو حزب همراه با گروه های رقیب و جنبش های کوچک تر در یک کشور فعالیت دارند.

۱- احزاب سیاسی و نظام های حزبی، ص ۶۶.

۲- احزاب سیاسی و نظام های حزبی، ص ۶۶.

۲) کارکردهای رقابتی احزاب

اشاره

مسئله دیگری که در موضوع احزاب، لازم به بررسی است، کارکردهای احزاب است که با توجه به نوع وظایف تبیین شده در دیدگاه های مختلف برای احزاب، دو حوزه کارکردهای نظری و عملی را مد نظر قرار داده اند.

الف) کارکردهای نظری احزاب

در سطح جامعه، احزاب سیاسی، مکانیسم هایی محسوب می شوند که رهبران به کمک آنها نفوذ خود را در جامعه اعمال می کنند تا از طریق احزاب، مردم وادار به پذیرش سیاست ها، برنامه ها و اهداف آنها شوند. در همین حال، احزاب می توانند به عنوان ابزاری برای اعمال قدرت در دست جامعه باشند که در قالب ارائه ایدئولوژی ها و برنامه های مد نظر مطرح است.

اما در سطح نظام سیاسی، احزاب دو کارکرد اصلی دارند: ۱- نمایندگی جامعه ۲- بسیج جامعه (متحد کردن و سازش در جامعه)

از طرفی در حوزه نظری نقش احزاب در سطح زندگی سیاسی روزمره هم به عنوان کارکردی قابل توجه لحاظ شده که باعث تشویق و ترغیب زنان و مردان برای حضور در صحنه سیاسی و مشارکت فعال در حیات اجتماعی و سیاسی می شود.

ب) کارکردهای عملی احزاب

در حوزه عمل و رفتارهای حزبی چه کارکردهایی را می توان برای احزاب با توجه به ساختار و ویژگی های خاص آنها لحاظ کرد؟ این کارکردها در مواردی چون تجمع منافع، ادغام سیاسی، خودپذیری اجتماعی و جامعه پذیری

سیاسی و در نهایت، بسیج رأی دهندگان بررسی شده است.

در تجمع منافع، احزاب سیاسی از طریق گردآوری منافع مستقل گروه های ذی نفع در چارچوب سازمانی وسیع تر به کاهش یا تخفیف تضادهای گروه های ذی نفع کمک می کنند. گروه های ذی نفع نیز متوجه می شوند که باید در خواسته های خود تعدیل کنند و به هم آهنگی و همکاری بیشتر با سایر جریانات در راستای منافع و مصالح حزبی که علی القاعده در راستای منافع عمومی و مصالح کلی جامعه و نظام سیاسی موجود قرار دارد، بپردازند.(۱)

در این جا اشاره به حیطه قانونی بودن فعالیت های احزاب شده است؛ زیرا تعمیم این که تمام منافع احزاب به منافع و مصالح ملت و نظام بر می گردد، معلوم نیست که در قوانین، اهداف و فعالیت های درونی تمام احزاب ضرورتاً لحاظ شده باشد، بلکه چارچوبی از سوی نظام برای احزاب و فعالیت های قانونی آنها ست.

درباره ادغام سیاسی هم به عضوگیری و استقبال احزاب از حضور گروه های جدید در درون خودشان اشاره می شود و در کارکرد جامعه پذیری سیاسی آموزشی احزاب در حیطه مشارکت های سیاسی – اجتماعی اعضا، نحوه و میزان آن مطرح است که با علاقه مند شدن به سرنوشت خود در جامعه، جامعه پذیری سیاسی احزاب افزایش می یابد. در این باره لازم به تذکر است که «در نظام های دموکراتیک، احزاب به منظور تقویت مهارت ها و تخصص های لازم در امر رهبری فردی، نوعی احساس تعهد بابت مشروعیت نظام را در بین

۱- احزاب سیاسی و نظام های حزبی، ص ۹۰ – ۸۵.

اعضای حزب افزایش می دهند.(۱)»

بسیج رأی دهندگان زمانی رخ می دهد که در مبارزات انتخابات از طریق تبلیغات و ابزار مختلف آن، احزاب تلاش می کنند تا مردم را به پای صندوق های رأی گیری و شرکت در انتخابات رهنمون سازند.

در مورد اهداف احزاب در مباحث تعریف اشاره کردیم که در غالب دیدگاه ها، هدف، رسیدن به قدرت سیاسی می باشد که از طریق پیروزی بر جریانات انتخاباتی با کسب آرای بیشتر تحقق می یابد، اما در برخی کشورها یک یا دو حزب قدرت مند، امید و نفوذ اصلی را برای رسیدن به این هدف دارند؛ در حالی که احزاب کوچک تری هم وجود دارند که با توجه به ناامیدی در کسب پیروزی در رقابت با این احزاب قدرت مند و رسیدن به حکومت، اهداف دیگری را دنبال می کنند، مثل پیام دادن به احزاب دیگر و نقش واسطه داشتن و ...، مثلاً «اهداف احزاب انقلابی، نظیر حزب کمونیسم، آموزش شیوه زندگی به توده ها ست و از قدرت حکومتی در سمت تغییر ارزش ها و هنجارهای موجود و نهادهای مستقر سود می جویند. هدف آنها این است که با استفاده از قدرت دولت و در اختیار گرفتن آن، جامعه ای در کمال مطلوب و آرمانی ایجاد کرده و شهروندان را متقاعد سازند که مفهوم جامعه ایده آل مورد نظر حزب را بپذیرند.(۲)»

در صفحات پیش به اهداف احزاب با توجه به قانون اساسی جمهوری اسلامی هم اشاره نمودیم که در این جا نیازی به تکرار آن نیست و بررسی نوع

۱- احزاب سیاسی و نظام های حزبی، ص ۸۹.

۲- احزاب سیاسی و نظام های حزبی، ص ۱۱۲.

تفاوت اهداف با وجه مشترك بهره وری از قدرت سیاسی یا رسیدن به قدرت سیاسی با خواننده است.

۳) تفاوت دیدگاه ها در تأیید یا امتناع از احزاب

در برخی دیدگاه ها احزاب مورد نقد جدی واقع شد ه است. استروگروسکی از جمله آنهاست که با مطالعه احزاب انگلیسی و آمریکایی و کاوش در آنها در اثر خود با عنوان «دموکراسی و سازمان احزاب سیاسی»، شعار "مرگ بر حزب، زنده باد جامعه" را سر داد و معتقد است که: «احزاب سیاسی، نتیجه تبدیل نظام سنتی به نظام جدید و مراجعه به آرای عمومی است، ولی احزابی که به این سان شکل گرفته اند، به زودی افکار عمومی را در قالب ها و الگوهایی جای دادند که به کار حزب می آمد و از خواسته های فوری و حیاتی مردم غافل ماندند...».(۱)

در دیدگاه های مسلمانان، عده ای تعدد احزاب را نفی می نمایند، به دلایلی چون نکوهش نام احزاب در قرآن، افتراء و تعریف و تمجید در تبلیغات توسط احزاب، این که احزاب صرفاً پدیده ای تقلیدی از کشورهای لائیك است و در سنت اسلامی نبوده و این که احزاب اتحاد را از بین می برند و دلایلی دیگر ...

هادی علی در کتاب خودش با نام «ساختار سیاسی اسلام و تعدد احزاب» گویا می خواسته به چنین ایراداتی پاسخ دهد و دیدگاه خود را بر تأیید احزاب موجه سازد. از نظر ایشان، حزب به طور عمده در آن زمان [صدر اسلام] به معنای تجمّع گروهی در برابر اسلام بوده [به سبب همین نکوهش شده و با

۱- سیاست و حکومت در اروپا، ص ۵۲.

ساختار مشهور و امروزی متفاوت است] علاوه بر آن که در قرآن از حزب الله و حزب شیطان(۱) هر دو سخن آمده است و این که اختلاف [و عدم اتحاد] در چارچوب اصول اساسی نباید باشد، نه در جزئیات [یعنی در جزئیات باید باشد! در نتیجه، ضرورت احزاب تأیید می شود] و این که استفاده از افترا و تمجید و ... در تبلیغات اصولاً در تمام زمان ها ناپسند و از ضعف تعدد احزاب است نه لازمه آن.(۲)

هادی علی با پذیرش تکثرگرایی اسلامی به عنوان زمینه و لازمه تعدد احزاب بر این باور است که به دلایلی در چارچوب اسلام تعدد احزاب تأیید شده است:

۱- شورا و رایزنی

۲- قدرت و حاکمیت ملت

۳- احقاق حقوق و آزادی های عمومی [که به بحث امر به معروف و نهی از منکر پرداخته اند.](۳)

از نظر نگارنده، اشاره مختصر هادی علی یا نگارنده های دیگر از این دست به این مباحث، استدلال های دقیق و کاملی در تأیید احزاب با ساختار، کارویژه ها، اهداف و تأثیرات متداول آن بر ساختار نظام سیاسی و جامعه اسلامی و نقش احزاب در جهت پیشرفت نظام سیاسی اسلام نمی تواند باشد؛ همان طور که در مقابل آنها دلایل مذکور نمی تواند دلیلی متقن و کامل در نفی احزاب و تعدد آن باشد.

۱- مجادله / ۱۹ و ۲۰.

۲- ساختار سیاسی اسلام و تعدد احزاب، ص ۴۴-۳۷.

۳- ساختار سیاسی اسلام و تعدد احزاب، ص ۴۴-۳۷.

در دیـدگاه امـام خمینی رحمه الله گویا صـلاحیت احزاب به نوع کارکردها و اهـداف آنها بر می گردد و لازم است فرصتی به احزاب داد. اگر از این فرصت در جهت منافع اسـلام و نظام اسلام و مصالح ملی اقدام دلسوزانه نمودند [یعنی در واقع از همان کارکردهای موجود در قانون اساسی جمهوری اسلامی خط گرفتند] باشند، وگرنه اجازه حضور ندارند:

مـا تـاکنون برای این که به مردم عـالم بفهمـانیم و بفهمنـد مردم که ما با چه اشخاصـی مقابله داریم، ما آزادی دادیم به آن ها، آزادی مطلق، که در ظرف این چنـد ماه قریب ۲۰۰ حزب و گروه و مطبوعات زیاد و مجلات و روزنامه ها منتشـر شـد! و هیچ کس جلوگیری نکرد ... تا آن که فتنه را دیـدیم و فهمیـدیم که شـما فتنه گر هستیـد ... بعد از این که توطئه شـما ثابت شد و مردم فهمیدند شـما چه اشخاصـی هستید، دیگر نمی توانیم اجازه بدهیم آزادانه هر کاری می خواهید بکنید؛ شـما را سـرکوب خواهیم کرد.(۱)

احزابی که فتنه جو و فتنه گر هسـتند و تنها به دنبال تفرقه و آسـیب به جامعه و نظام اسـلامی هسـتند، نه تنها تأییـد نمی شونـد، بلکه از دیدگاه امام بایستی از صحنه جامعه سیاسی طرد شوند.

از دیـدگاه امـام رحمه الله ، جناح های مختلف در اسـلام وجود ندارنـد و با تشـکیل حکومت اسـلامی همه افراد و گروه ها در جناح اسلامند:

در اسلام، جناح های مختلف وجود ندارد. وقتی حکومت اسلامی تشکیل

۱- احزاب و گروه های سیاسی از دیدگاه امام خمینی(ره)، ص ۴۷۳.

شود، همه تابع قانون اسلامند و اسلام، یک جناح یکپارچه و واحد است.(۱)

شاید بتوان گفت که رقابت های حزبی و انتخاباتی در منشور قانون اسلام، یعنی در چارچوب آن و برای خدمت به اسلام و جامعه و حکومت اسلامی، در نهایت (حداقل در جوامع کنونی) امری طبیعی و پذیرفتنی می باشد. در جای دیگری ایشان می فرماید:

... من احتمال می دهم که عوامل و دست های ناپاکی بخواهند از رقابت های انتخاباتی در رسیدن به آرزوهای خود استفاده کنند و با طرح مسائل پوچ و بی معنا دل ها را از یکدیگر جدا سازند و یا با تردید و ایجاد ذهنیت، صحت و سلامت انتخابات و نهایتاً مشروعیت مجلسی را زیر سؤال ببرند ...(۲)

در برخی از دیدگاه ها ترجیحاً در تأیید حضور احزاب، به عقلائی بودن این مطلب اشاره نموده و این شیوه را از جمله به دلیل تجربه در بسیاری از کشورها یا به این دلیل که در مقابل نظام استبدادی است [شاید لازمه نبود حزب (یعنی ایجاد ساختارها و برنامه ریزی های دیگر برای مشارکت سیاسی) استبداد نباشد] را مورد تأیید همه عقلا معرفی نموده اند:

فلسفه وجودی احزاب به عنوان یک روش عقلانی برای نظارت بر قدرت سیاسی مورد تردید نیست و همه عقلا می دانند این شیوه تجربه شده، یکی از ارکان جوامعی است که بر انتخابات و رأی گیری و تحدید قدرت مبتنی است و در این مورد فرقی میان شرق و غرب، مسلمان و غیرمسلمان نیست.(۳)

۱- احزاب و گروه های سیاسی از دیدگاه امام خمینی(ره)، ص ۴۳۶.

۲- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۱۴.

۳- مبانی تحزب در اندیشه سیاسی اسلام، ص ۱۱.

از نتایج این سخن بر می آید که در اندیشه اسلامی به طور خاص نمی توان الگویی از مشارکت سیاسی بر اساس رقابت یا حضور احزاب یا گروه هایی با شاخصه ها و کارویژه های تعیین شده در احزاب جست و جو کرد؛ مگر آن که بگوییم کل ما حکم به العقل حکم به الشرع.

و آن گاه از ابتدا بایستی مفهوم و شاخصه های عقلانیت و عقلا و وجوه تفاوت و تمایز آن را در اندیشه های اسلامی و آن چه متداول است، بررسی نماییم. همچنین در دیدگاهی، تأیید تعدد حزب به استناد انکار ضد آن مطرح شده است: «تک حزبی به استبداد و تحمیل منتهی می شود و تعدد احزاب برای پیشبرد رشد سیاسی ضروری است.(۱)»

لازم به ذکر است که گویا در مقام قیاس نظام های تک حزبی و چند حزبی، این مطلب ذکر شده است. البته به طور منطقی در صورتی که صرفاً انتخاب یکی از این دو گزینه، ضروری باشد، گزینه چند حزبی است که در مقابل نظام تک حزبی ارجح به نظر می رسد.

۴) شگردهای تبلیغات سیاسی احزاب

یکی از مواردی که در بحث احزاب مورد نقد واقع شد، شیوه تبلیغات غالب آنهاست. به دور از قضاوت در مورد صحت و سقم تبلیغات احزاب در عمل، خوب است که به تعریف و انواع شگردهای تبلیغاتی در جهان امروز که البته سهم عمده آن از آن احزاب هم می باشد، اشاره نماییم.

۱- مبانی تحزب در اندیشه سیاسی اسلام، ص ۱۲۴، به نقل از نهایه الدرایه فی شرح الکفایه، ص ۱۲۴.

تبلیغات سیاسی(۱) به مفهوم برانگیختن یا به حرکت واداشتن اندیشه های خاص می باشد. از نظر لاسول: «کوشش کم و بیش عمومی و سنجیده ای است که هدف نهایی آن نفوذ بر عقاید یا رفتار افراد برای تأمین مقاصد از پیش تعیین شده است.(۲)»

تبلیغات سیاسی از طریق شگردها یا روش های متعددی صورت می گیرد. برخی روش ها به صورت توام با هم در یک زمان انتخاب می شود، برخی ها نوبت به نوبت. اگر اولی جواب نداد بعدی...، در میان انواع شگردهای تبلیغات سیاسی عمدتاً سه نوع شستشوی مغزی، جنگ روانی(۳) و شایعه پراکنی غالب می باشد:

در نوع اول، تلاش برای جایگزین کردن و القای ایدئولوژیک خاص و تفکر جدید به جای باورهای قبلی صورت می گیرد. در شیوه جنگ روانی، دستگیری عقاید از طریق به کارگیری یک یا چند رسانه ملی یا اقدامات سیاسی، نظامی، اقتصادی و ایدئولوژیک که برای احساسات، نگرش ها یا رفتار مطلوب در گروه های دوست و دشمن، بی طرف و مخالف به منظور تأمین مقاصد ملی طراحی می شود و شایعه نیز به انتقال دهان به دهان حکایت ها و اخبار غیر موثق گفته می شود. شایعه شیطانی (که به علت مضطرب بودن مردم مطرح می شود و مبتنی بر ترس است). شایعه رویایی (که به جهت ایجاد احساس خوشایند فراهم می شود و مبتنی بر امید است) و

ص:۱۶۷

۱- Pvopagandla

۲- ارتباط سیاسی، ص ۷۵.

۳- Psychological warfare

شایعه وحشت (که موجب بروز رفتار می شود) از آن جمله اند.(۱)

اما شیوه های تبلیغاتی دیگری هم هست که برخی از آنها عبارتند از: ۱- خطابه و سخنرانی ۲- انتشارات ۳- احاله ارزش ها ۴- تظاهرات ۵- اقدامات انحرافی، سکوت، تحقیر، بزرگ نمایی، کوچک نمایی، ابهام انگیزی، تکذیب یا دروغ گفتن، یکسونگری و ...

به طور کلی، تبلیغات سیاسی را می توان در دو نوع تقسیم بندی روا و ناروا جای داد. تبلیغات سالم و مثبت در نوع اول و تبلیغات ناروا «مجموعه ای از تلاش ها و اقدامات است که در آن از هر وسیله ای برای تحقق بخشیدن به اهداف و اعمال مغایر آراء و تمایلات اکثریت و منافی با تعهدات ملی و بین المللی استفاده می شود.(۲)»

۳. انواع رقابت حزبی

اشاره

آخرین مبحث این موضوع، نوع رقابت احزاب در نظام های مختلف است. امروزه می توان بر اساس نحوه و نوع رقابت احزاب سیاسی، انواع نظام ها را به این گونه شناسایی کرد:

الف) احزاب در نظام های پلورالیستی

از نظر سارتوری، تعبیر نظام چند حزبی به طور دقیق، بیان گر تمایز روشنی بین نظام های باثبات و پایدار و نظام های بی ثبات و ناپایدار نیست. در

۱- ارتباط سیاسی، ص ۷۶ و ۷۷.

۲- ارتباط سیاسی، ص ۷۷.

طرح او دو دسته از نظام های حزبی تفکیک شده اند:

۱- نظام های پلورالیسم معتدل: در اینها معمولاً پنج حزب یا کمتر وجود دارند و به شیوه ای مرکزگرایانه به رقابت با یکدیگر می پردازند، یعنی برنامه ها و وعده های آنان عمدتاً متوجه رأی دهندگانی است که در مرکز طیف اعتقادی و در برنامه هرم قشربندی اجتماعی قرار گرفته اند. احزاب چپ گرا دست از تندروی های خود برداشته و احزاب راست گرا گرایشات محافظه کارانه خود را کنار می گذارند؛ زیرا به این نتیجه می رسند که بخش اعظم توده های رأی دهنده به جایی نزدیک به مرکز تعلق دارند؛ نه در منتهی الیه چپ و راست.

۲- پلورالیسم قطبی شده: هر گاه تعداد احزاب بیش از پنج حزب باشد، در آن صورت، این نوع نظام وجود دارد که در آن احزاب به گونه مرکز گریز به رقابت با یکدیگر می پردازند. در این میان، احزاب به جای معتدل ساختن مواضع به جهت گیری های اعتقادی و سیاسی خود اصرار ورزیده و راه افراط را در پیش می گیرند و سیاست کنار گذاشتن رقبای خود را اتخاذ کرده که منجر به بی ثباتی سیاسی، ناآرامی و ... می شود.(۱)

ب) احزاب به معنای کفایی آن

ب) احزاب به معنای کفایی آن(۲)

به عقیده سارتوری، هر گاه احزاب عمده یا فراگیر و احزاب فعال و توده ای موجود در جامعه در جریان مبارزات انتخاباتی یا در جهت ائتلاف، احزاب

۱- احزاب سیاسی و نظام های حزبی، ۱۰۲ – ۹۹.

۲- Relevnt parties

دیگر را نیز مـد نظر قرار داده و آنها را به حساب آورنـد و یا برای آنها اهمیت و اعتبار قائل شوند و به عنوان رقبای انتخاباتی یا همکار در ائتلاف روی آنها حساب باز کنند ... در آن صورت احزاب اخیر را می توان احزاب کفایی یا تناسبی دانست. (۱)

در نتیجه، اگر چیزی آن قدر کوچک باشد که احزاب عمده، احساس نگرانی از جانب آن نداشـته باشند اساساً حزب محسوب نمی شود و جریانی بی ربط، نامتناسب و ناکافی است.

آن چه در این مبحث قابـل تـوجه بیشـتر است، نـوع رقـابت هـای احزاب است که به صورت مرکز محور است یـا رقـابت هـای افراطی مرکزگریز؟ احزاب عمــده آیـا بـا احزاب دیگر تنـاسبی برقرار می کننــد یـا حضـور احزاب دیگر کوچـک، بی ربـط و نامتناسب در ساختار رقابت احزاب است؟

۱- احزاب سیاسی و نظام های حزبی، ۱۰۲ – ۹۹.

گفتار دوم: رقابت سیاسی در مدینه فاضله مهدوی

اشاره

در آغاز می توان رقابت سیاسی را در مدینه فاضله مهدوی به حکم حدیث ثقلین و امثال آن که معرّف اکمال امامت مهدوی و هدایت قرآنی است با رجوع به آیات قرآن مورد تحلیل و بررسی قرار داد. در جایی که امام علی علیه السلام فرمودند:

... من، حسن و حسین و ائمه نه گانه که از فرزندان حسین است و نهمین آنها مهدی و قائم آنها ست، از کتاب خدا جدا نشوند و کتاب خدا نیز از آنها جدا نشود تا آن که بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حوض کوثر درآیند.(۱)

و احادیث نظیر آن که در صفحات پیش ذکر شد.

۱) رقابت قوای نفسانی و رحمانی، اساس رقابت سیاسی

ابتدا لازم است به ذکر نوعی رقابت به مفهوم نگهبانی توأم با مبارزه که در فرهنگ قرآنی حکومت مهدوی نیز به وقوع خواهد پیوست، بپردازیم. رقابتی است که در درون هر انسانی شکل می گیرد و در قرآن کریم از رقابت نفس

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۴۵۲.

امّاره و لوّامه و با عناوینی چون جهاد اکبر از آن یاد شده است.

آیا چنین رقابتی در عرصه های سیاسی هم پی آمدها و کارکردهایی می توانـد به همراه داشته باشد یا خیر؟ در مدینه فاضـله مهدوی چطور؟ آیا رقابت متداوم بین قوای نفسانی و قوای رحمانی درون انسان در تعیین خط مشی های سیاسی – اجتماعی، نوع، کیفیت، عمق و وسعت، رقابت سیاسی مدینه مهدوی دخیل است یا خیر؟

امام علی علیه السلام در یک روایت از نوعی مراقبه و حسابرسی در نفس انسان خبر داده می فرمایند: با نفس خود بجنگ و از او حسابرسی کن؛ همچنان که شریک از شریک خود حسابرسی می کنـد و حقوق خداونـد را از او مطالبه کن؛ همچنان که خصم حقوق خود را از خصمش مطالبه می کند.(۱)

در این حـدیث، دقت و کوشایی در مراقبت از نفس به انسان یاد آور شده است و گویا چون شریکی حقوق خود را بایستی از آن مطـالبه نمود. از آن جا که دین اسـلام دارای ابعاد فردی و اجتماعی است و قوانین و تکالیفی در این راسـتا متوجه انسان ها ست، مراقبت از نفس نیز در تمام عرصه های فردی و اجتماعی زنـدگی انسان و قوانین اسـلامی اصـلی مهم لحاظ خواهـد شد، بلکه در عرصه های سیاسـی – اجتماعی، دقت و حسابرسـی خاصـی را می طلبد و تداوم این مبارزه مهم به شمار می رود. بهتر است قبـل از این که مالـک یـا حـاکم بر فرد یا جایی باشـیم، مالک نفس خودمان با تـداوم در مبارزه بشویم. «املکوا أنفسـکم بداوم جهادها»(۲) با پیکار بی امان با نفس هایتان، زمام اختیار آن را به دست گیرید. چرا که دقت در این رقابت درونی، نشانه علم و عقل فرد در عرصه های

۱- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۸۵۴.
۲- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۸۵۴.

مختلف سیاسی و اجتماعی می باشد و حضور علم و عقل بر این پایه در رقابت های سیاسی، کیفیت و بهره دهی بالای رقابت مذکور و رشد و تعالی آن را در پی خواهد داشت. «جهادالنفس بالعلم عنوان العقل؛ جهاد آگاهانه، سرلوحه خرد و عقل است.(۱)»

همچنین قبل از این که رسیدن به حکومت (که هدف غالب احزاب است) به انسان مقام و کرامت ببخشد، در مکتب اسلام از نتایج توجه به رقابت درونی و مجاهده با نفس، کرامت و بزرگی مقام او است. امام علی علیه السلام می فرمایند: «مجاهده النفس شیمه النبلاء؛ مجاهده با نفس، خصلت مردمان شریف و بزرگوار است.(۲)»

تکیه بر کلام امام علی علیه السلام در این باره به استناد چنین احادیثی در باب مدینه فاضله مهدوی است که امام صادق علیه السلام می فرمایند: «وقتی قائم ما اهل بیت به پاخیزد، لباس های علی علیه السلام را به تن می کند و روش او را پیش می گیرد.(۳)»

نتیجه این مراقبه و مجاهده با نفس در عرصه های رقابت سیاسی گروه ها و احزاب، این گونه است که جهاد اکبر و مراقبت از خود، انسان را دچار خوف الهی می نماید و کسی که خوف الهی دارد، فی نفسه رسیدن به قدرت، حکومت و ریاست را هدف و مورد علاقه خود نمی داند؛ چنان که امام صادق علیه السلام می فرمایند: «إن الحب الشرف و الذکر لایکونان فی قلب الخایف الراهب؛ حب مقام و شهرت در دل ترسناک بیمناک (از خدا) نباشد.(۴)» مگر آن که ریاست و

۱- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۸۵۲.

۲- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۸۵۲.

۳- اصول کافی، ج ۱، ص ۴۱۱.

۴- میزان الحکمه، ج۴، ص ۳۱۰، مسلسل(۶۹۲۷).

حکومت در مدینه فاضله مهدوی تعبیر دیگری یافته باشد یا ضمانتی دیگر داشته باشد. به استناد قول امام صادق علیه السلام وقتی که فرمودند: «طلبت الرئاسه فوجدتها فی النصیحه لعباد الله؛ ریاست را جستم و آن را در خیرخواهی برای بندگان خدا یافتم.(۱)»

چنان که متذکر شدیم در صفحات بعد به مبحث رقابت سیاسی در قرآن و به تبع آن مدینه فاضله قرآنی مهدوی پرداخته و این بحث را از چند جهت بررسی خواهیم کرد.

۲) انواع رقابت سیاسی در مدینه فاضله مهدوی

الف) در برخی آیات قرآن مباحثی هست که در ذیل عبارت «سارعوا» مطرح شده است. از لحاظ مفهومی، سرعت و عجله با هم تفاوت دارند. سرعت به پیشی گرفتن در چیزهایی گفته می شود که تقدم و پیشی در آنجا سزاوار و پسندیده است، اما عجله برعکس به پیشی گرفتن در چیزهایی گفته می شود که تقدم در آنها سزاوار و پسندیده نیست. اصل این کلمه از ماده «سرع» به معنای شناختن و تند رفتن است. با توجه به موارد استعمال این کلمه، استفاده شده که: «سرعت بیشتر ملازمه با عمل بدنی و جوارح دارد؛ به خلاف عجله که بیشتر در امور قلبی و روانی استعمال می شود.(۲)» خداوند متعال در سوره آل عمران آیه ۱۳۳می فرماید: ((وَسَارِعُواْ إِلَی مَغْفِرَهٍ مِّن رَّبِّکُمْ)).

در تفاسیر آمده است که: «این کلمه از مسارعت گرفته شده و به معنای

۱- میزان الحکمه، ج۴، ص ۱۹۲۴.

۲- شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه، ص ۳۴۷.

کوشش و تلاش دو یا چند نفر برای پیشی گرفتن از یکدیگر در رسیدن به یک هدف است و در کارهای نیک، قابل ستایش و در کارهای بد، نکوهیده است.(۱)»

پس در این جا با یک مسئله رو برو هستیم که اگر رقابت سیاسی را نوعی تلاش برای پیشی گرفتن افراد یا گروه ها بر همدیگر برای هدفی واحد بدانیم، بر اساس مطلب اخیر آیا این هدف واحد، نیکو و در زمره اهداف و اعمال پسندیده است یا خیر؟ اگر اولی است، مورد ستایش می باشد و اگر دومی است؛ مذموم و نکوهیده است.

بر اساس تفسیر: «در این آیه تلاش نیکوکاران را تشبیه به یک مسابقه معنوی کرده است که هدف نهایی آن آمرزش الهی و نعمت های جاویدان بهشت است.(۲)»

در باب رقابت سیاسی هم بایستی متذکر شویم که اگر چه حیطه این مسابقه مسائل سیاسی – اجتماعی را هم در بر می گیرد به دلیل جامعیت دین و عدم جدایی دین از سیاست و ...

اما آیا هدف در رقابت سیاسی یا مسابقه سیاسی بین احزاب یا گروه ها و افراد دیگر هدفی نیکو است؟ و آیا به مغفرت الهی در این عرصه ختم می شود یا خیر، غضب الهی را در پی دارد؟ آیا علاوه بر هدف، برای رسیدن به آن هدف، ابزار و شرایط این رقابت سیاسی هم پسندیده و مورد تأیید اسلام است یا در این موارد، نارضایتی خداوند را در پی دارد؟ و یا حداقل از لوازم و شرایط

۱- شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه، ص ۳۴۷.

۲- شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه، ص ۳۴۷.

و مسیر رقابت سیاسی ممدوح چشم پوشی شده است؟ به نظر می رسد که در مدینه قرآنی مهدوی، تمام این موارد مورد محاسبه و توجه ویژه خواهد بود.

آیا این رقابت سیاسی برای به دست آوردن امکانات مادی حتی در عرصه سیاست است یا صرفاً جهت رسیدن به کمالات معنوی؟ یا هر دو با هم مرتبط می باشد؟

رقابت سیاسی مثبت، فواید ارزشمندی برای فرد و دیگران دارد که از بحث تفسیری در زیر مبحث سارعوا قابل استخراج است:

در حقیقت قرآن در این جا از این نکته روانی استفاده کرده که انسان برای انجام دادن یک کار اگر تنها باشد معمولاً کار را بدون سرعت و به طور عادی انجام می دهد، ولی اگر جنبه مسابقه بگیرد، آن هم مسابقه ای که جایزه باارزشی برای آن تعیین شده، تمام نیرو و انرژی خود را به کار می گیرد و با سرعت هر چه بیشتر به سوی هدف پیش می رود و اگر می بینیم هدف این مسابقه در درجه اول، مغفرت قرار داده شده، برای این است که رسیدن به هر مقام معنوی بدون آمرزش و شست و شوی از گناه ممکن نیست. نخست باید خود را از گناه شست و سپس به مقام قرب پروردگار گام نهاد.(۱)

اما زمانی هم می رسد که رقابت سیاسی فی نفسه با الگوهای غربی همخوانی دارد که جدای از معارف اسلامی است، یعنی اگرضد آن نباشد حداقل قوانین و شرایط و اهداف قرآنی در رقابت سیاسی لحاظ نشده است.

۱- شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه، ص ۳۴۷.

شاید بتوان این رقابت سیاسی را منفی و در مقابل نوع اول لحاظ کرد. رقابتی که بر اساس فرهنگ دنیوی و به هدف رسیدن به قـدرت و متاع دنیا (فی نفسه) باشد. رقابت سیاسـی اهل ایمان و مدینه های اسـلامی و از جمله مدینه فاضـله مهدوی از این نوع نمی باشد که با این عبارت قرآنی قابل بررسی است: «یسارعون فی الکفر، یسارعون إلی الکفر»(۱). برخی مفسرین معتقدند که تفسـیر «یسـارعون فی الکفر» بـا تفسـیر «یسـارعون إلی الکفر» متفـاوت است «زیرا جمله اول دربـاره کسـانی گفته می شـود که کافرنـد و در درون کفر غـوطه ور و برای رسـیدن به مرحله نهـایی کفر بر یکـدیگر سـبقت می گیرنـد، ولی جمله دوم دربـاره کسانی گفته می شود که در خارج از محدوده کفر به سوی آن در حرکتند و بر یکدیگر سبقت می گیرند.(۲)»

تعجبی ندارد که در تمام عرصه های فردی و اجتماعی از جمله عرصه های سیاسـی، این گونه رقابت های منفی هم بین افراد و گروه ها وجود دارد.

ب) در برخی آیات قرآن کریم، مباحثی هست که در زیر عبارت سبقت و ... مطرح شده است. در سوره واقعه از سه گروه نام برده شده است: اصـحاب یمین، اصـحاب شمال و سابقون(۳). آورده انـد که «سـابقون کسانی هسـتند که نه تنها در ایمان پیش قدمنـد، بلکه در اعمال خیر و صـفات و اخلاق انسانی نیز پیشـگامند. آنان «اسوه» و «قـدوه» مردمند و امام و پیشوای خلقند و به همین دلیل مقربان درگاه خداوند بزرگند.(۴)»

ص:۱۷۷

۱- مائده / ۴۱.

۲- شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه، ص ۳۸۴.

۳- واقعه /۱۰(السابقون السابقون).

۴- شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه، ص ۳۰۵.

در اینجا نیز مفهوم سبقت، همه اعمال و رفتار خیر را در برمی گیرد. حال چه سیاسی – اجتماعی باشد و چه فردی. علامه طباطبایی بر وسعت مفهومی و مصداقی برای رفتار نیک سابقون تأکید دارد و معتقد است که:

اگر بعضی از مفسران، پیشگام بودن آنها را تنها به سبقت در طاعه الله یا نمازهای پنج گانه یا جهاد، یا هجرت یا توبه و امثال اینها تفسیر نموده اند، هر کدام، گوشه ای از این مفهوم وسیع را در بر می گیرد وگرنه این کلمه اینها و غیر اینها را از خیرات و برکات شامل می شود.(۱)

در برخی تفاسیر، مصادیقی برای این آیه ذکر شده است. اما از نظر علامه طباطبایی، اینها مصداق هایی و به معنای محدود ساختن مفهوم آیه نیست.(۲)

این جنبه مثبت سبقت هم، در اعمال خیر فردی یا گروهی، اعمال و مواقف اجتماعی – سیاسی یا غیره لحاظ می شود و شاید بتوان گفت در رقابت سیاسی ممدوح با شرایط، لوازم و اهداف مثبتش قابل طرح است، اما در ذیل همین واژه باز گروهی پیشی گیرندگان از خدا دچار افراط می شوند و نوعی رقابت سیاسی منفی را شکل می دهند که در مفهومی جداگانه ذکر شده است: ((... وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ))(۳) آنها نتوانستند بر خدا پیشی بگیرند و از چنگال قدرت او فرار کنند.

در جای دیگری خداوند متعال در ماجرای حضرت یوسف می فرماید: ((وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ)) ...(۴)؛ و هر دو به سوی در دویدند.. که در این جا استباق هم در لغت به معنی سبقت گرفتن دو یا چند نفر از یکدیگر

۱- شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه، ص ۳۰۵.
۲- عنکبوت / ۳۹؛ تفسیر المیزان، پیشین، ج ۱۶، ص ۲۷۲.
۳- عنکبوت / ۳۹.
۴- یوسف / ۲۵.

است(۱) و ریشه اصلی آن همان سبق به معنای پیشی گرفتن است. در این آیه کریمه، اشاره به داستان حضرت یوسف شده است؛ وقتی که مقاومت سرسختانه، همسر عزیز را تقریباً مأیوس کرده بود. یوسف که در این دوره از مبارزه پیروز شده بود، احساس کرد که اگر بیش از این در آن لغزشگاه بماند، خطرناک است و باید خود را از آن محل دور سازد؛ با سرعت به سوی در کاخ دوید تا در را باز کند و خارج شد، همسر عزیز نیز بی تفاوت نماند. این بار به دنبال یوسف به سوی در دوید تا مانع خروج او شود. برای این منظور، پیراهن او را از پشت سر گرفت و به عقب کشید؛ به طوری که پشت پیراهن از طرف طول پاره شد.(۲) در این جا صحنه رقابتی است بین دو طرف که یکی با توجه به نوع عمل و هدف مثبت است و طرف دیگر منفی و نکوهیده است و گاهی در عرصه های سیاسی هم رقابت برخی احزاب و گروه ها بر اساس شرایط و لوازم و اهداف مثبت است، ولی نوع رقابت طرف دیگرش ممکن است ناسنجیده و با هنجارشکنی ها و بی قانونی ها و ... همراه و منفی باشد.

سبقت در برخی دیگر از آیات به مفهوم همان سبقت در خیرات آمده است. در جایی خداوند متعال می فرماید: ((فَاسْتَبِقُواْ الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُواْ يَأْتِ بِكُمُ اللّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)) (۳) و نیز می فرماید: ((فَاسْتَبِقُوا الخَيْرَاتِ إِلَى الله مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ)) (۴).

در نتیجه با توجه به کلی بودن مفهوم خیرات و شمول آن در امور فردی و

۱- شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه، ص ۳۰۴.

۲- شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه، ص ۳۰۵.

۳- بقره / ۱۴۸.

۴- مائده / ۴۸.

گروهی و عبادی یا سیاسی – اجتماعی و ...، و با توجه به انگیزه ها، اهداف، خط مشی یا روند رقابت سیاسی و شرایط و لوازم آن، در مدینه فاضله قرآنی مهدوی می توان از سه نوع رقابت سیاسی در آموزه های قرآنی نام برد:

۱- رقابت سیاسی مثبت

۲- رقابت سیاسی منفی

۳- رقابت سیاسی که یک طرف آن مثبت و طرف دیگر آن منفی است.

همچنین تقسیم بندی را می توان به گونه دیگری هم ارائه داد:

۱- رقابت سیاسی از حیث این که عمل مستحبی است.

۲- رقابت سیاسی از حیث این که واجب و تکلیف شرعی است. [مبحث واجب کفایی در صورت صلاحیت شرکت در رقابت و نبود نیروی کافی با این ویژگی ها و صلاحیت ها]

۳) رقابت سیاسی حرام و مکروه

از آثار رقابت سیاسی منفی آن است که تشنگان قدرت برای رسیدن به هدف خود به فریب مردم متوسل شده، تهمت می زنند؛ شایعه پراکنی می کنند؛ رقبا را تخریب می نمایند؛ اهانت و حرمت شکنی را مجاز می شمارند و....

در نتیجه، بسیاری از ابزار تبلیغات سیاسی که شایع شده، در گفتار قبل بررسی شد، ابزاری نامشروع و کاربرد آن در رقابت سیاسی منفی می باشد.

امام علی علیه السلام در باره رقابت های مثبت می فرمایند:

«رحمت خداوند بر شما سبقت گیرندگان به سوی منازلی که دستور دارید

ص:۱۸۰

آنها را آباد کنید و به آنها ترغیب گشته اید و به سویشان فراخوانده شده اید.(۱)»

در مدینه فاضله مهدوی کدام رقابت سیاسی وجود دارد؟ منفی، مثبت یا ترکیبی از هر دو؟ اگر در احکام قرآن در سیره معصومین، رقابت سیاسی مثبت مورد قبول و در برخی موارد لازم است، حرکت به گونه رقابت و سبقت و سرعت به سوی خیرات فردی و اجتماعی در حکومت مهدوی به نحو اکمل و اجمع آن وقوع می یابد، اما در حکومت مهدوی، رقابت دنیاگرایانه یا رقابت سیاسی بر اساس دنیوی شدن فرهنگ وجود ندارد و در نتیجه، رقابت سیاسی برای رسیدن به متاع دنیا از جمله مال و مقام نخواهد بود. در حدیثی آمده است:

چون قائم ما قیام کند، زمین با نور پروردگارش روشن گردد و مردی از میان شما مستمندی را می جوید که به او انفاق کند و زکات مال را از او بپذیرد، ولی کسی را پیدا نمی کند که آن مال را از او بگیرد؛ زیرا مردم به سبب آن چه خدا به آنان از فضل خود ارزانی می کند، بی نیاز شده اند...(۲)

مردم مدینه فاضله مهدوی به فضل خداوند بی نیاز از مادیات هستند تا برای کسب یا افزایش این مادیات دست به رقابت های سیاسی بزنند.

در حدیثی دیگر از امام باقر علیه السلام به این مطلب اشاره شد که پیش از تشکیل مدینه فاضله مهدوی، اساساً اموال و تمکنات دنیوی، موجب مبارزات و رقابت های خونین و اختلافات گروهی و قطع صله رحم می شد، اما در مدینه فاضله مهدوی چنین اتفاقاتی نخواهد افتاد:

اول کاری که قائم علیه السلام می کند، در انطاکیه است، پس تورات را از

۱- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۱۸۸.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷.

آنجا خارج می کند ... و به مردم در سال دو بار انعام می فرماید و در هر ماه، دو بار ارزاق را ارزان می کند و میان مردم مساوات را برقرار می کند ... و اموال دنیا از درون زمین و بیرون آن برای او جمع می شود، پس به مردم گفته می شود بیایید به سوی چیزی که به خاطر آن قطع ارحام کردید و خون ها را به حرام ریختید و به خاطر آن حرام های خدای عزوجل را مرتکب شدید و او [اموال] دنیا را چنان می بخشد که کسی قبل از او نبخشیده باشد.(۱)

به جای رقابت ها و دشمنی های مبتنی بر حرام و نتایج حرام، رأفت و رحم در دل های اجتماع مهدوی وجود خواهد داشت و مساوات و برادری در جامعه و حس بی نیازی و کرامت در میان افراد و گروه های آن مدینه فاضله برقرار می باشد:

رأفت و ترحم را در دل آنان جای می دهد؛ به طوری که مساوات و برادری میان آنها برقرار می گردد و آن چه دارند به طور مساوی میان خود قسمت می کنند؛ فقرا بی نیاز می شوند و کسی بر دیگری برتری ندارد و بزرگ بر کوچک ترحم می کند و کوچک بزرگ را احترام می کند و همه به دین حق متدین می شوند و طبق دستورات آن رفتار می کنند و حکم می نمایند...(۲).

پس در مدینه فاضله مهدوی، رقابت سیاسی بر اساس مال و مقام دنیا و رسیدن به آنها صورت نمی گیرد؛ برتری طلبی نژادی یا امثال آن وجود ندارد و

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۵.

بر اساس حس طمع یا نیازمندی و فقر هم نمی باشد. رقابت سیاسی همچون نامهربانی های ناشی از تهمت، شایعه، تفرقه ... و دیگر کدورت های موجود در برخی رقابت های امروزی به وقوع نخواهد پیوست و طرفین رقابت سیاسی همه متدین به دین حق می باشند و طبق دستورات آن عمل نموده و حکم می کنند و آن چه مهم است پیاده کردن احکام قرآن به گونه تمام و کامل و از جمله پیروی کردن مباحث، ذیل قانون سبقت در خیرات و سرعت در کسب مغفرت پروردگار و امثال اینها می باشد.

ص:۱۸۳

گفتار سوم: نظارت سیاسی

اشاره

نظارت سیاسی، ازجمله مباحثی است که شرح و تبیین آن می تواند ما را در شناخت شاخصه های توسعه سیاسی رهنمون باشد. در گفتار پیشین از رقابت سیاسی به عنوان نوعی مسابقه افراد و گروه های مختلف جامعه اسلامی و پیشی گرفتن در خیرات مربوط به نظام سیاسی، تصمیمات و فعالیت های مطلوب این حوزه یاد کردیم. در ادامه به این مطلب خواهیم پرداخت که نظارت سیاسی، جایگاهی در مدینه فاضله توسعه یافته خواهد داشت یا خیر؟ و آیا نظارت سیاسی صرفا کارویژه گروه هایی چون احزاب و ... محسوب می شود یا مبحثی دقیق تر و فراگیرتر در امر توسعه نظام اسلامی را به خود اختصاص داده است؟

۱) چیستی نظارت سیاسی

نظارت از واژه «نظر» به معنای گردانـدن به چشم و انـدیشه برای ادراک چیزی و دیـدن آن می باشد. این لغت گاهی به معنای تأمل و جست و جو و گاهی به معنای شناخت بعد از جستجو، یعنی درک و فهم هم آمده است.(۱)

۱- مفردات الفاظ قرآن کریم، ص ۸۱۲.

پس در مفهوم نظارت، نوعی نگاه دقیق و محقّقانه به چیزی اعم از مادی و معنوی نهفته است و با چشم سر یا با اندیشه یا هر دو صورت می گیرد؛ اگرچه ممکن است نوع و میزان و شرایط نظارت مانند برخی واژه های دیگر در اشخاص و اندیشه های متعدد متفاوت باشد، اما در نهایت، منظور اصلی از کلیه طرح های نظارتی یا کنترلی، «حصول اطمینان نسبت به مطابقت نتایج عملیات با هدف های مطلوب است.(۱)»

نکته مدّ نظر طرح ها یا گروه ها یا سازمان های نظارتی، همان توجه به مطابقت نتایج مورد نظارت با هدف های مطلوب می باشد که معیار سنجش و نتیجه گیری محسوب می شود.

اگرچه در تعریفی خاص تر، نظارت سیاسی، تنها به نظارت مجلس بر قوه مجریه اطلاق شده است: « نظارت سیاسی آن گونه از نظارت است که بر اساس آن مجلس بر کردار سیاسی قوه مجریه در طول دوره فعالیت آن نظارت و مراقبت دارد. این نظارت ناشی از مسؤلیت سیاسی آنها در مقابل مجلس می باشد.(۲)»، اما در مفهوم عام تر، نوعی نظارت «بر کنش های سیاسی(۳)» را شامل می شود. این کنش ها ممکن است در ظرف دولت و ملت هر دو به وقوع بپیوندند.

پس همان طور که نظارت ملت بر دولت را می توان مطرح کرد، عکس آن؛ نظارت دولت بر نهادهای مدنی و ملی بر مطبوعات و ... نیز قابل طرح است. برای مثال، مطبوعات مستقل، حزبی یا... از طرفی خود را ناظر بر تصمیمات

۱- نظارت همگانی و امر به معروف و نهی از منکر، ص ۳۶.

۲- نظارت و نهادهای نظارتی، ص ۲۵.

۳- نظارت هماهنگی و امر به معروف و نهی از منکر، ص ۳۷.

و اعمال دولتمردان در جهت رسیدن به هدف های مطلوب می دانند و از سوی دیگر، این دولت است که از طریق تشکیلات خاصی بر روند فعالیت های مطبوعات نظارت دارد تا خارج از قانون و اهداف نظام نباشد. در نهایت، نظارت سیاسی شامل توصیه و کنترل در امور مربوط به سیاست در حیطه مردم، دولت، نهادها و حتی نظام بین الملل هم می شود.

۲) اقسام نظارت سیاسی

نظارت سیاسی هم بر اساس فاکتورهای مختلف انواعی دارد. بر اساس عاملین آن شامل این موارد می باشد: ۱- نظارت عام: نظارت عامه مردم بر یکدیگر و بر دولت؛ ۲- نظارت خاص نهادینه: نظارت نهادهای خاصی در محدوده های خاص می باشد.

بر اساس گستره نظارتی نیز به دو نوع خرد و کلان تقسیم می شود: ۱- نظارت خرد یا حداقلی: بررسی عملکردها را مد نظر دارد و نظارت بر مجموعه است. صحت، شرایط و لزوم بقای آن مطرح است و فقط عمل مجریان با آن سنجیده می شود. ۲- نظارت کلان: شرایط و بقای شرایط را در نظر دارد و نظارت بر مجموعه است.(۱)

نوعی دیگر از تقسیم بندی بر اساس میزان اختیارات ناظر مطرح می شود که از: ۱- نظارت استصوابی: برای احراز شرایط و با حق استیضاح و لزوم پاسخ گویی در مورد سؤال مطرح می شود. ۲- نظارت استطلاعی: فقط ناظر به بقای شرایط است.

علاوه بر ناظر، هدف و نظارت شونده فاکتور مهم دیگر مسئله نظارت

۱- نظارت استصوابی و شبهه دور، ص ۴۰.

سیاسی، برنامه و قالب آن است که مبانی، ملاک ها، شاخصه ها و روش نظارت را مشخص می کند. نظارت سیاسی هم مانند اقسام دیگر کنترل ها به دو صورت ایجابی و سلبی به وقوع می پیوندد و همان طور که از نامش پیدا ست در نظارت ایجابی ناظر به دنبال تحقق اهدافی است و در نوع سلبی آن ناظر در پی جلوگیری از موانعی است که همانند سدی در روند صحیح جریان امور قرار داشته و نیز به دنبال حذف و برطرف کردن موانع راه است.

۳) حسبه و نظارت سیاسی

حسبه یکی از موارد و اصطلاحات فقهی است که می توان در تبیین نظارت سیاسی مورد مطالعه قرار داد. از لحاظ لغوی، حسبه اسم مصدر و از ریشه حسب به معنای شمارش کردن است.(۱)

معانی متعدد دیگری نیز از واژه حسبه شده است: «طلب اجر، نیکویی در تدبیر و اداره امور، خیرجویی کردن و انکار و خرده گیری بر کار زشت کسی(۲)».

دو مورد آخر را می توان از مفاهیمی دانست که در هنگام کاربرد آن توسط مراجع ذی صلاح در امور سیاسی و اجتماعی، نوعی قرابت معنایی با نظارت سیاسی خواهد داشت.

در تلازم کاربری معنای حسبه و واژه امر به معروف و نهی از منکر متذکر می شویم که «حسبه، جزئی از وظیفه گسترده امر به معروف و نهی از منکر است که مورد تأکید عقل و نقل می باشد.(۳)» و در واقع در این واژه ما با وظیفه

۱- حسبه یک نهاد حکومتی، ص ۱۹.

۲- حسبه یک نهاد حکومتی، ص ۲۰.

۳- حسبه یک نهاد حکومتی، ص ۲۰ به نقل از: کشف الغطا، ص ۳۵.

حکومت در باب امر به معروف و نهی از منکر مواجه هستیم؛ در حالی که تک تک مردم در امر به معروف و نهی از منکر نقش و وظیفه دارند. در نتیجه، حسبه، آن بخش از وظایف گسترده امر به معروف و نهی از منکر است که در شکل نهاد و تشکیلات خاصی در حکومت اسلامی وجود دارد و وظایف و صلاحیت های آن از وظایف دیگر نهادهای آن حکومت تفکیک شده است.

برای مثال در جمهوری اسلامی ایران، قوانین نظارتی وجود دارد که: «نظارت بر بازار، تجسّس برای مقابله با منکرات [وظیفه قوه قضائیه]، تلاش برای گسترش نیکی ها و اجرای آن [وظیفه قوه مجریه]، نظارت بر کارگزاران حکومتی [دیوان عدالت اداری و سازمان بازرسی کل کشور و مجلس شورای اسلامی]، نظارت بر حقوق اقلیت ها(۱) و فعالیت احزاب و انجمن های سیاسی و ...(۲)» از جمله آنها است. برای نمونه از عبارت آزادی مشروط درباره احزاب و ... می توان نظارت حکومت بر فعالیت های سیاسی– اجتماعی این گروه ها و اقشار را شناسایی کرد:

احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی، انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده آزادند؛ مشروط بر این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرده یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.(۳)

ص:۱۸۸

۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، (اصل سیزدهم).

۲- حسبه یک نهاد حکومتی، ص ۱۵۸-۱۵۲.

۳- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پیشین (اصل بیست و ششم).

۴) امر به معروف و نهی از منکر و نظارت سیاسی

از دیگر مفاهیم مربوط به نظارت سیاسی در قوانین اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر و نظارت همگانی است. در صفحات پیش متذکر شدیم که امر به معروف و نهی از منکر هم از جمله اموری است که مشمولین آن از لحاظ حقوقی یا حقیقی هم می تواند دولت باشد و هم مردم، گروه ها، احزاب و تمامی ساکنان جامعه اسلامی و این مطلب از پیامدهای نظارت سیاسی و یا لوازم آن محسوب می شود. امام محمد باقر علیه السلام درباره لزوم این فریضه و گستره آن می فرمایند:

امر به معروف و نهی از منکر، فریضه ای بزرگ است که در پرتو آن سایر واجبات اجرا و انجام می شود. در غیر این صورت، خشم الهی شامل مردم شده و همگان گرفتار عذاب می شوند ... امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و شیوه صالحان و فریضه بزرگ است و در پرتو آن، سایر فرایض و واجبات برپا می گردد؛ راه ها امن می شود؛ تجارت و کاسبی مردم حلال گشته؛ هر گونه ظلم و جور برچیده و زمین آباد می گردد؛ از دشمنان انتقام گرفته می شود و همه کارها روبه راه می گردد...(۱)

برخی علما درباره گستره منکر و معروف معتقدند که واژه منکر شامل «مکروه» هم می شود و لذا نهی از منکر بر دو گونه است: ۱- امر به معروف واجب نسبت به واجبات ۲- امر به معروف مستحب نسبت به مستحبات.(۲)

در نهایت هر چه را که خداوند به آن امر کرد و مردم را به انجام آن تشویق نمود، معروف و هر چه را خداوند از آن نهی کرده و مردم را از انجام

۱- امر به معروف و نهی از منکر، ص ۶۷، به نقل از فروع کافی، ج ۱، ص ۳۴۲.
۲- امر به معروف و نهی از منکر، ص ۸۲؛ رک: تحریرالوسیله، ذیل مبحث امر به معروف و نهی از منکر، ص ۴۶۳.

دادن آن حـذر داشت، منکر می باشد. این معروف و منکر در تمام ابعاد زندگی مردم نقش دارد و یکی از اینها بعد سیاسـی – اجتماعی آن است. مردم، گروهی یا فردی با حفظ حدود، شـرایط و مراحل امر به معروف و نهی از منکر نوعی نظارت سیاسی را بر افعـال مختلف حکومتی یـا اجتماعی اعمال می کننـد و از طرف دیگر هم حکومت با رعایت شـرایط و لوازم اقـدام به این فریضه الهی می کند.

در مدینه فاضله مهدوی هم حکومت بر سایر بخش ها نظارت قوی، آنی و به هنگام دارد. در حدیثی آمده است که:

قائم ما آن گاه که قیام کند، خداوند چندان نیرو به گوش ها و دیدگان می دهد که میان آنها و قائم ما پیک نخواهد بود، پس قائم ما با آنها صـحبت می کنـد و آنها هم صدای او را می شـنوند و به وی نگاه می کنند؛ در حالی که او در محل خودش می باشد.(۱)

در اینجـا نظـارت سیاسـی در دو حوزه مردم به حکومت و حکومت به مردم قابـل شـناسایی است، اگرچه مرکز ثقـل یـک این نظارت و صحبت های پس از آن گویا به حکومت بر می گردد.

در حدیثی دیگر از وضعیت نظارتی مردم بر یکدیگر در حوزه های مختلف مطلع می شویم و در مدینه فاضله مهدوی برای این گونه نظارت ها بعد مکان مانعی محسوب نمی شود. امام صادق علیه السلام می فرماید: «در زمان دولت قائم، یک فرد با ایمان که در مشرق باشد برادرش را در مغرب می بیند و آن کس که در مغرب است، برادرش را در مشرق می بیند.(۲)»

۱- بحار الانوار، ج۵۲، ص ۳۳۶.

۲- بحار الانوار، ج۵۲، ص ۳۹۲.

فصل پنجم: ظرفیت الگودهی مدینه فاضله مهدوی

اشاره

ص:۱۹۱

مقدمه

در فصول گذشته الگو را به منزله بهترین نمونه ای که اگرچه عینی نیست، اما قابل تحقق و ترسیم برای توسعه سیاسی نظام جمهوری اسلامی می باشد، معرفی نمودیم و ظرفیت را این گونه توصیف کردیم که نظام اسلامی ما در حوزه های طبیعی و عینی و نیز در حوزه های اجتماعی و توانایی های قابل تغییر و رشد تا چه میزان ظرفیت الگوگیری از آن الگوی مطلوب را دارد.

در نتیجه با توجه به این که مدینه فاضله مهدوی (شکل و نوع خاص آن) به عنوان الگوی مطلوبی است که تاکنون تحقق پیدا نکرده است تا چه میزان می توانیم با توجه به ظرفیت این الگو در الگودهی برای نظام جمهوری اسلامی ایران که عینی و تحقق یافته است و البته در حوزه های اجتماعی دارای توانایی های قابل تغییر و رشد به سمت الگوی مدینه فاضله است، بهره مند شویم و از مسائل مربوط به چهار موضوع توسعه یافتگی سیاسی که در صفحات پیش به آن پرداختیم، در چه گزینه هایی جمهوری اسلامی ایران می تواند از مدینه فاضله مهدوی الگوگیری کند و در چه فاکتورهایی از موضوع های مذکور، مدینه فاضله

ص:۱۹۲

مهدوی به دلیل ویژگی های منحصر به فردش ظرفیت الگودهی برای نظام اسلامی ایران را با توجه به اقتضائات زمانی و مکانی و شرایط محیطی و عینی دوران خودش ندارد. در صفحات بعد به بررسی این مسئله خواهیم پرداخت.

لازم به تذکر است که مقدمات و لوازم بحث ظرفیت الگوگیری که در فصل اخیر به آن می پردازیم، در فصل های پیشین مورد بررسی قرار گرفت.

۱. جامعیت ابعاد توسعه یافتگی سیاسی و ظرفیت الگودهی

گاهی تمرکز سیاست گذاران بر بخشی از فرایند توسعه یافتگی سیاسی منجر به غفلت آنان از ابعاد دیگر این فرایند می شود. طرح کلی ابعاد توسعه یافتگی سیاسی (دیدگاه آیت الله جوادی آملی)، جمهوری اسلامی ایران را به دقت و جامعیت الگوی توسعه سیاسی در مدینه فاضله مهدوی رهنمون می سازد. با توجه به این الگو اگر نظام ایران در توسعه سیاسی متوجه و ملتزم جهات متعدد آن نباشد و فقط به ساماندهی امر توسعه در برخی مصادیق و جزئیات کفایت کند، به تعبیر آیت الله جوادی آملی نه تنها از جامعیت الگوی توسعه در مدینه فاضله اتخاذ منش و روش نکرده است، بلکه توسعه را که نشانه سلامت و پیشرفت نظام ایران است، تبدیل به آماس کرده است (یعنی بزرگ شدن بخشی و کوچک ماندن بخش های دیگر)؛ درست مثل یک انسان بیمار که مثلاً سر او بسیار بزرگ است و دست و پا و شکم او بسیار کوچک.

پیکره نظام اسلامی ایران هم زمانی در سیاست گذاری های توسعه به الگوی مدینه فاضله مهدوی نزدیک می شود که به طور جامع در توسعه ابعاد مختلف سیاست گذاری های فرهنگی (علمی – اخلاقی ...)، اقتصادی، حقوقی، فن آوری

و تکنولوژی، هنری و ...، به صورت توأمان بکوشد و به گونه ای نباشد که مثلاً ـ رشد و توسعه کمّی و کیفی گروه های سیاسی – اجتماعی و احزاب به عقب روی فرهنگ سیاسی مطلوب و علم و اخلاق سیاسی فاضله منتهی شود.

علاوه بر آن، جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ الگوی مدینه فاضله مهدوی، در شاخصه های شخصیتی و مدیریتی مسؤلان توسعه سیاسی دقت ویژه ای دارد و در این راستا، اخلاص، تعهد و تخصص، خلاقیت، نظم، استقامت و.. را در آنها معیار قرار می دهد یا به آنان آموزش داده و نهادینه می سازد.

جمهوری اسلامی ایران با الگوگیری از طرح کلی توسعه یافتگی سیاسی در مدینه فاضله مهدوی، در تمام مراحل تصمیم گیری و اجرای سیاست های توسعه به هدف نهایی خود پای بند است و آن، تشخیص حق از باطل و عمل به حق توسط جامعه و مسؤلین [نورانی کردن انسان] می باشد که از طریق رشد و نهادینه کردن فضایل اخلاقی به دست خواهد آمد. امام خمینی رحمه الله در توجه به بعد توسعه سیاست گذاری های فرهنگی و اهمیت آن می فرمایند:

بی شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می دهد؛ هر چند جامعه در بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرت مند و قوی باشد، ولی [بدون آن] پوچ و پوک و میان تهی است...(۱)

ایشان در اهمیت بعد سیاست گذاری های اقتصادی توسعه می فرمایند: «اگر

ص:۱۹۴

۱- صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۶۰(۳۱/۶/۱۳۶۰).

مملکت شما در اقتصاد نجات پیدا نکند و وابستگی اقتصادی داشته باشد، همه جور وابستگی دنبالش می آید. وابستگی سیاسی هم پیدا می کنیم ....»(۱)

همچنین درباره اهمیت نقش سیاست صنعتی در پیشرفت و توسعه جمهوری اسلامی ایران می فرمایند:

سیاست صنعتی دولت جمهوری آینده بر اساس صنایع بنیادی و مادر خواهد بود؛ به طوری که هر گونه وابستگی از بین برود. با ایجاد صنایع مادر، توسعه کالاهای مصرفی صنعتی نیز به شکل توأم با آن، پیشرفت می کند که منافع مصرف کنندگان ایرانی مقدم بر هر چیز حفظ خواهد شد.(۲)

بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران درباره لزوم توجه به جامعیت ابعاد وجودی انسان می فرمایند: «اسلام می خواهد انسان را یک انسانی بسازد جامع، یعنی رشد به آن طور که هست بدهد، حظّ برزخیت دارد، رشد برزخیت به او بدهد؛ حظّ روحانیت دارد، رشد روحانیت به او بدهد؛ حظّ الوهیت دارد، رشد الوهیت به او بدهد.»(۳)

ایشان در جای دیگر می فرمایند:

انسان یک بعد ندارد، جامعه هم یک بعد ندارد. انسان فقط یک حیوان نیست که خوردن و خوراک همه شؤن او باشد. سیاست اگر صحیح هم باشد، امت را در یک بعد هدایت می کند و آن بعد حیوانی است. بعد اجتماعی مادی است، این سیاست یک جزء ناقص سیاستی است که در اسلام برای انبیاء و اولیاء است...».(۴)

۱- صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۱۷ (۱۰/ ۶/ ۱۳۵۸).
۲- صحیفه نور، ج ۳، ص ۲۵۳ (۲۴/۸/۱۳۵۷).
۳- صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۵۵ (۲۲/ ۷/ ۱۳۵۷).
۴- صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۱۷ (۳/۱۰/۱۳۵۹).

۲. مشروعیت سیاسی و ظرفیت الگودهی

دوام و اصالت رهبری در عصر غیبت و مشروعیت الهی او در توجه به این مطلب است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیه السلام هرگز از وضعیت حیات سیاسی – اجتماعی مسلمانان و انسان ها غافل نبوده اند و بخشی از امامت و هدایت آنها در بعد تشکیل حکومت می باشد. حکومت در مدینه فاضله مهدوی هم به تبع آن مبتنی بر مشروعیت الهی است و در همین راستا تلاش برای بهره وری بهینه از آرای سیاسی – اجتماعی اسلام صورت می گیرد. در جمهوری اسلامی ایران نیز می توان با استناد به این آراء، تئوری های ارزنده ای را در باب نوع مشروعیت یابی حاکم اصلح به جامعه بشری عرضه کرد و در عمل نیز حاکمیت برتر و کامل تر فقه و عدالت را به جهانیان متذکر شد. امام خمینی رحمه الله می فرمایند:

همان طور که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، مأمور اجرای احکام و برقراری نظام اسلام بود و خداوند او را رئیس و حاکم مسلمین قرار داده و اطاعتش را واجب شمرده، فقهای عادل هم بایستی رئیس و حاکم باشند و اجرای احکام کنند و نظام اجتماعی اسلام را مستقر گردانند.(۱)

ایشان همچنین می فرمایند: «... مطمئن باشید آن چه صلاح جامعه است در بسط عدالت و رفع ایادی ظالمه و تأمین استقلال و آزادی و ... در اسلام به طور کامل می باشد و محتاج به تأویلات خارج از منطق نیست.»(۲)

بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، بر توجه به تئوری های سیاسی –

ص:۱۹۶

۱- ولایت فقیه، ص ۸۰.

۲- صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۸ (۲۴/۱۱/۱۳۵۶).

اجتماعی موجود در مکتب اسلام تأکید داشته و می فرمایند:

اسلام مکتبی است که بر خلاف مکتب های غیر توحیدی در تمام شؤن فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظـامی و اقتصـادی دخـالت و نظـارت دارد و از هیـچ نکته ولو بسـیار نـاچیز که در تربیت انسـان و جامعه و پیشـرفت مادی و معنوی نقش دارد، فروگذار ننموده است و موانع و مشکلات سر راه تکامل اجتماع و فرد را گوشزد کرده است.(۱)

رهبری در نظام اسـلامی ایران نیز به تبع الگوی مدینه فاضله واجد شرایطی است که او را به صفات و ویژگی های امام رهنمون و جهت می دهد؛ از این رو ملکه تقوا و عدالت از شاخصه های ولایت فقیه است و آگاهی به قوانین الهی و اجتهاد در فقاهت، به تبع الگوی امـامت در عصـر غیبت لازمه رهـبری در جمهوری اسـلامی است و چنـان چه در دیـدگاه آیت الله جوادی آملی بررسـی شد، در واقع، ولایت و سـرپرستی فقه و عدالت در حکومت اسـلامی، در هر دو نظام (جمهوری اسلامی و مدینه فاضله مهدوی) با تفاوت درجات صورت می پذیرد.

این تفاوت درجات، همان مبحث ظرفیت الگوگیری را در خود جای می دهـد و در این موضوع، ظرفیت و مقام ولایت فقیه در مقـام عصـمت، علم لـدنی و برخی ویژگی هـا ــ که خـاص ولاـیت امام معصوم است ــ بروز می کنـد و در این گونه موارد و اموری که در مدینه فاضـله مهدوی مطلقا به واسطه این ویژگی های امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف صورت می گیرد، الگوگیری رهبری از این اختصاصـات در جمهوری اسـلامی ایران در عرصه عمـل، جواب نخواهـد داد. مثلاً در احادیث آمـده است که:

۱- صحیفه نور، ج ۲۱ (۱۵/۳/۱۳۶۸) و نیز رجوع کنید به وصیت نامه الهی – سیاسی امام خمینی رحمه الله.

«زمانی که قائم ما ظهور کند، خداوند دست او را بر سر بندگان می گذارد، پس عقل و افکار مردم کامل می شود.»(1)

رسیدن به کمال فکری و عقلی از طریق دست کشیدن بر سر مردم نظام اسلامی یا به شاخصه های اختصاصی امام معصوم عجل الله تعالی فرجه الشریف مربوط می شود که الگوگیری عینی از این اختصاصات برای غیر معصوم چنین پی آمدی را به دنبال نخواهد داشت، یا به کرامات اولیای حق بر می گردد و غیر معصوم هم در این عرصه، راهی برای رشد و تعالی دارند، بنابراین، ولی فقیه نیز در صورت کسب درجات عالیه روحانی می تواند از این شاخصه هم برای رشد فکری مردم نظام اسلامی الگوگیری کند، یا به رشد فن آوری و تکنولوژی کارآمد مربوط می شود که در این صورت بر اساس دیدگاه آیت الله جوادی آملی نیز، رشد صنعتی کارآمد و بهینه از وظایف سیاست گذاری های توسعه یافته است و قابل الگوگیری می باشد، یا مفهوم دیگری نظیر محبت کردن به افراد نظام اسلامی و از این طریق، قلوب و افکار آنها را به سمت حاکمیت الهی و در نتیجه درک و فکر بلندتر سوق دادن دارد که این هم قابل الگوگیری است.

در مورد رابطه رهبری و دیگر مسؤلین نظام با مردم، برخلاف سایر نظام های مبتنی بر مشروعیت غیر منصوب حاکم از سوی خداوند، رابطه ای پدروار برای هدایت و دستگیری از مردم و محبت به آنها ایجاد می شود. در مدینه فاضله مهدوی، رضایت همگانی از آن نظام برقرار است که با توجه به مسئله ظرفیت و مقتضیات زمان و مکان، نوع نیازهای دو جامعه، نوع مسئولین نظام که همه در خدمت رهبری و مطیع اویند،می توان این الگوگیری را از رضایت همگانی به رضایت عمومی تقلیل داد که البته

ص:۱۹۸

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۹۶ و ۵۹۷.

جمهوری اسلامی ایران با ترمیم ساختارهای سیاسی، تعلیم و تزکیه مسؤلین و کارگزاران نظام، بالا بردن فرهنگ نیاز شناسی در جامعه و حکومت و ترجیح نیازهای حقیقی (و برطرف ساختن آن) بر نیازهای کاذب و مصرفی می تواند گام بلندی در الگوگیری از مدینه فاضله مهدوی بر دارد تا جایی که حقوق حیوانات، مراتع طبیعی و ... هم رعایت شود و مانند الگوی مدینه فاضله مهدوی، رضایت در این بخش ها هم مورد توجه قرار گیرد: «ساکنان زمین و آسمان به او عشق می ورزند. آسمان، باران خود را فرو می ریزد؛ زمین، گیاه خود را می رویاند.»(۱) آن چه در ظرف دو نظام است، فراهم کردن امکانات، رعایت حقوق، کنترل و نظارت بر حیات طبیعی می باشد.

امام خمینی رحمه الله درباره نوع رفتار حاکمان اسلامی این گونه می فرمایند:

در مکتب های غیر مادی مدارا هست، خوش رفتاری هست، دعوت هست، تا آن جایی که ممکن است با دعوت، مردم را بر می گردانند به عالم نور و هیچ وقت در صدد جنگ و جدال نیستند؛ مگر این که احساس کنند به شدت رفتار می شود.(۲)

مقام معظم رهبری در مورد نوع ولایت می فرمایند:

ولایت، آن حکومتی است که شخص حاکم با آحاد مردم دارای پیوندهای محبت آمیز و عاطفی و فکری و عقیدتی است ... مردم به او متصل و پیوسته اند و به او علاقه مندند و او منشأ همه این نظام سیاسی، و وظایف خود را از خدا می داند و خود را عبد و بنده خدا می شمارد.(۳)

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۴.

۲- صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۳۸.

۳- پرسش و پاسخ از محضر مقام رهبری، ص ۵۰.

همچون مدینه فاضله مهدوی در جمهوری اسلامی ایران، این مردم هستند که با پذیرش مشروعیت الهی نظام مبتنی بر ولایت فقیه و امام، شرط تحقق این نظام ها را فراهم می نمایند و مردم با ولایت پذیری و اطاعت کامل و مبتنی بر رضایت و دوستی با امام و ولایت فقیه و الگوگیری از این ویژگی مدینه فاضله مهدوی می توانند در پیاده کردن کامل این شاخصه توسعه یافتگی سیاسی و کارآمدی نظام ایران کمک کرده و در آن نقش ایفا نمایند:

امت اسلامی به مهدی مهر می ورزند و به سویش پناه می برند، عدالت در پهنه گیتی می گستراند و صفا و صمیمیت صدر اسلام را به آنها باز می گرداند.(۱)

در مدینه فاضله مهدوی، مردم بر محبت رهبری با هم متحد و هم پیمان می شوند و با این الگو در نظام اسلامی ایران نیز با وجود وجوه مشترک و متفاوت میان افراد و گروه های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و ... ولایت فقیه و فرامین ولایی او می تواند مرکز ثقل گروه ها و آرای مختلف باشد و همین گروه ها در محور ولایت فقیه با هم متحد و هم پیمان باشند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: «جبرئیل به من خبر داد که این [آزارها] هنگامی زائل می شود که قائم ایشان قیام کند. نام ایشان بلندی می گیرد و امت بر محبت ایشان هم پیمان می شوند.»(۲)

امام خمینی رحمه الله اهمیت اتحاد و وحدت جامعه اسلامی را این گونه توضیح می دهند:

یکی از مقاصد بزرگ شرایع و انبیاء عظام (سلام الله علیهم) که خود مقصود مستقل است و وسیله پیشرفت مقاصد بزرگ و دخیل تام در تشکیل مدینه فاضله می باشد، توحید کلمه و توحید

۱- منتخب الاثر، ص ۴۷۸.

۲- بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۱۹۲.

عقیـده است و اجتمـاع در مهـام امور و جلوگیری از تعـدیات ظالمانه ارباب تعـدی است که مسـتلزم فساد بنی الانسان و خراب مـدینه فاضـله است و این مقصـد بزرگ که مصـلح اجتماعی و فردی است انجام نگیرد، مگر در سایه وحدت نفوس و اتحاد و همم و الفت و اخوت قلبی و ظـاهری، و افراد جامعه به طوری شونـد که نوع بنی آدم تشـکیل یک شـخص دهنـد و جمعیت به منزله شـخص باشد و افراد به منزله اعضاء و اجزاء آن باشد و تمام کوشـش ها و سـعی ها حول یک مقصود بزرگ و یک مهم عظیم عقلی که صلاح جمعیت و فرد است، چرخ زند.(۱)

در این جا کلام مشهور امام خمینی درباره حفظ جمهوری اسلامی از آسیب ها را می آوریم که فرمودند: «پشتیبان ولایت فقیه باشید تا آسیبی به مملکت شما نرسد.»

۳. مشارکت سیاسی و ظرفیت الگودهی

اصـل مشـورت و مشـارکت متخصصـین و صاحبـان نظران در تصـمیمات مختلف مربوط به امور داخلی و بین المللی جمهوری اسلامی ایران به تأسی از سیره قرآنی مدینه فاضله مهدوی، مورد پذیرش است.

مشارکت فکری و نظری اهل علم و تخصص در مورد شناسایی موضوعات، راهکارها و ... صورت می گیرد و با الگوگیری از سیره قرآنی مـدینه فاضـله مهدوی در تشـخیص احکام و قوانین الهی در ارتباط با عرصه های مختلف امور داخلی و بین المللی جمهـوری اسـلامی ایران مشـورت جـایز نیست: «در کـار خودتـان مشورت کنیـد، امـا در احکـام که کـار خـداست، حق شورا ندارید.»(۲)

۱- چهل حدیث، ص ۲۶۴.

۲- یعنی به منابع استنباط حکم شرعی بایستی رجوع شود. (ترجمه خلاصه تفاسیر المیزان علامه طباطبایی، ص ۱۰۶۵).

امام خمینی رحمه الله ، نقش اجتهاد و فقه را در تعیین احکام جمهوری اسلامی ایران این گونه متذکر می شوند:

اجتهاد به همان سبک صحیح است، ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست. زمان و مکان، دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. مسئله ای که در قدیم دارای حکمی بوده است، به خاطر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند؛ بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که حکم جدیدی می طلبد. مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد ... آشنایی با روش برخورد با حیله ها و تزویر های فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سیاست ها و حتی سیاسیون و فرمول های دیکته شده آنها و درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قطب سرمایه داری و کمونیزم که در حقیقت، استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می کنند، از ویژگی های یک مجتهد جامع است.(۱)

با تأسی از الگوی قرآنی مدینه فاضله مهدوی(۲) در جمهوری اسلامی ایران هم،

۱- چهل حدیث، ج ۲۹، ص ۹۸.

۲- امام علی(ع) می فرمایند: «... من و حسن و حسین و ائمه نه گانه از فرزندان حسین است و نهمین آن ها مهدی و قائم آن است از کتاب خدا جدا نشوند و کتاب خدا نیز از آن ها جدا نشود تا آن که بر رسول خدا در حوض کوثر درآیند.» (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۴۵۲).

اگر در مواردی مشورت با اهل نظر نتیجه غیرمفیـدی داشت، مثلا طبق پیشـنهاد آنها رفتار شـد، ولی آنها گزینه مناسبی را به هر دلیلی اعلام نکرده و نتیجه مطلوبی حاصـل نشـد، دلیل نمی شود که این اصل ترک شود؛ زیرا اصل آن امری لازم و پسـندیده است و سود آن (مثلا پرورش شخصیت اجتماعی افراد کشور) بر زیان آن غلبه دارد.

به تأسی از سیره علوی که بر اساس روایات، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برپا کننده آن در مدینه فاضله است، جمهوری اسـلامی ایران در امر انتخـاب مشـاوران، افرادی را گزینش می کنـد که دارای شـاخصه هـای خاصـی چون صـداقت (عدم نفاق)، صراحت، شجاعت، عدم طمع داشتن و ... باشند.

در جمهوری اسـلامی ایران، ولایت فقیه - و دیگر مسـئولین منصوب او - به تأسی از الگوی مدینه فاضله مهدوی بعد از شنیدن نظرات مختلف، رأی نهایی را خود اتخاذ می کننـد، لـذا مشاوران و دیگر اقشار نظام، اگر با رأی نهایی -که برخلاف پیشـنهاد خودشان بود- مواجه شدند، حق کارشکنی، اختلال و سرکشی را نخواهند داشت.

بیعت یا مشارکت مردم در امر پذیرش رهبری، به تأسـی از سـیره نبوی _ که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برپا کننده آن است« به خودی خود دارای اهمیت است.(۱)»

در جمهـوری اسـلامی ایران هم به طـور معمول، احتمـال پیمـان شـکنی افرادی وجود دارد که در ابتـدا ولاـیت فقیه را پـذیرفته بودنـد. در این صورت این گونه افراد هم به جمع مخـالفین یا منکرین این اصل پیوسـته و «ولایت پـذیری قبلی آنها، بی ارزش اعلام می شود.(۲)»

این موضوع مؤثر در توسعه سیاسی نظام اسلامی از اختصاصات مدینه فاضله

۱- ترجمه خلاصه تفاسیر المیزان علامه طباطبایی، ص ۲۷۴.

۲- ترجمه خلاصه تفاسیر المیزان علامه طباطبایی، ص ۲۷۴.

مهدوی است که در شرایط و اقتضائات فعلی، الگوگیری از آن برای جمهوری اسلامی ایران میسّر نمی باشد. در مدینه فاضله مهدوی حداقل گروه عظیم ولایت پذیر و بیعت کننده با رهبر بر بیعت خود ثابت قدم می مانند. در نتیجه هر از چند گاهی، وقت، انرژی و امکانات نظام اسلامی (که بایستی صرف توسعه و پیشرفت شود) برای طرح شبهات و پاسخ آن و هجوم فرهنگی و فکری و رخنه آن در عقاید عموم جامعه اسلامی (که منجر به حرکت انحطاطی و سکون می شود و حرکتی مغایر با توسعه است) و سعی در رفع آن هزینه نمی شود.

نظام اسلامی اگرچه ممکن است به این حد از توسعه یافتگی نرسد، اما با تأسی از این الگو، می تواند فرهنگ سیاسی مرتبط با مشارکت مردمی در پذیرش و اطاعت از رهبری (و منصوبین او را) نهادینه سازد و در نتیجه، مشارکت مردمی در سازندگی و پیشرفت ابعاد مختلف نظام ایران را به همراه داشته باشد.

به تأسی از الگوی مدینه فاضله مهدوی جمهوری اسلامی ایران در این مشارکت، زنان را هم دخیل می داند، اما شکل آن فرق می کند. مثلاً در رأی (به معنای بیعت بر پذیرش رهبری) مردان با پیامبر دست دادند و زنان در آبی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دست خود را در آن فرو برده بود دست بردند و این همان تعیین نوع و شیوه مشارکت زنان بر اساس قوانین و حدود الهی است که جمهوری اسلامی ایران می تواند از آن الگوگیری کند و بر اساس آن هرگز مشارکت زنان یا مردان نباید با شکستن حدود و حریم قوانین الهی همراه و توجیه شود. بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران می فرمایند:

«... زنان همچون مردان در ساختن جامعه اسلامی فردا شرکت

دارند. آنان از حق رأی دادن و رأی گرفتن برخوردارند.(۱) »

و نیز می فرمایند:

«آن چه اسلام با آن مخالف است و آن را حرام می داند فساد است؛ چه از طرف زن باشد و چه از طرف مرد فرقی نمی کند.(۲)»

در عصر حاضر، مفهوم بیعت در مواردی جایگاه خود را به رأی داده است، رای و اعلام نظر افراد در سرنوشت سیاسی ـ اجتماعی فرد و جامعه نقش ایفا می کند.

بیعت ورأی زمانی معنا و کارآمدی مشخصی خواهد داشت که در سطوح مختلف طرح شود. گاهی بیعت و رأی به طور مستقیم صورت می گیرد، مثل انتخاب ریاست جمهوری یا نمایندگان مجلس یا اعضای مجلس خبرگان و ... از سوی عموم مردم؛ گاهی هم با واسطه این بیعت صورت می گیرد؛ مثل انتخاب رهبری در نظام اسلامی از سوی خبرگان منتخب مردم؛ رأی در جایی که جلسات کارشناسی برای تشخیص راهکارهای تثبیت و پویایی نظام در عرصه های تخصصی ـ علمی و در ابعاد فرهنگی، اقتصادی، نظامی، صنعتی و ... شکل می گیرد نیز، مفهوم، جایگاه و کاربرد خاص خودش را دارد، که در صفحات پیش به این مباحث پرداخته شد. در مورد ارتباط بیعت با رأی و نحوه الگوگیری جمهوری اسلامی ایران از سیره نبوی در مدینه فاضله مهدوی می توان دو نوع رأی (بیعت یا هر عنوان دیگری) را در نظر گرفت:

۱. رأی به رهبری جمهوری اسلامی که به منظور اطاعت از ولایت فقیه است و

ص:۲۰۵

۱- صحیفه نور، ج ۴، ص ۲۵۹ (۲۵/۱۰/۱۳۵۷).

۲- صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۰۳ (۷/۱۰/۱۳۵۷).

البته رهبری هم عهده دار امور دنیوی و اخروی رأی دهندگان است و لذا التزامی دو طرفه در محتوا ایجاد می کند و در ایران از طریق انتخاب افراد صالح و واجد شرایط برای تشخیص مصداق ولایت فقیه (مثل مجلس خبرگان) صورت می گیرد.

۲. رأی به زیرمجموعه های نظام ولایت فقیه که در سیره نبوی با عنوان نقباء وظایف خود را تحت فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم انجام می دادند. این مطلب برای جمهوری اسلامی ایران نیز قابل الگوگیری است؛ به این معنا که مردم یک سری نقباء و کارگزارانی را برای انجام وظایفی تحت رهبری ولایت فقیه انتخاب می کنند. برخی مسئولین را هم خود رهبر گزینش می کند، مانند قضات یا رهبران جنگ و دفاع و ...، که با رجوع به سیره نبوی و علوی و اخبار مدینه فاضله مهدوی، قابل الگوگیری می باشد و شکل و کمیت آن به ظرف زمانی و مکانی هر دوران و نیازها و تعداد نیروهای کارآمد و خبره هر عصری ممکن است مرتبط باشد: «آن حضرت ۳۱۳ تن را به آفاق زمین می فرستد و دست بر پشت و سینه هایشان می کشد؛ پس در هیچ قضاوتی عاجز نمی مانند.»(۱)

امام خمینی درباره نقش مردم در تعیین کارگزاران می فرماید:

جامعه اسلامی ایران که با درایت و رشد سیاسی خود، جمهوری اسلامی و ارزش های والای آن و حاکمیت قوانین خدا را پذیرفته اند و به این بیعت و این پیمان بزرگ وفادار مانده اند، مسلّم، قدرت تشخیص و انتخاب کاندیده اصلح را دارند.(۲)

در مدینه فاضله مهدوی، قانون الهی (کتاب خدا و سنت معصومین) در

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳.

۲- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۴.

عرصه های متعدد آموزشی، پرورشی، سیاسی – اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی پیاده خواهد شد و مبنای سیاست گذاری های آن نظام است. در نتیجه، زمانی که مطرح می شود «زنان در خانه خود به کتاب خدا و سنت و روش پیامبر حکم می کنند»(۱)، یعنی این قشر هم نقش فعال و اساسی در تمام زمینه های مذکور خواهند داشت و در مسائل اصیل و سرنوشت ساز نظام حکم می دهند و چون کتاب خداوند، شمول احکام عبادی، سیاسی – اجتماعی، حقوقی، اقتصادی و ... را در بر دارد، حکم در این جا گویا مفهوم گسترده ای می یابد.

تأکید بر آموزش تمام مردم به قرآن، آن گونه که نازل شده است در مدینه فاضله مهدوی می تواند برای الگوگیری جمهوری اسلامی ایران به منزله فرهنگ سازی عمیق آموزه های سیاسی – اجتماعی (همراه با دیگر آموزه های اسلام) تلقی شده و الگو پذیر باشد. این فرهنگ سازی در میان اقشار مختلف به نهادینه سازی فرهنگ سیاسی آن نظام و در نتیجه، رشد عقول، افکار، اخلاق و رفتار سیاسی نظام تأسی گرفته از مدینه فاضله مهدوی منجر می شود و به تبع آن، همکاری و هم آهنگی جامعه اسلامی در جهت پیشرفت و توسعه جمهوری اسلامی را به دنبال خواهد داشت. امام خمینی رحمه الله درباره قانون اساسی جمهوری اسلامی می فرمایند:

«... قانون اساسی، همان قانون اسلام است و قانون اسلام، مسبّب آزادی ها و دموکراسی حقیقی است و استقلال کشور را تضمین می کند.(۲)»

۱- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۳۵۴.

۲- صحیفه نور، ج ۷، ص ۳۰ (۱۳۵۸/۹/۳).

در مدینه فاضله مهدوی مردم به واسطه اموال و امکانات مادی خود نیز، رهبری را یاری می رسانند و متقابلاً سیاست گذاری های مدینه فاضله، توسعه وضعیت معیشتی آنها را هم شامل می شود. این مطلب می تواند الگویی برای مشارکت مردم و مسئولین در جمهوری اسلامی ایران در جهت رفع نیازهای مادی مردم و نظام و در نتیجه، حرکت در جهت رشد و توسعه باشد که این مشارکت دو طرفه به واسطه رشد فکری – فرهنگی مردم و مسئولین به تأسی از الگوی مدینه فاضله مهدوی عموماً از روی رضایت و با افتخار صورت می گیرد، نه از روی اکراه و اجبار. مقام معظم رهبری در این باره می فرمایند:

«کار دیگری که باید انجام دهیم، این است که صحنه جامعه را از سه دشمن بزرگ، یعنی فقر و ناامنی و بی سوادی پاک کنیم».(۱)

همچنین ایشان می فرمایند:

همکاری دولت و ملت و پیوند عاطفی و عقیدتی مردم با مسئولان کشور، یکی از مظاهر اساسی حکومت مردمی است و تاکنون گره گشای مسائل بسیار مهمی بوده است و باید همیشه با همان قوت و استحکام بماند.(۲)

مشارکت در مدینه فاضله مهدوی فقط بین مردم و مسئولین صورت نمی گیرد، بلکه اعضای جامعه مهدوی در مسائل مختلف اجتماعی در مواقع مورد نیاز به یاری و تقویت هم می پردازند: «هنگامی که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند، کمک کردن به برادران واجب می شود و باید آنها را تقویت و کمک کرد».(۳) و

۱- راهبردهای اساسی خدمتگزاران و مدیران نظام اسلامی، ص ۲۸۴.

۲- راهبردهای اساسی خدمتگزاران و مدیران نظام اسلامی، ص ۱۵۶.

۳- اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۹۵.

این خود می تواند الگویی مطلوب برای ساختن و تقویت فرهنگ نوع دوستی و طرد خود خواهی و منفعت جویی در نظام اسلامی ایران باشد.

۴. رقابت و نظارت سیاسی و ظرفیت الگودهی

رقابت درونی افراد اگر به خوبی نظارت و هدایت شود؛ چنان که امام علی علیه السلام می فرمایند: «با نفس خود بجنگ و از او حسابرسی کن؛ همچنان که شریک از شریک خود حسابرسی می کند و حقوق خداوند را از او مطالبه کن؛ همچنان که خصم، حقوق خود را از خصمش مطالبه می کند.»(۱) مبنایی است برای رقابت گروهی و فعالیت های احزاب سیاسی؛ زیرا به تبع آن، این رقابت، دقت، حسابرسی و نظارت ویژه ای را در درجه اول از سوی خود عاملین رقابت می طلبد و این نشانه خردمندی و شرافت افراد و گروه های رقیب می باشد.

در نتیجه با این الگوی قرآنی، یعنی مبنای رقابت های گروهی در مدینه فاضله مهدوی، قابل الگوبرداری برای جمهوری اسلامی می باشد و با اتصال دو سر این ریسمان، یعنی رقابت درونی بین قوای نفسانی و قوای رحمانی و رقابت های سیاسی – اجتماعی می توان طرحی از نوع رقابت سیاسی کارآمد از آن چه متداول است، برای توسعه جمهوری اسلامی ارائه داد. امام خمینی می فرمایند:

«... اگر انسان یک مسلمانی را برای خاطر هوای نفس لگدمال کند، این در آن دنیا شاید مجازاتش بدترین مجازات باشد و در این دنیا هم موفق نخواهد شد. ما لسانمان باید لسان نصیحت باشد.(۲)»

ص:۲۰۹

۱- میزان الحکمه، ج۲، ص ۸۵۴.

۲- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۳۷.

به تأسی از الگوی قرآنی مدینه فاضله مهدوی در جمهوری اسلامی ایران نیز رقابت از باب ((وَسَارِعُواْ إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ)) می باشد(۱) و در تمام عرصه های مختلفی که به مغفرت الهی بیانجامد، افراد و گروه ها با هم به رقابت می پردازند، از جمله در عرصه های سیاسی – اجتماعی بر این اساس، رقابت های سیاسی ممدوح است و نیز جمهوری اسلامی نمی تواند از الگوی رقابت های سیاسی ای پیروی نماید که مشمول آن کارها و اهداف ناپسند یا حتی غیر خیر را هم در بر گیرد؛ زیرا مسارعت به مفهوم «کوشش و تلاش فردی یا گروهی در رسیدن به هدف خیر می باشد.»(۲)

در نتیجه، رقابت های مبتنی بر حرام و نتایج حرام در مدینه فاضله مهدوی وجود ندارد و لذا افراد و گروه های سیاسی – اجتماعی بر اساس رأفت و رحمت با یکدیگر در تعاملند که نظام اسلامی می تواند در طرح رقابت های گروه های سیاسی با عنوان احزاب یا غیر آن، اصل رأفت و دوستی بین گروه ها را به جای اصل دشمنی یا براندازی یا منفعت جویی گروهی، مبنای رقابت ها قرار دهد. امام خمینی رحمه الله در مورد حضور و فعالیت جناح های مختلف سیاسی در جمهوری اسلامی می فرمایند:

«حکومت ما جمهوری اسلامی است که متکی بر آیات قرآنی است و قانونش قانون اسلام است و جناح های سیاسی در آنجا در اظهار عقاید خود آزادند.(۳)»

از جمله موارد نامشروع و غیر قانونی که نباید رقابت سیاسی در جمهوری

۱- آل عمران / ۱۳۳.

۲- شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه، ص ۳۴۷.

۳- صحیفه نور، ج ۵، ص ۲۲۳.

اسلامی مبتنی بر آن باشد، از بین بردن وحدت کلمه در جامعه مسلمین است:

«رمز پیروزی، یعنی یک رمزش را، و او وحدت کلمه و آن اجتماع را دارند از ما می گیرند؛ گروه گروهش می کنند.(1)»

در رقابت های سیاسی – اجتماعی که الگوی آن از مدینه قرآنی مهدوی اتخاذ شده است، هدف، در درجه اول، مغفرت الهی است و جمهوری اسلامی ایران با تأسی از این الگو بررسی می کند که آیا احزاب و دیگر گروه های سیاسی و اجتماعی رقیب، حقیقتاً برای رسیدن به این هدف با هم رقابت می کنند یا خیر؟ در این صورت، اصلاحاتی در حیطه قانون و اجرای آن، صورت می دهد تا کمکی در رشد و توسعه نظام اسلامی از این طریق فراهم شود. با اغماض از این مسئله که اساساً در تئوری، احزاب وجودشان با هدف کسب قدرت پیوند خورده است و با این هدف ساختار و تشکیلات و قوانین ویژه ای دارد.

اگر گفته شود که کسب قدرت با هدف بالاتری مثل تقرّب به خداوند یا مغفرت الهی سنجیده می شود، پس هدف اصلی، تقرب به خداست، نه کسب قدرت. در نتیجه با این الگو در جمهوری اسلامی، گروه و حزبی به دلیل ترس نرسیدن به هدف میانی، یعنی کسب قدرت، هدف اصلی و نهایی خود را ــ که همان تقرب به خداوند است ــ فراموش نمی کند؛ قوانین الهی را در این باره زیر پا نمی گذارد و به شگردهای تبلیغاتی چون شایعه پراکنی، دروغ، تهمت، بزرگ نمایی، کوچک نمایی، زیر سؤال بردن امّهات دین و... متوسل نمی شود؛ چون اینها با هدف اصلی که تقرب به خداست، نه تنها تفاوت دارد، بلکه تضاد نیز دارد.

۱- صحیفه نور، ج ۸، ص ۵۰۸ (۱۶/۴/۱۳۵۸).

جمهوری اسلامی ایران از باب سبقت گرفتن هم[(۱)] می تواند از الگوی قرآنی مدینه فاضله مهدوی بهره مند شود و طرحی از رقابت سیاسی گروه های مختلف را ارائه دهد که ممدوح و مورد سفارش اسلام است و از حیث این که این رقابت سیاسی، عملی مستحبی است یا واجب و تکلیف شرعی است و یا حرام و مکروه، آن را سامان داده و فواید آن را در عرصه عمل به جهانیان نشان دهد. این گونه ژرف نگری ها و توجه به لطایف امور سیاسی و اجتماعی بشر مختص به اسلام و الگوگیری از آن است و شاخصه ها، نتایج و کارکردهای خاص خود را در مسیر پیشرفت نظام به همراه خواهد داشت.

علامه طباطبائی می فرمایند:

اگر برخی مفسّر•ین، پیشگام بودن آن را [سابقون] تنها به سبقت در طاعه الله یا نمازهای پنج گانه یا جهاد یا هجرت یا توبه و امثال اینها تفسیر نمودند، هر کدام، گوشه ای از این مفهوم وسیع را در بر می گیرد و اگر نه این کلمه، اینها و غیر اینها را از خیرات و برکات شامل می شود.[(۲)]

در الگوی مدینه فاضله، رقابت های سیاسی – اجتماعی بر اساس دنیوی شدن فرهنگ و در نتیجه رسیدن به مادیات نمی باشد و در این عرصه مردم گذشت دارند، نه رقابت:

چون قائم ما قیام کند، زمین با نور پروردگارش روشن می گردد ... و مردی از میان شما مستمندی را می جوید که به او انفاق کند و زکات مال را از او بپذیرد، ولی کسی را پیدا

۱- اشاره به سوره حدید / ۵۷.

۲- تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۳۰۵.

نمی کند که آن مال را از او بگیرد؛ زیرا مردم به سبب آن چه خدا به آنان از فضل خود ارزانی می کند، بی نیاز شده اند.(۱)

این شاخصه توسعه یافتگی در رقابت های گروهی نظام اسلامی ایران تا حدی که مربوط به فرهنگ سازی و تشخیص نیازهای حقیقی از کاذب و ترسیم برنامه های عملی در این راستا می باشد قابل الگوگیری است و بخشی از آن به سبب تمایز در تکامل فکری و اخلاقی جامعه مهدوی و سعی در رشد فکری و اخلاقی جامعه ایران و نیز به دلیل نعمت ها و برکات خاص در مدینه فاضله مهدوی در قابلیت و ظرفیت الگوگیری جمهوری اسلامی ایران نمی باشد. امام خمینی رحمه الله بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، اصل برادری مؤمنین را یادآور جامعه مسلمانان می شود و می فرماید: «همه مؤمنین را قرآن می خواهد که با هم برادر باشند و غیر از این هم نباشد در کار.»(۲)

نظارت سیاسی از جمله مسائل مربوط به توسعه سیاسی است و با توجه به مفهوم آن، «حصول اطمینان نسبت به مطابقت نتایج عملیات با هدف های مطلوب»(۳) از نیازهای مهم نظام اسلامی در جهت پیشرفت ضابطه مند و توسعه مطلوب می باشد و می تواند از نوع نظارت در مدینه فاضله مهدوی، یعنی قوی، آنی و به هنگام بودن آن الگوگیری نماید: «قائم ما آن گاه که قیام کند، خداوند چندان نیرو به گوش ها و دیدگان می دهد که میان آنها و قائم ما پیک نخواهد بود، پس قائم ما با آنها صحبت می کند و آنها هم صدای او را می شنوند

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷.
۲- صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۴۹۰. اشاره به بخشی از آیه ۱۰ سوره حجرات: (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ).
۳- نظارت همگانی و امر به معروف و نهی از منکر، ص ۳۶.

و به وی نگاه می کنند؛ در حالی که او در محل خودش است.»(۱)

در این جا الگوگیری در حوزه نظارت حکومت بر مردم و مردم نسبت به حکومت هر دو قابل بررسی است. ضمن آن که در حوزه اجتماع، مردم مؤمن بر احوال یکدیگر نظارت دارند (از باب امر به معروف و نهی از منکر). «در زمان دولت قائم، یک فرد با ایمان که در مشرق باشد برادرش را در مغرب می بیند و آن کس که در مغرب است، برادرش را در مشرق می بیند.»(۲)

مقام معظم رهبری، یکی از عوامل مؤثر کارآمدی نظام را در این مطلب می دانند: «عامل مؤثر دیگر در کارآمدی، زیر نظر داشتن دائمی مدیران است ...».(۳)

همچنین ایشان می فرمایند:

منکراتی که در سطح جامعه وجود دارد و می شود از آنها نهی کرد و باید نهی کرد، از جمله اینها است: اتلاف منابع عمومی، اتلاف منابع حیاتی، اتلاف برق، اتلاف وسایل سوخت، اتلاف مواد غذایی، اسراف در آب و اسراف در نان، ... هر کس به طریقی که می تواند؛ یک مسئول یک طور می تواند؛ یک مشتری نانوایی یک طور می تواند ...»(۴)

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۲.
۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۲.
۳- راهبردهای اساسی خدمت گزاران و مدیران نظام اسلامی، ص ۴۷۴.
۴- پرسش و پاسخ، ص ۷۰.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر در صدد بررسی این مسئله بود که ظرفیت الگودهی مدینه فاضله مهدوی برای توسعه یافتگی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟

مدینه فاضله مهدوی، جزیره خیالی و آرمانی به معنای غیر حقیقی یا غیرقابل وقوع بودن نیست. قسمت اعظم این مدینه فاضله _ که رهبری است و تمام سیاست گذاری های توسعه با مدیریت و تدبرّ و دیگر شاخصه های فردی و اجتماعی او به وقوع خواهد پیوست _ از طریق خداوند متعال تعیین و به استناد اخبار موثق و متواتر تحقق یافته است. در نتیجه، قسمت اعظم مدینه فاضله مهدوی نیز تحقق یافته و آرمان شهر مهدوی با یوتوپیاهای خیالی فاصله ای به اندازه فاصله خیال تا حقیقت خواهد داشت.

حاصل بررسی دیدگاه آیت الله جوادی آملی چنین شد که به خوبی می توان از الگوی مدینه فاضله اسلام در توسعه ابعاد مختلف سیاست گذاری های فرهنگی، حقوقی، اقتصادی، صنعتی و ... در اهداف و نوع ساختار اولیه، یعنی

ص:۲۱۵

محوریت رهبری الهی در این گونه سیاست گذاری ها، برای جمهوری اسلامی الگوگیری کرد. بنابراین، توجه و التزام به جامعیت توسعه سیاسی، نظام ایران را از بیماری ها و آفات حرکت به سمت توسعه سیاسی که در دیگر مکاتب و نظام های معاصر وجود دارد، با الگوگیری از مدینه فاضله مهدوی مصون می دارد.

در بررسی گزینه های انتخابی از توسعه سیاسی نتیجه می گیریم که در هر چهار مورد مشروعیت، مشارکت، نظارت و رقابت سیاسی، الگوی مدینه فاضله مهدوی در تبیین معنایی درست و کارآمد از این گزینه ها و تعیین حدود و ثغور آن، تصحیح اهداف و نوع بهره گیری کارآمد از آنها در مسیر توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران دارای ظرفیت بالایی است.

در بررسی این فصول به این نتیجه رسیدیم که نخست، مدینه فاضله مهدوی، در نهایت مدینه ای توسعه یافته است. دوم، این که این توسعه یافتگی، کامل ترین توسعه یافتگی در ابعاد مختلف است. سوم، قابلیت بررسی این ابعاد وجود دارد و شناخت نوع و چگونگی توسعه یافتگی در آن مدینه آرمانی، دست نیافتنی نمی باشد. علاوه بر این که قابلیت شناخت و تحلیل و بررسی ابعاد و میزان کمّی و کیفی شاخصه های توسعه یافتگی در مدینه فاضله مهدوی وجود دارد، ظرفیت الگودهی برای دیگر نظام های علاقه مند به توسعه سیاسی پایدار و کامل از جمله کشورهای اسلامی و جمهوری اسلامی ایران را نیز این نظام دارد.

شاید بتوان گفت جز در شاخصه های خاصّ رهبری مانند عصمت و علم لدنی و سیاست هایی که فقط معطوف بر به کارگیری این شاخصه ها ست، در

ص:۲۱۶

بقیه موارد به خوبی می توان از الگوی توسعه سیاسی مدینه فاضله، نه فقط در تئوری و روش، بلکه در اعمال سیاست های توسعه به نحو کارآمد و دقیق بهره گیری نمود.

تنها نکته ای که در مبحث ظرفیت الگودهی قابل بررسی است، درجات توسعه است که جمهوری اسلامی با توجه به آن الگو می تواند خود را به مدینه فاضله مهدوی نزدیک نماید، نه این که عین مدینه فاضله مهدوی شود و آن به درجات کمالات روحی و قدرت رهبری (عصمت)، درجات رشد فکری و اخلاقی مردم (تکامل فکر و اخلاق)، درجات شخصیت مدیران توسعه (بالاترین سطح شاخصه هایی نظیر تخصص، تعهد و ...)، درجات کمّی و کیفی مقبولیت مردمی یا ولایت پذیری و همین طور درجات مشارکت مردمی، رقابت و نظارت سیاسی بر اساس همان هدف نهایی، یعنی نورانی شدن جامعه در الگوی مدینه فاضله مهدوی (مردم نورانی مردمی هستند که حق را بدانند و براساس دانسته و علم خویش عمل کنند) مرتبط می باشد.

در نتیجه، تنها تفاوت غیر قابل الگو برداری را می توان در تکامل، یعنی به حد اعلا رسیدن ابعاد مختلف توسعه در مدینه فاضله مهدوی دانست. از لحاظ گستره کمی هم مسئله بعد جهانی مدینه فاضله و الگوی توسعه سیاسی مطرح می باشد که مباحث مربوط به آن از موضوع این مقاله خارج است؛ زیرا در این پژوهش، ظرفیت الگودهی برای توسعه سیاسی خود جمهوری اسلامی مد نظر بوده است.

ص:۲۱۷

منابع و مآخذ

اشاره

قرآن کریم.

۱.آریانپور، عباس، فرهنگ کامل انگلیسی به فارسی، ج ۵، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۹.

۲.آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، تهران، سهرودی، ۱۳۶۶.

۳.آقابخشی، علی، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۴.

۴.آلموند و دیگران، چارچوبی نظری برای بررسی سیاست مقایسه ای، ترجمه علی رضا طیب، تهران، نشر مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۶.

۵.اکبری، کمال، رابطه مشروعیت و مشارکت سیاسی، قم، معارف، ۱۳۸۴.

۶.افلاطون، جمهور، فؤاد روحانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.

۷.بابائی، غلامرضا، فرهنگ علوم سیاسی، ج ۱، تهران، نشر ویش، ۱۳۶۹.

۸.بدیع، برتران، توسعه سیاسی، ترجمه احمد نقیب زاده، تهران، قومس، ۱۳۷۶.

۹.برنجیان، جلال، کمال هستی در عصر ظهور، تهران، میقات، بی تا.

۱۰.پای، لوسین و دیگران، بحران ها و توالی ها در توسعه، ترجمه غلامرضا خواجه سروری، تهران، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰.

۱۱.جوادی آملی، عبدالله، انتظار بشر از دین، قم، اسراء، ۱۳۸۰.

ص:۲۱۸

۱۲.-------------، امام مهدی، موعود موجود، قم، اسراء، ۱۳۸۷.

۱۳.-------------، بنیان مرصوص امام خمینی، چ ششم، قم، اسراء، ۱۳۸۴.

۱۴.-------------، تفسیر موضوعی قرآن، ج ۸، تهران، رجاء، ۱۳۷۴.

۱۵.-------------، عصاره خلقت، چ دوم، قم، اسراء، ۱۳۷۹.

۱۶.-------------، ولایت فقیه، رهبری در اسلام، تهران، نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۷.

۱۷.-------------، ولایت فقیه ولایت فقه و عدالت، قم، اسراء، ۱۳۷۸.

۱۸.حاتمی، محمد رضا، مبانی مشروعیت حکومت در اندیشه سیاسی شیعه، تهران، مجد، ۱۳۸۴.

۱۹.حر عاملی، محمد بن الحسن، اثبات الهداه، ج ۳، قم، چاپخانه علمیه، ۱۱۰۴ ق.

۲۰.خالقی، علی، مشروعیت قدرت از دیدگاه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام۱۳۸۱ ،.

۲۱.خامنه ای، سید علی، پرسش و پاسخ از مقام رهبری، چ سوم، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر، ۱۳۸۲.

۲۲.-------------، راهبردهای اساسی خدمتگزاران و مدیران نظام اسلامی، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۲.

۲۳.خواجه سروری، غلامرضا، رقابت سیاسی و ثبات سیاسی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.

۲۴.دورژه، موریس، احزاب سیاسی، ترجمه رضا علوی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷.

ص:۲۱۹

۲۵.دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.

۲۶.راد، فیروز، جامعه شناسی توسعه فرهنگی، تهران، انتشارات چاپ بخش، ۱۳۸۲.

۲۷.راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن کریم، دمشق، دار العلم، ۱۴۱۲ ق.

۲۸.رزاقی، ابراهیم، الگویی برای توسعه اقتصادی ایران، چ ۲، تهران، نشر توسعه، ۱۳۷۰.

۲۹.رضایی، اسدالله، کالبد شکافی احزاب سیاسی، تهران، نشر آمنه، ۱۳۸۵.

۳۰.روزبه، محمد حسن، نظارت همگانی و امر به معروف و نهی از منکر، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۳.

۳۱.ره پیک، حسن، "ملاحظات حقوقی در رقابت های سیاسی"، مجموعه مقالات همایش رقابت سیاسی و امنیت ملی، به اهتمام محمد رضا تاجیک، بی نا، تهران، ۱۳۸۲.

۳۲.ژولین، فروند، جامعه شناسی ماکس وبر، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران، رایزن، ۱۳۶۸.

۳۳.سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج ۲، قم، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰.

۳۴.سبحانی، محمد تقی، الگوی جامع شخصیت زن مسلمان، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۲.

۳۵.سجادی، عبدالقیوم، مبانی تحزب در اندیشه سیاسی اسلام، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.

۳۶.سریع القلم، محمود، عقلانیت و آینده توسعه یافتگی، چ سوم، تهران، مرکز پژوهش های علمی و مطالعات راهبردی خاورمیانه، ۱۳۸۲.

۳۷.سید رضی، نهج البلاغه امام علی علیه السلام، ترجمه محمد دشتی، چ سوم، قم، فرایض، ۱۳۸۵.

۳۸.شجاعی زند، علیرضا، مشروعیت دینی دولت و اقتدار سیاسی دین، تهران، تبیان ۱۳۷۶.

۳۹.شریعتمداری، جعفر، شرح و تفسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴.

۴۰.شیخ صدوق، أبوجعفر محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۴ق.

۴۱.کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ترجمه منصور پهلوان، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، دار الحدیث، ۱۳۸۰.

۴۲.صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، جلد ۲، تهران، نشر کتاب، ۱۳۷۳.

۴۳.صرامی، سیف الله، حسبه یک نهاد حکومتی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.

۴۴.طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی، مجلدات ۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۸، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.

۴۵.---------------، مباحث علمی در تفسیر المیزان، ج ۱، قم، نشر اسلامی، ۱۳۸۴.

۴۶.عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، تهران، نی، ۱۳۷۸.

۴۷.عاملی، حشمت الله، مبانی علم سیاست، ج ۲، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۶.

۴۸.عروسی الحویزی، عبدالعلی، تفسیر نورالثقلین، جلد ۵، قم، انتشارات حوزه علمیه، بی تا.

۴۹.علوی، پرویز، ارتباطات سیاسی (ارتباطات، توسعه و مشارکت سیاسی)، تهران، نشر علوم نوین، ۱۳۷۵.

۵۰.علوی، رضا، اصول علم سیاست، چ دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۴.

۵۱.فارابی، ابونصر محمد، سیاست مدینه، ترجمه جعفر سجادی، تهران، انجمن فلسفه ایران، ۱۳۵۸.

۵۲.فاستر، مایکل ب، خداوندان اندیشه سیاسی، ج ۱، ترجمه جواد شیخ الاسلامی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.

۵۳.قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چ سوم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴.

۵۴.قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، تهران، نشر آفاق، ۱۳۷۶.

۵۵.قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده، ج ۳، استانبول، بی نا، ۱۳۱۰ق.

۵۶.کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، چ نوزدهم، تهران، نشر مدرس، ۱۳۷۴.

۵۷.کائوتری، هوئین و دیگران، مشارکت در توسعه، هادی غیرایی و داود طباطبایی، تهران، روشن، ۱۳۷۹.

۵۸.کلینی رازی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، مجلدات ۱ و ۲، قم، مؤسسه معارف الاسلامیه، ۱۴۱۴ ق.

۵۹.لاریجانی، محمد جواد، تدین، حکومت و توسعه، تهران، مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر، ۱۳۷۷.

۶۰.لکزائی، نجف، مستندات قرآنی فلسفه سیاسی امام خمینی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶.

۶۱.---------، سیره پیامبر در گذار از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی، ج ۲، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶.

۶۲.ماوردی، ابوالحسن، احکام السلطانیه والولایات الدینیه، مصر، مطبعه البالی حلبی، ۱۹۷۳م.

۶۳.مرندی، محمد رضا، نظارت استصوابی و شبهه دور، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه جوان، ۱۳۸۱.

۶۴.محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، مجلدات ۲ و ۱۵، ترجمه حمیدرضا شیخی، چ سوم، قم، دارالحدیث.

۶۵.مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، مجلدات ۱۶، ۵۱، ۳۷، ۵۲، ۷۲ و ۷۵، بیروت،مؤسسه الوفاء چ دوم، ۱۴۰۳ ق.

۶۶.مصباح یزدی، محمد تقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران، نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.

۶۷.---------------، حقوق و سیاست در قرآن، جلد ۲، قم، نشر مؤسسه پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۹.

۶۸.----------------، نظریه سیاسی اسلام، ج ۲، قم، مؤسسه پژوهشی امام خمینی، چ دوم، رحمه الله، ۱۳۷۹.

۶۹.مصفا، نسرین، مشارکت سیاسی زنان در ایران، تهران، نشر وزارت خارجه، ۱۳۷۵.

۷۰.مصطفی شاکر، کمال، ترجمه خلاصه تفاسیر المیزان علامه طباطبایی، ترجمه فاطمه مشایخ، تهران، نشر اسلام، ۱۳۷۹.

۷۱.مظفر، محمد حسین، شیعه و امامت، محمود عابدی، تهران، نشر مؤسسه اهل البیت، ۱۳۶۱.

۷۲.معین، محمد و شهیدی،جعفر، لغت نامه دهخدا، ج ۱۳، تهران، نشر مؤسسه دهخدا.

۷۳.مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، پیام قرآن، ج ۱۰، قم، مدرسه الامام علی بن أبی طالب علیه السلام، ۱۳۷۴.

۷۴.مکارم، محمد حسن، مدینه فاضله در متون اسلامی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.

ص:۲۲۳

۷۵.ملک افضلی اردکانی، محسن، نظارت و نهادهای نظارتی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۲.

۷۶.منتظری، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج ۲، قم، تفکر، ۱۳۶۹.

۷۷.مور، توماس، آرمانشهر (اتوپیا)، ترجمه داریوش آشوری و نادر افشاری، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۳.

۷۸.موسویان، ابوالفضل، مبانی مشروعیت حکومت، تهران، نشر ذکر، ۱۳۸۱.

۷۹.-----------، "بررسی منشأ مشروعیت حکومت اسلامی"، مجموعه مقالات کنگره خمینی و اندیشه حکومت اسلامی (فلسفه سیاسی ۱)، تهران، کنگره امام، ۱۳۷۸.

۸۰.موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور، مجلدات ۲، ۴، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۵ و ۲۰، تهران، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۶۱.

۸۱.--------------، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۳.

۸۲.--------------، ولایت فقیه، تهران، الست، بی تا.

۸۳.--------------، تحریرالوسیله، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم، مؤسسه انتشارات دار العلم، ۱۳۶۹.

۸۴.--------------، چهل حدیث، تهران، رجاء، ۱۳۶۴.

۸۵.میر احمدی، منصور، اسلام و دموکراسی مشورتی، تهران، نی، ۱۳۸۴.

۸۶.نفیسی، علی اکبر، فرهنگ نفیسی، ج ۵، تهران، خیام،۱۳۵۵.

۸۷.نقیب زاده، احمد، سیاست و حکومت در اروپا، قم،سمت، ۱۳۷۴.

۸۸.نوذری، حسینعلی، احزاب سیاسی و نظام های حزبی، تهران، گستره، ۱۳۸۱.

۸۹.نوری، حسین، امر به معروف و نهی از منکر، ترجمه محمد محمدی اشتهاردی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چ پنجم، ۱۳۷۵.

۹۰.واحدی، قدرت الله، مقدمه علم حقوق، تهران، نشر گنج دانش چ دوم، ۱۳۸۰.

۹۱.ویک، آدین لفت، سیاست و توسعه در جهان اسلام، ترجمه علیرضا خسروی و مهدی میرمحمدی، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر، ۱۳۸۴.

۹۲.هادی، علی، ساختار سیاسی اسلام و تعدد احزاب، ترجمه حامد بهرامی، تهران، احسان، ۱۳۷۹.

۹۳.هاشمی قزوینی، سید محمد، احزاب و گروه های سیاسی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، تهران، تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۸۵.

مقالات

۹۴.احمدی، علیرضا، "اسلام و توسعه اقتصادی"، مجله ابرار اقتصادی، ش ۵، ۱۱/۲/۱۳۷۸.

۹۵.بادامچیان، اسدالله، "بررسی های اجمالی پیرامون رقابت های سیاسی و اثرات آن بر امنیت ملی"، مجموعه مقالات همایش رقابت سیاسی و امنیت ملی، به اهتمام محمد رضا تاجیک، بی نا، تهران، ۱۳۸۲.

۹۶.قوام، عبدالعلی، "تحول مفهوم توسعه سیاسی"، همشهری، شماره ۱، ۳/۲/۱۳۷۷.

۹۷.کوثر، زینب، "توسعه سیاسی از دیدگاه اسلام و غرب"، ترجمه بابک خیری، أ ش ۳، ۲۱/۱۱/۱۳۷۷.

ص:۲۲۵

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹